

**سخن امام**  
راهنمای  
مستضعفین

میلاد خاتم الانبیاء ص که نوید  
استقلال واقعی و آزادی از  
قیود بندگی است بر مسلمین به  
راه ان رسول امی ص مبارک باد

زندگانی هشتمین ستاره آسمان ولایت  
حضرت السلطان علی بن موسی الرضا (ع)

در صفحه ۲

در صفحه ۱۳

فَارَقَعَ الْعَرَبُ نَبِيًّا  
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

# راه مهد

در راه خدا قبرش را در جفا بفرستد و در محراب دست خرد  
نثریه نهضت مجاهدین خلق ایران  
سال اول، شماره ۳، شنبه ۱۹/۱۰/۶۰  
بها ۵۰ ریال

## زندگی اخروی

نمونه های ایثار و شهادت  
در جبهه های نبرد اسلام و کفر

\* زندگی اخروی در هر لحظه، در هر مرحله، در هر تغییر تدریجی و در هر گامی وجود دارد. چرا که "کل یوم عاشورا".  
\* زندگی اخروی در هر مکان قابل تحقق است چرا که "کل ارض کربلا".  
در صفحه ۳



در سهایی از:  
**فتح السفتوح**  
طریق القدس خونبار

## ماهیت بلوای سبزوار

در این شماره بهتر دیدیم ماهیت بلوای سبزوار را که بنا بود سرتاسری شود آنطور که واقع شد تحلیل کنیم و لذا تحلیل زیراراکه توسط برادر تیسدمهدی غنی تهیه شده است چاپ میکنیم و دعای ما اینست که "اللهم فان كان عمری مرتعاً للشيطان فاقبضنی".  
پروردگارا اگر عمر من مرتع و چراگاه شیطان باشد مرا بمیران.  
"راه مجاهد"

"بنام خدای پرورش دهنده شهیدان حامی مستضعفین در هم کوبنده مستکبرین

تحلیل زبرد ۵ محور تنظیم شده است: الف: ضرورت تحلیل جریانات اخیر سبزوار. ب: سیر جریان و ماهیت آن. ج: رشد نهضت در نظام. د: زمینه سازی توطئه (برای جلوگیری از اضحلال). ه: اهداف آینده این جریان.

الف - ضرورت تحلیل جریانات اخیر سبزوار  
۱ - اصلی بودن مسئله جنگ  
از آنجائیکه بعد از یک مرحله سکون نسبی، نیروهای خط امام به سوی جبهه ها بسیج شده و داخل حمله مستمر و دفع تجاوز در جبهه ها حاکم گشته است. کما اینکه در سوزان نیز شاهد بسیج نیروها بودیم، لذا ستون پنجم دشمن در شهرها دست به حرکتی میزند که بقول امام اذهان را مشغول کرده و از جنگ باز دارند. بلوای سبزوار در شرایطی که حملاتی چون شام الاکمه، مهرماه و طریق القدس از یک طرف و مبارزه با توطئه طرح فهد از طرف دیگر در حال انجام است نیز چنین نتیجه ای در برداشت که بایستی با تحلیل صحیح از آن و برخورد آگاهانه با آن بدام این انحراف نیفتیم.

۲ - نشان دادن رشد و پیچیدگی باطل معمولاً چنین تشنجاتی که انجام میشود برخی آنرا دلیل تزلزل انقلاب و بی ثباتی جمهوری اسلامی و بی کفایتی خط اسلامی امام میدانند و با گسترش این حرکات انحرافی به یاس بیشتری میرسند و حال آنکه ایمان داریم که تلاشهای جریان باطل به تبع رشد و کمال جریان حق است و این را در تحلیل از جریان سبزوار و هر جریان دیگری میتوانیم ببینیم. با دیدن این تلاشهای جریانات انحرافی ایمانمان به حقانیت خط امام بیشتر میشود. (جاء الحق و زهق الباطل)

۳ - از یاد بردن دشمن اصلی و نیفتادن خود به خودی بدامن جریانات انحرافی.  
یکی از شیوه های جریانات انحرافی آن است که در موقع اضحلال برای جلوگیری از نابودی خود حرکتی انحرافی راه انداخته سعی میکنند مسائل فرعی بقیه در صفحه ۲

## افشای جبهه رهائی از دست امام

## ابراهیم (ع) عصیانگر همیشه تاریخ

بنام خدای شهیدان  
"ابراهیم عصیانگر همیشه تاریخ (۴)  
در شماره های گذشته راه مجاهد به بررسی آیات ۲۶، ۲۷، ۲۸ سوره زخرف پرداختیم اکنون در ادامه بحث به توشه گیری از آیه ۷۴ سوره انعام می پردازیم:  
وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ أَمْرًا وَعَكَبَ أُخْرَىٰ وَأَضَلُّوا آلِهَتَهُمْ

بیروانه رسمی انتشار راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت مشاوران عالی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آرامی گفت رسمی  
نویسنده: سید محمد باقر  
تاریخ: ۲۴۵۳  
شماره: ۳۶۰  
تاریخ: ۱۳۵۸

### صدور انقلاب و روحانی شهید کوچک خان جنگلی

بنام خدای شهیدان

در شماره گذشته راه مجاهد دنیا بود مقاله ای بمناسبت شهادت میرزا کوچک خان سردار جنگل و مجاهد خستگی ناپذیر خداستبداد و استعمار به خوانندگان عرضه کنیم و لسی بعلت کمبود جا و ضیق امکانات  
بقیه در صفحه ۱۵

- مطالب این شماره:**
- \* سرمقاله: ماهیت بلوای سبزوار
  - \* سخن امام، راهنمای مستضعفین
  - \* افشای جبهه رهائی از...
  - \* زندگی اخروی
  - \* توشه گیری از قرآن: ابراهیم...
  - \* میرزا کوچک خان جنگلی
  - \* در سهایی از طریق القدس...
  - \* اعلامیه های منتشره
  - \* نگاهی به زندگانی امام رضا (ع)
  - \* زندگی نامه شهید علی رضا سماوات
  - \* نگاهی به اخبار مطبوعات
  - \* زیارت و استراتژی عمل صالح
  - \* "با معرفت های با سواد"
  - \* دعای جبهه مستضعفین

## استقلال آزادی جمهوری اسلامی



# سخن امام راهنمای مستضعفین

" پیام امام در دیدار جمعی از پرسنل و مسئولان آموزشگاههای نظامی دادستان کل انقلاب و گروهی از اقاتای مختلف مردم :

بسم الله الرحمن الرحيم

این که گروههای مختلف نظامی و غیرنظامی روحانی و دانتحویا سایر طبقات در یک محل مجتمع و با یک مقدم مشغول فعالیت هستند و با میونسید از برکات اسلام و انقلاب اسلامی است. کجا شما آقاها را میتوانستید در رژیم سابق که دلبسته بودید خدا کردن روحانی از دانشگاه و نظامی از غیرنظامی و هر گروهی را در مقابل گروه دیگری با تحریکات و تبلیغات قرار دادن در یک مجلس مجتمع بشوید و روی یک مقدم آن هم مقدمیت کرد اسلام و انقلاب اسلامی و تحکیم جمهوری اسلامی همه فعالیت داشتند یا خود ما از دست آمریکا نباید غیبی گله کنیم. ولی سوار ام الفساد و است لکسین از کشورهای اسلامی و از حکومتهای اسلامی باید شکوه کنیم و بر سر این رژیم اسلام اینقدر بر سر این اجتماع و برای وحدت گله کنیم تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است یعنی روزهای راهپیمایی آورده است که با خود این روزها و انگیزه این روزها تحکیم وحدت میشود مثل غانورا و اربعین و قرآن کریم یا افتاری تا در این مطلب که متفرق میشانند مسلمین از هم جدا نمیشوند معتصبه حیل است. باشد آمریکا یا بدیه حسد آن تری که دارد و آنکه اختلاف بین مسلمین را و دفا فر مسلمین را بچاید و مسلمین را بحال مصرف کننده دارد آنها البته روی مقاصد پدید خودشان این مسائل را پیش میآورد و بعد هم از آنها توقع اینکه اینطور نباشند در اسلام اما مسلمین یعنی سران مسلمین اینها را نباید از زبان تکلیف داریم و باید فریاد در تنیم از دست آنها که خودشان را طرفدار اسلام معرفی میکنند و برخلاف نص قرآن کریم و برخلاف سنت رسول الله الامظم عمل میکنند و برخلاف مصالح کشورهای زبردست خودشان عمل میکنند. مشکل مسلمانیها اینست که موشها قیامت که بر آنها دارند حکومت میکنند و این اختلافاتی است که تا دست خود آنها در زمین خودشان ایجاد نمیشود. اگر نبود این طرح آمریکا و طرح دوم آمریکا بدست مبدع و طرفهای هم که بعدها درست خواهد کرد، اسرائیل به خودش حق نمی داد که بیایست و ارتقاءات جولان را به خاک خودش

ملحق کند. این طرحها موجب اختلاف شد و راه را باز کرد برای اسرائیل و شاگمان نکتید که قضیه ارتقاءات جولان است فقط قضیه بیشتر از این مسائل است و هیچکس نباید گمان کند که این دستگاههایی که درست شده است از قبیل سازمانهای بین المللی سازمانهای حقوق بشر و امثال اینها برای منافع ملتها قدمی بردارند و هیچ وقت گمان نکنید که مخالفت این سازمانها تاثیری داشته باشد در جنایات اسرائیل و امثال اسرائیل آمریکا هم آنها را مخالفت کرده است با این الحاقی لکن کدام آدم عاقلی است که باورش بیاید که اسرائیل بدون اجازه آمریکا وهم بدون تفاهم با او این اعمال را انجام دهد. اشکال در این است که بعضی حکومتها است که منافع خودشان را میدهند و خدا بفرموده است که نمیتواند در آزادی اولیبت برای خودشان و برای ملتشان به حدی میآوردند. اشکال همه مسلمین است و اسلام در این بی توجهی یا با توجه خیانت بعضی از سران کشورهای است. ملتها اگر نشسته اند که این دولتها برای آنها جلو اسرائیل را بگیرد و جلو قدرتهای دیگری که اینها را میخوردند به دلت بکشند و خدا تر آنها را ببرند این توقع بی خاکی است. شما ببینید که بیسن خود اعراب با این طرحها اختلاف انداختند بین حکومت اسلامی ما میخواهند با یک تبلیغاتی اختلافات پیدا کنند تبلیغ بسته اینکه شرور را زجرها را اینها دارند در دنیا و در دنیا بحرین چه کردند. آنها همه نقشه ها کشی است که برای مسلمین کشیده اند و راه اسلام را هم هر روز زیادتر میکنند و نتایجی که با بدیگریند شروع کردند. قضیه هر روز بیشتر با زمینکندونگات بین حکومتها راه هر روز زیادتر میکنند و نتایجی که با بدیگریند شروع کردند. قضیه همه شدن بلندیهای جولان به خاک کفایت اسرائیل با پشتیبانی آمریکا امتشانه سازمانهای دست نشانده آمریکا ندارد. هر چه میخواهند مخالفت کنند. او کار خودش را انجام میدهد. مسلمانان نتیشند که حکومتها بیایند برایشان عمل بکنند و اسلام را از دست مبدعین نجات بدهند و پشتیبانند که سازمانهای بین المللی برای

آنها کاری بکنند ملتها خودشان باید تفاهم کنند در مقابل اسرائیل ملتها باید خودشان تفاهم کنند و حکومتهای خودشان را و ادارکنند که در مقابل اسرائیل میایستند و اکتفا نکنند به حکومت کردن همانهایی که با اسرائیل عقداختند دارند آنها هم محکوم میکنند اسرائیل را لکن یک محکومیتی که با صورت جدی و به حسب واقع شوخی است. اگر مسلمین نشسته اند که آمریکا کار بکنند یا دست نشاندگی آمریکا برای آنان کار بکنند این قافله تا ابد لنگ خواهد بود. یکی از روزهایی که برای وحدت مسلمین، مسلمین آگاه از سالها طولانی انتخاب کردند مساله این است که به اعیان از قبیل مولود رسول اکرم "ص" و سایر موالیدند و سایر اربابا... مردم احترام قابل خوبند و شما بکنید در مقابل و موجب تحکیم وحدت آنها بشوند در همین قضیه مولود حضرت رسول "ص" است که از طرف بعضی از علمای ایران آقای منتظری دعوت شده است به اینکه از دوازدهم تا هفدهم شرکت کنند. همه مسلمین در جشن تا وسیله وحدت بین مسلمین باشد با زمینییم که یک بوقی از یک آخوند بسیار بی توجه به مسائل اسلام و وابسته به دیگران فریاد میزند که شرک است. احترام به پیغمبر شرک است. اینها را گرفتن منتها و ایران را محکوم کند و معلوم است چرا یکی آخوند که وابسته به دربار است و شما میدانید آنها را میخواهند از سر بکنند در مقابل مسلمین میایستند و اسلام میکنند است که احترام به رسول خدا "ص" شرک است این آخوند مفتی شرک را نمی بیند. اگر احترام به رسول شرک است پس اول شرک خود پیغمبر اکرم "ص" است و اول شرک خدای تبارک و تعالی است که احترام به پیغمبر را تا آنجا بالا برده است که در نمازها اسم او هست و اگر نباشد در بعضی جاهایش باطل میشود نماز اگر بعد از شهادت یا قوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، اگر بعد از قوت ایشان به نظر اسیب آخوند و دوستان نادان این آخوند وابسته به دربار احترام به پیغمبر شرک است پس در نماز که بعد از قوت رسول اکرم "ص" همه مسلمین میخواهند و سلام به رسول اکرم "ص" میدهند همه مسلمین حتی خود خود هم مشرک است اگر نماز خوانند

این نیست الا اینکه ما مورثانیم خود معصومین که خودشان بر اسمعوان مفتی حازند در بعضی از بلاد مسلمین، ما مورثانیم که ایستاد اختلاف کنند. از ایران صدای وحدت بلند می شود و از حجاز صدای اختلاف از مرکز می آید که رسول اکرم (ص) در آنجا مردم را دعوت کرده است تمام به حبل... و وحدت فرموده است. یک آخوند درباری صدای غناق بر می آید و فریاد میزند نفاقا نگیز می کشد و این ایران که به نظر آن آخوند مشرک هستند. صدای وحدت از این ایران بلند میشود جشن برای رسول اکرم آیا کجایی شرک است؟ شرک را نمی دانند چینی است یا می دانند می خواهند بیسن مسلمین ایجاد اختلاف کنند. مسلمانان از این آخوندهای درباری فاسد است و از این دولتها می که مثل آن آخوندها به خود کشی می خودشان می بینند. آمریکا روی مقاصد خودش با این کارها را میکند. روی مقاصد خودش با این ایجاد اختلاف میکند. لکن اسیب آخوندها چرا و این دولتها چرا شما که حربه نفت در دستتان هست و اگر بگردد نفت را ببینید بر غرب و بر شرق به اطاعت شما در می آیند شما هدیه می کنید از قیمت نفتتان به آمریکا و سایر قدرت های بزرگ و خودتان را به اسارت می کشید اینها است که برای مسلمین و برای اسلام هربه است. آنها هر تنه می می خواهند که زنده به کشور اسلام به کجوری که است نهت پیدا کرده است و قبل از این ملت با اسرائیل مخالفت کرده است و یکی از مخالفهایی که با پیغمبر رضا ای معصوم داشتند همین بود که چرا به اسرائیل کمک میکنند حالا این حرفهایی که از کلیسای آمریکا و از کلیسای ستگان آمریکا به او می شنود اینها ایران را هم می کشند که اسلحه از اسرائیل می خرد و بعضی از مطرودین خود ایران هم قایم میکنند این را گرفتار مسلمین است که با داشتن اینها ذخائر اینهمه اراضی و داراییون یک میلیاردر تقریباً جمعیت بواصله کجروی یک دسته اقلیت است که در راس واقع شده اند با یک مطیح قدرتهای بزرگ باشد. حالا که ایران از این قید اسارت بیرون آمده است و با مشت در دهان آمریکا و سایر قدرت ها کوبیده است و آنها را بیرون کرده است از کشور خودش و روحانی و دانشگانی را از

وزاندار مری و ملت همه با هم منجم شده اند و نخواهند گذاشت که قدرتهای دیگری در اینجا دخالت کنند این البته برداشته آن آخوندی که جیره خوار آمریکا و پیوندهای آمریکا است تلخ است و در ذائقه بعضی حکومتها می که دست نشانده هستند تلخ است و با همه قدرت دارند جدیت میکنند که این انسجام را از زمین ببرند و این وحدت کلیه را از زمین ببرند کشور ایران با تمام قدرتی که خواهد پیدا کرد انشاء الله هیچگاه منظر به این ندارد که تلخ و زهره یک ملت دیگر و یک کشور دیگر هر چه ضعیف باشد بکنند بلکه پشتیبان آنهاست. قدرت دارد لکن قدرت خودش را صرف پشتیبانی از سایر مسلمین می کند. این امثال مقام مافین گیسول خورده است که قدرت خودش را صرف میکند در اینکه اسلام را سرنگون کند و نهضت اسلامی را از زمین ببرد و الان که در لبه پرتگاه ملامت افتاده است دست و پا میکند کشورهای دیگری که هم ملنگ با او هستند استمداد میکنند که از این ورطه و راجات بدهند و بخواهند توانست. برادران من. برادران ارتشی. برادران نظامی. برادران سیاسی. برادران روحانی. برادران دانشگاهی. برادران کشاورز و صنعتگر و سایر قشرها این اسخامی که شما دارید در کشور اسلام در کشور شما تجلی کرده است. بزرگوار کشور شما جلوه گرفته است. فساد این جلوه الهی را بیاورید. همه فعالیتهای خودتان هر چه می توانید ادامه بدهید و از یاد بدهید. فعالیت خودتان را زیاد کنید. ارتشیان و پاسداران و بسیج و سایر قوای مسلح و سایر قوای مردمی در مطلی که هستند و در همه جا که هستند به فعالیت خودشان ادامه بدهند و فعالیت خودشان را زیاد کنند و دست اینها بکارها را از کشور خودشان کوتاه نکنند. به آنها مهلت ندهند که مستقیم کنند خودشان را از طرفهای جاهای دیگر قدرتی که آنها کمک بر ما خواهند دادند. برادران جوانان پشت جنبه توحه کنید و باید وظایف را بروند به این جنگ و سالها را در وطن بکنند. فعالیت جوانها هر چه زیاد است لکن باید زیادتر بشود و هر روز روز بعد بهتر باشد و خودتان را آماده کنید برای اینکه در مقابل این قدرتهای بزرگ ایستادگی کنید قدر این نعمت خدایی را که بیسن همه شما افشای ایداعات و اختلاف ایداعات و این انسجام بزرگ



# زندگی اخروی

نمونه های ایتار و شهادت

در جبهه های نبرد اسلام و کفر

## زندگی اخروی

عامل پیروزی بر امپریالیسم

(۱)

بنام خدای پرورش دهنده شهیدان " شعاریشخ ، شعوریشخ در طول تاریخ شصت ساله ایران دیده ایم خیلی هادم از مبارزه با امپریالیسم میزده اند حال آنکه از محتوای اصیل بر خوردار نبوده اند و به عبارت دیگر از یک رادیکالیسم پوک دم میزده اند. به اصطلاح مترقی - نمایا چپ نما بوده اند. اینها ملاکهایشان طوری بوده است که دانسته یا ندانسته در خدمت امپریالیسم درآمده اند. با شعار ضد امپریالیستی، مصدق را نماینده فئودالیسم و شهید مدرس را نماینده ارتجاع و رضا شاه این سرسریده انگلیس را بورژوازی ملی و مترقی می دانستند. با شعار ضد امپریالیستی با ملی شدن نفت و با مبارزات ضد انگلیسی مردم در سرتاسر ایران مخالفت میکردند با شعار رضا امپریالیستی شیوه تولید وابسته به امپریالیسم را تا ناید میکردند تا از دل گسترش صنعت وابسته، طبقه کارگر و صنعت پیدا کند. بی آنکه توجه کنند کارگرانی که تولید و زندگی اقتصادی آنها منوط به سرمایه گذاری امپریالیسم است عمدتاً به تولید، رفاه و امنیت آن وابسته می شوند و بندرت می توان از این طبقه کسانی را یافت که به نفی بنیادی امپریالیسم رسیده و به مبارزه تن دهند.

اینها با شعار رضا امپریالیستی "محمد شریف واقعی" و "صدیه لیاف" را نماینده طبقه مستهلك شونده دانسته و آنها را ترور کردند و با زیر پا گذاشتن اصل وحدت نیرو - هادرمبارزه با رژیم سلطنتی وابسته، عملاً به خط ساواک و ما در غلطیدند و اکنون با شعار ضد امپریالیستی، امام خمینی را نماینده طبقات روبه انحلال دانسته و هم خط با امپریالیسم به ترور پادشاهان و شخصیت های مذهبی و مبارز می برد از آنکه هم

هدفهای کودتای امریکایی نوژه می باشد و کارشان به جایی رسیده است که در سیر این مبارزات ضد امپریالیستی شان! حتی کودتای نوژه را هم محکوم نکردند، بلکه تنها گفتند که در آن شرکت نداشتیم که همین موضع رانیزی شک بخاطر ترس از کینه و خشم مردم اتخاذ کردند. در حقیقت در یک جمله خلاصه می شود که: "شعار ضد امپریالیستی آری، اما شعور ضد امپریالیستی، هرگز" هدف از این مقاله این است که نشان دهیم، فقط با اسلام راهتمای عمل است که می توان عمیقاً ضد امپریالیسم بود و "تحقق اسلام راهتمای عمل، زندگی اخروی، ضرورت الی اللہ یا حرکت جوهری در جهت خدا است"

### زندگی اخروی

در هر زمان و هر مکان قابل تحقق است زندگی اخروی یک زندگی ایده آلیستی (ذهن گرایانه) نیست. زندگی اخروی زندگی ایده آلی نیست که برخی وعده رسیدن آن را در پایان تاریخ میدهند. زندگی اخروی علاوه بر حق بودن، عینی و ملموس است و در هر زمانی مکان پذیر و قابل تحقق است. زندگی اخروی در هر لحظه، در هر مرحله، در هر تعبیر تدریجی و در هر گامی وجود دارد چرا که "کل یوم عاشورا" زندگی اخروی در هر مکان قابل تحقق است چرا که "کل ارض کربلا" خطمی کربلایی و نهضت حسنی یک شیوه و مشی اسلامی و به بهترین وجهی نیز رضا امپریالیسم است و تا به آخر، در هر شرایط دشواری نیز سازش با دشمن را نمی کند حال برای آنکه مشخص شود چگونه زندگی اخروی بهترین راه مبارزه با امپریالیسم است به بررسی خطوط امپریالیسم می پردازیم نگاه به عنوان عینی ترین و بهترین نمونه از مبارزه با

بقیه در صفحه ۴

## جنگ اسلام و کفر و تعالی عشایر

بنام خدای شهیدان

لکل مذهب رهبانیه و رهبانیه المذهبی الجهاد (حضرت محمد ص) هر مذهب زهد و تقوایی دارد و زهد و تقوای مذهب من همانا جهاد در راه عقیده می باشد. یعنی زهد و تقوا در مکتب اسلام جدا از مبارزه نیست. رزمندگان اسلام، جنگ اسلام و کفر را بعنوان یک واقعیت اصیل و ریشه دار در طول تاریخ پذیرفته اند و با شیوه زندگی جان برکف خود پرچم سرخ شهادت گلگون کفن اسلام را در دست گرفته و با ایثار خون خود به بهترین وجهی تداوم بخش این مبارزات خونین می باشند. ما سعی داریم وجه مختلف زندگی این رزمندگان جان برکف را با عینیت هایی که در جبهه ها می یابیم بررسی کنیم.

در این شماره ضمن شرح عملیات موفقیت آمیز گروهی از برادران رزمنده در برابر قوای مزدور بعثی، سعی داریم نحوه برخورد آنها را با عشا و بیوندشان را با آنان توضیح دهیم و اثبات ارزنده این برخورد متناسط را در کرده تا این شیوه را در مواجبه با توده های فطری الکو و سرمشق خود قرار دهیم.

ریحان در شمال سریل زهاب در قسمت کوه های دالاهو واقع شده است. این منطقه در ابتدای جنگ اسلام و کفر دست کفار یعنی اشغال گردید. برادر رزمنده همراهِ با عیحه نفرات را با رفا دار امام در برابر آنها حم عراقیها مقاومت کردند. به این ترتیب که وقتی ارتش عراق به سر پیل تاجا و زکرد در مقابل داد و فریاد این برادران رسیده، آنها که اقدام به عقب نشینی کرده بودند می گفتند: ما تابع دستور هستیم حتی یکی به اینها گفته بود شما هم بروید. ولی اینها در جواب گفته بودند ما عقب نمی رویم اگر قرار است بمیریم بگذار با شرافت بقیه در صفحه ۲۴

یکی از بچه ها نقل قول میکرد که وقتی یکی از دوستان مهمانش تمام میشود با ۴ عراقی روبرو میشود، یک کلسوخ بر میدارد و به آنها فرمان تسلیم میدهد، آنها خیال میکردند که دست برادرنا رنجک است و خودش را تسلیم میکنند. واقعا "اینجا انسان ایمانی، میناست که از کلسوخ سلاح میسازد و انسانهای بدون انگیزه خدائی با این همه ابزار تسلیم میشوند.

## مروری بر زندگی مجاهد شهید علی رضا سماوات

بنام خدای

پرورش دهنده شهیدان مجاهد شهید علی رضا سماوات رزمنده ای که در "طریق القدس" با خون پاک خود به حقانیت انقلاب اسلامی و امام گواهی داد. به مستضعفین جهان نشان داد که فتح قدس را در طرح های دیپلماتیک و سازشکارانه کمپ دیویدی (سادات و فهد) نمی توان بدست آورد، بلکه "طریق القدس" طریق خون و شهادت و ایثار است. طریق پیروزی خون بر شمشیر است. طریق حاکمیت انسان برابر با ریچیده دشمن است.

شهید علی رضا قطره ای بود از اقیانوس موج توده های شهادت طلب، که امام خمینی آن را از گوجه پس کوچه ها به جبهه کشاند تا اصلت آئین محمدی (ص) را با شیوه های خویش به عینه نشان بدهد. و دیدیم که امام پس از عملیات "طریق القدس" این روحیه ایثار و شهادت طلبی رزمندگان جان برکف را، "فتح القسوح" نام نهادند.

ما باید با شناخت این رزمندگان و خصوصاً طرح شیوه های زندگی آنان در جبهه، "فتح القسوح" را بهتر بشناسیم. آنچه در زیر می آید تلاشی در این مسیر است:

### ویژگیهای شهید

### علی رضا سماوات

یکی از همزمان شهید در مورد او و شیوه های برخوردش با مسائل جبهه چنین می گوید: "علی رضا در حمله طریق القدس (عملیات فتح بستان) جزو گروه شنا سازی بود و مسئولیت پاک کردن مین ها را به عهده داشت و حدود چهار ماه بود که به جبهه آمده بود. مدتی در کوه های الله اکبر و پس از آن در جبهه جولانه و سوسنگرد خدمت میکرد. در این جبهه که کنار رودخانه بود، علی رضا با اینکه شنا بلد نبود، اما مرتب خود را به



آب میزد. روزی سه بار آب تسی میگرد تا اینکه شش یا دگر گرفت و به بقیه بچه ها آموزش میداد. علی رضا آنقدر شاد و پر شور بود که من به حالش غیظه میخوردم. آن موقع که در کوه های الله اکبر بود تا یک تویی میدیدم متعول فونسال می شد و در آن گرمای تابستان در حالی که خیس عرق بود یک ساعت یک ساعت و نیم ورزش میکرد علی رضا اصراً رزیادی داشت که برنا مه دو را که قرار بود صحبا انجام شود، بطور مرتب برگرا رکنیم و در این زمینه خودش پیشقدم بود. او به ورزش خیلی علاقه داشت و معلوم بود که بین زندگی در شهر و جبهه یک رابطه نزدیکی هست و با جنگ خو گرفته است. علی رضا خوار با رفروشی داشت و وقتی میخواست به جبهه بیاید مغازه را به برادرش سپرده بود. بعد از مدتی برایش نامه نوشتند که فرصت اداره دکان را ندارند علی رضا گفت من به شهر میروم تا مغازه را بفروشم و برگردم. طوری که انگار می خواهد همیشه جبهه بماند. علی رضا در راه جنگ اسلام و کفر، خیلی سریع از وابستگیهای جدایی شد. ویژگی بارز علی رضا این بود که واقعا در جبهه زندگی میکرد. مثلاً یک مقدار رتخ میخورد خرید بود تا با آن با عچه درست کند. یا کمک بچه های یک قسمتی از زمین را صاف کرد. خاکها را کند، از جولانه پهن تهیه کرد و بسزیکاری کرد. سنگر

بقیه در صفحه ۲۳



## زندگی اخروی...

امپریالیسم، شیوه تحقق زندگی اخروی در جنگ اسلام و کفر است. می‌کنیم... سپس نمونه‌هایی از زندگی اخروی را در این رابطه ذکر می‌کنیم.

**خطوط امپریالیسم الف.** امپریالیسم می‌خواهد دائماً توسعه طلب باشد تا اقتصادش شکوفا شود.

**ب.** امپریالیسم برای حفظ منافع خود از طریق تشدید اختلافات دست به ایجاد بحران بین کشورهای منطقه می‌زند.

**ج.** کشورهای منطقه بر اثر اختلافات موجود، برای مقابله با یکدیگر، دست به دامان ابزار قدرتی می‌شوند و تکیه به یکی از جناح‌های قدرت در جهان، علیه همدیگر می‌کنند.

**د.** پس از ایجاد بحران در منطقه و در نتیجه روی آوردن کشورها بسوی ابرقدرت‌ها، با فروش سلاح به کشورهای منطقه، جرخ اقتصادشان بحركت درمی‌آید.

ترتیب که از یک طرف با فروش اسلحه صنایع نظامی امپریالیستی رونق می‌گیرد و از طرف دیگر کشورها منطقه برای پرداخت بهای ادوات نظامی، ناچار به فروش بی‌رویه و مستمر منابع خویش و خصوصاً نفت می‌شوند و نتیجتاً تراستهای نفتی امپریالیستی نیز در سایه خط "بحران رای"

امپریالیسم تغذیه می‌شوند به همین دلیل است که امپریالیسم شکوفا - بی‌اقتصاد خویش را درگروشدید بحران در منطقه می‌بیند.

توضیح اینکه پس از تجزیه و تلاش حکومت عثمانی استعمار سعی کرد زمینه‌های اختلاف و بحران را در بین کشورها نگاه‌دارد تا هر وقت که بخواهد، بتواند در هر نقطه‌ای که می‌خواهد ایجاد بحران نماید.

به عنوان مثال نمونه‌های زیر از ابرقدرت‌ها هستند: اختلاف مرزی بین ایران و عراق در سال‌های گذشته بر سر شرط العرب و غرب کشور، اختلاف بین ایران و اعراب بر سر جزایر و اسم خلیج فارس

اختلاف مرزی بین عراق و کویت اختلاف عربستان و اعراب، اختلاف فرقه‌ها و دین‌ها در هند و فارس و ترک، فارس و بلوچ، شیعه و سنی و.....

در ادامه همین خط است که می‌بینیم امپریالیسم اسرائیل راه عمل می‌کند و بحران مسلمین

عرب زبان می‌اندازد. تا در این درگیری، طرفین دعوا برای خرید اسلحه مدرن و سنگین، بسوی ابرقدرت‌ها رو آورند و به آنها وابسته شوند. مسئله‌جالب توجه اینکه دو طرف دعوا گاهی از یک کشور اسلحه می‌خرند. نظیر عربستان و اسرائیل، اردن و اسرائیل که از منابع نظامی امریکایی تغذیه می‌شوند، از طرف دیگر مصر و عراق و سومالی هم که ظاهراً از شوروی اسلحه تهیه می‌کردند، بالاخره در خدمت غرب درآمدند.

اینگونه اختلافات و بحران‌ها آنگاه حل می‌شوند که امپریالیسم به مقصودهای خویش رسیده باشد و اینکه دامنه آن دیگر بسودا و نیوده و به زیان‌ناش باشد. به عنوان مثال اختلاف مرزی ایران و عراق آنگاه توسط صدام و شاه حل شده هر دو کشور تا دندان مسلح شدند. اساساً از ماهیت وابسته رژیم صدام پدید آمده بود که تضاد آن با رژیم شاه نمی‌تواند یک اختلاف بنیادی باشد

دعوی ایندو یک دعوی زرگری بود تا به بهانه آن، بتوانند توجیهی برای سرازیر کردن سیل سلاح‌های امپریالیستی داشته باشند این اختلافات دیپلماتیک تنها زمانی متوقف گردید که دیگر اادامه بحران بسودجیش مسلحانه در منطقه تمام می‌شد. بطوریکه رادیوهای میهن پرستان، سروش و روحانیت مبارز جنبش مسلحانه ایران را تغذیه فکری و عملی می‌کردند. نحوه بمب‌ساختن را یاد می‌دادند دفاعیات مجاهدین را می‌خواندند هوشیاری انقلابی را درس می‌دادند و..... از این جهت اختلافات بسیار ساده و از طریق قرارداد ۱۳۵۴ حل شد. مثال‌های دیگری از این دست هست که با کمی فکر بیاد خواهید آورد

**جنگ اسلام و کفر**  
هنگامی که حمله صدام امریکایی به انقلاب اسلامی بوقوع پیوست که خود بی‌انگیز شد و گسترش انقلاب اسلامی و شیوه‌های آن در منطقه و جهان بود، عده‌ای سعی بر آن داشتند که شیوه‌هایی را در جنگ باب کنند که در خور انقلاب اسلامی نبود. از جمله این شیوه‌ها، شیوه جنگ‌موشک علیه موشک بود که دارای خطرات و مضرات زیر بود

عرب زبان می‌اندازد. تا در این درگیری، طرفین دعوا برای خرید اسلحه مدرن و سنگین، بسوی ابرقدرت‌ها رو آورند و به آنها وابسته شوند. مسئله‌جالب توجه اینکه دو طرف دعوا گاهی از یک کشور اسلحه می‌خرند. نظیر عربستان و اسرائیل، اردن و اسرائیل که از منابع نظامی امریکایی تغذیه می‌شوند، از طرف دیگر مصر و عراق و سومالی هم که ظاهراً از شوروی اسلحه تهیه می‌کردند، بالاخره در خدمت غرب درآمدند.

اینگونه اختلافات و بحران‌ها آنگاه حل می‌شوند که امپریالیسم به مقصودهای خویش رسیده باشد و اینکه دامنه آن دیگر بسودا و نیوده و به زیان‌ناش باشد. به عنوان مثال اختلاف مرزی ایران و عراق آنگاه توسط صدام و شاه حل شده هر دو کشور تا دندان مسلح شدند. اساساً از ماهیت وابسته رژیم صدام پدید آمده بود که تضاد آن با رژیم شاه نمی‌تواند یک اختلاف بنیادی باشد

دعوی ایندو یک دعوی زرگری بود تا به بهانه آن، بتوانند توجیهی برای سرازیر کردن سیل سلاح‌های امپریالیستی داشته باشند این اختلافات دیپلماتیک تنها زمانی متوقف گردید که دیگر اادامه بحران بسودجیش مسلحانه در منطقه تمام می‌شد.

بطوریکه رادیوهای میهن پرستان، سروش و روحانیت مبارز جنبش مسلحانه ایران را تغذیه فکری و عملی می‌کردند. نحوه بمب‌ساختن را یاد می‌دادند دفاعیات مجاهدین را می‌خواندند هوشیاری انقلابی را درس می‌دادند و..... از این جهت اختلافات بسیار ساده و از طریق قرارداد ۱۳۵۴ حل شد.

مثال‌های دیگری از این دست هست که با کمی فکر بیاد خواهید آورد

**جنگ اسلام و کفر**  
هنگامی که حمله صدام امریکایی به انقلاب اسلامی بوقوع پیوست که خود بی‌انگیز شد و گسترش انقلاب اسلامی و شیوه‌های آن در منطقه و جهان بود، عده‌ای سعی بر آن داشتند که شیوه‌هایی را در جنگ باب کنند که در خور انقلاب اسلامی نبود.

از جمله این شیوه‌ها، شیوه جنگ‌موشک علیه موشک بود که دارای خطرات و مضرات زیر بود

۱- توده‌های ایران و عراق هر دو قربانی این توطئه می‌شوند در حالیکه هر دو علیه صدام می‌ان

۲- بهمین راه که گدازانده بودند، در ۲۲

۳- فلسفه صدور انقلاب اسلامی که همانا صدور شیوه‌های اسلامی و گسترش اسلام است تبدیل می‌شد به صدور بمب و خرابی و صدور وحشت و کینه

۴- منطق اصلت ابزار و سلاح پیچیده که منطق سرمایه‌طلبی و امپریالیسم است، تثبیت می‌شد و جلوی رشد انقلابات منطقه را میگرفت. با ایدتوجه داشت که در کنار خط "موشک جواب موشک" خطوط انحرافی دیگری نیز وجود داشت

هستند. این شیوه مرزهای حق و باطل را مخدوش و بقول معروف آبلود را به نفع امپریالیست‌ها گل‌آلود میکرد. زیرا وقتی که صدام میان از آن طرف، با موشک خانه‌های مردم ما را ویران و زنان و کودکان را به شهادت می‌رساندند، اگر این عمل مقابل از این طرف نیز صورت می‌پذیرفت، دیگر مرزی بی‌سین شیوه‌های حق و باطل نمی‌ماند و می‌توانستند جنگ را که یک جنگ مکتبی آزادیبخش است تبدیل به جنگ دوارتش کلاسیک با شیوه‌ها خاص خودشان بکنند و این خود مانعی می‌شد برای صدور شیوه‌های انقلابی. با تحقق خط انحرافی موشک جواب موشک، تنها آن توده‌های مستضعفی بخاک و خون می‌افتادند که گناهی بجز استضعاف نداشتند.

۲- اقتصاد شیطان بزرگ در سایه خط انحرافی "موشک جواب موشک" رونق پیدا میکرد. یعنی باید پول مستضعفین را به آمریکا میدادیم تا موشک‌های مصرف‌شده جبران شوند و جایشان پر بشود نتیجتاً در عمل، این جنگ که جنگی مکتبی است، بخدمت همان اهداف گفته شده (خط بحرف زائنی امپریالیسم در منطقه) درمی‌آمد.

۳- فلسفه صدور انقلاب اسلامی که همانا صدور شیوه‌های اسلامی و گسترش اسلام است تبدیل می‌شد به صدور بمب و خرابی و صدور وحشت و کینه

۴- منطق اصلت ابزار و سلاح پیچیده که منطق سرمایه‌طلبی و امپریالیسم است، تثبیت می‌شد و جلوی رشد انقلابات منطقه را میگرفت. با ایدتوجه داشت که در کنار خط "موشک جواب موشک" خطوط انحرافی دیگری نیز وجود داشت

مثلاً عده‌ای می‌خواستند جنگ اسلام و کفر را به جنگ میگ بافانتموم تبدیل کنند. یعنی به توده‌هایی که قیام‌های پرشکوه ۱۷ شهریور ۲۲ بهمین راه که گدازانده بودند، در

۳- فلسفه صدور انقلاب اسلامی که همانا صدور شیوه‌های اسلامی و گسترش اسلام است تبدیل می‌شد به صدور بمب و خرابی و صدور وحشت و کینه

۴- منطق اصلت ابزار و سلاح پیچیده که منطق سرمایه‌طلبی و امپریالیسم است، تثبیت می‌شد و جلوی رشد انقلابات منطقه را میگرفت. با ایدتوجه داشت که در کنار خط "موشک جواب موشک" خطوط انحرافی دیگری نیز وجود داشت

مثلاً عده‌ای می‌خواستند جنگ اسلام و کفر را به جنگ میگ بافانتموم تبدیل کنند. یعنی به توده‌هایی که قیام‌های پرشکوه ۱۷ شهریور ۲۲ بهمین راه که گدازانده بودند، در

۳- فلسفه صدور انقلاب اسلامی که همانا صدور شیوه‌های اسلامی و گسترش اسلام است تبدیل می‌شد به صدور بمب و خرابی و صدور وحشت و کینه

۴- منطق اصلت ابزار و سلاح پیچیده که منطق سرمایه‌طلبی و امپریالیسم است، تثبیت می‌شد و جلوی رشد انقلابات منطقه را میگرفت. با ایدتوجه داشت که در کنار خط "موشک جواب موشک" خطوط انحرافی دیگری نیز وجود داشت

مثلاً عده‌ای می‌خواستند جنگ اسلام و کفر را به جنگ میگ بافانتموم تبدیل کنند. یعنی به توده‌هایی که قیام‌های پرشکوه ۱۷ شهریور ۲۲ بهمین راه که گدازانده بودند، در

۳- فلسفه صدور انقلاب اسلامی که همانا صدور شیوه‌های اسلامی و گسترش اسلام است تبدیل می‌شد به صدور بمب و خرابی و صدور وحشت و کینه

۴- منطق اصلت ابزار و سلاح پیچیده که منطق سرمایه‌طلبی و امپریالیسم است، تثبیت می‌شد و جلوی رشد انقلابات منطقه را میگرفت. با ایدتوجه داشت که در کنار خط "موشک جواب موشک" خطوط انحرافی دیگری نیز وجود داشت

مثلاً عده‌ای می‌خواستند جنگ اسلام و کفر را به جنگ میگ بافانتموم تبدیل کنند. یعنی به توده‌هایی که قیام‌های پرشکوه ۱۷ شهریور ۲۲ بهمین راه که گدازانده بودند، در

۳- فلسفه صدور انقلاب اسلامی که همانا صدور شیوه‌های اسلامی و گسترش اسلام است تبدیل می‌شد به صدور بمب و خرابی و صدور وحشت و کینه

۴- منطق اصلت ابزار و سلاح پیچیده که منطق سرمایه‌طلبی و امپریالیسم است، تثبیت می‌شد و جلوی رشد انقلابات منطقه را میگرفت. با ایدتوجه داشت که در کنار خط "موشک جواب موشک" خطوط انحرافی دیگری نیز وجود داشت

مثلاً عده‌ای می‌خواستند جنگ اسلام و کفر را به جنگ میگ بافانتموم تبدیل کنند. یعنی به توده‌هایی که قیام‌های پرشکوه ۱۷ شهریور ۲۲ بهمین راه که گدازانده بودند، در

سیر جنگ نقش اصلی و اساسی سپرده نشود. عده‌ای دیگر شعار سلاح سنگین را میدادند و می‌گفتند نفت و فروشیم و سلاح بخریم. که این شعار منطبق بر خط فروش اسلحه و دریافت نفت امپریالیسم بود و ما را به سازش و وابستگی می‌کشاند در میان تمامی شیوه‌های موجود تنها راه حل اسلامی، زندگی اخروی است.

"ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه" "جهاد در راه خدا و رهای بهشت است که خدا آن را برای بندگانش و دوستان خاص خویش گشوده است" (خطبه جهاد - نهج البلاغه)

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

بخواست خدا و رهبری امام جنگ به شکل انحرافی در نیامد جنگ موشک با موشک نشد. جنگ میگ بافانتموم نشد. جنگ بین دوزبان عرب و فارس نشد. جنگ دوزبان عرب و آریا نشد. جنگ دوزبان آریا و آریا نشد.

# نه مرگ بی مقصد، نه زهد ترس از مرگ، ایمان، هدف، زندگی جان به کف



# توشه گیری از قرآن ابراهیمیم عصیانگر همیشه تاریخ

شماره ۴

انتخاب کرده اید؟ همانا من تو و قوم تو را در گمراهی آشکار میبینم.

در آیات گذشته، سیر بر خورد ابراهیم، با ذهنیت قومش مطرح گردید که در آن ابراهیم با ارائه منطق توحید **إِلَّا إِلَهِي فَطَرَنِي وَأَنَا سَيِّدِي** به نفی خداهای مخلوق ذهن آنان پرداخت.

اکنون در بررسی آیه ۷۴ سوره انعام می بینیم که پس از طی مراحل اولیه و ارائه منطق توحیدی، او در پی آن است که منطق خویش را در غالب شیوه های برخاسته از دل مکتب تحقق بدهد. آنچه که در این آیه بدنبال آن هستیم، آشنایی با شیوه ایست که ابراهیم در برخورد با انسانها اتخاذ میکند.

ابراهیم با ملاکهای مستقل از ذهنی که داشته به شیوه توحیدی در برخورد با انسانها دست پیدا میکند که آن، شیوه برخورد با فطرت خدا جوی انسانها و تغییر و تحول درونی آنان از طریق تشدید شوق و رغبتشان میباشد. که این حرکتی است مبتنی بر نیاز زایل انسان و به بهترین وجهی متضمن رشد و تعالی آنان خواهد بود. این شیوه برخورد، شیوه توحیدی است که در آن وحدت در عین تضاد و تضاد در عین وحدت میباشد. یعنی با اصلت دادن به وجه اصلی این تضاد که همانا وجه "وحدت" است، وجه تضاد آن نیز نادیده گرفته نشده و با آن مبارزه میشود. (۱)

در قسمت اول آیه ابراهیم سوالی را مطرح میکند. می پرسد آیا شما اصنام را خدایان خویش گرفته اید؟ بی شک ابراهیم خوب میدانست که قوم گمراهش به غلط بتها را خدا قرار داده اند و در این رابطه برای او ایهامی وجود نداشت. اما این سوال را برای فطرتهای خدا جو و حق طلب مطرح میکند تا آنکه ما در خانه در پی یافتن خدا هستیم، در برابر این سوال بزرگ قرار گیرند و از خود بیشتن بپرسند آیا این بتها میتوانند خدایان ما باشند؟

ابراهیم با طرح این سوال میخواهد قومش را به فطرت کمال غلبیشان با زکشت بدهد **أَتَدْعُونَ كُفْرًا إِذْ أَنتُمْ مُسْلِمُونَ** تا شاید با درک فاصله عمیق بین خدای واحد با خداهای مخلوق ذهن، به زبونی و ناتوانی بتها معترف شوند. ابراهیم با این سوال میخواهد بگوید، آخر چطور ممکن است کسی، این اصنام بی تحرک و زبون که ساخته و پرداخته

دست و ذهن بشر است، را خدای خویش قرار دهد؟ او با این شیوه برخورد، توانایی و اصلت بتها را مورد سوال قرار میدهد و تضاد بین نیاز کمال طلبی و خدا جویی انسان را با بتها که تصویر ذهنی انسان نسبت به خدا هستند، تشدید

مینماید، در این رابطه وقتی ابراهیم می پرسد آیا شما این بتها را خدایان خویش گرفته اید "اتخذت" گرفتن مکانیکی و شکلی نیست، بلکه برگزیدن بتها یک مابه ازای درونی در انسانها دارد که همان نیاز به پرستش میباشد.

از طرف دیگر باید توجه داشت که ابراهیم از قوم خویش می پرسد آیا شما بتها را "إِلَه" قرار داده اید. "إِلَه" بمعنای خدای واحد و مستقل از ذهن نیست. بلکه از آن معنای عام "معبود" مستفاد می شود (۲) چنانکه در منطق توحید میگوئیم "لا اله الا الله" و در آن همراه با نفی "اله"، ایمان خود را به "الله" اعلام میکنیم. پس در این سوال ابراهیم می پرسد آیا شما اصنام را "إِلَه" و مظهر پرستش و تعبد خویش قرار داده و جایگزین واقعیت نموده اید؟

به این ترتیب ابراهیم، قومش را در رابطه با بطلان یا حقا نیت بتها به فکر می اندازد و آنان را لحظه ای از پرستش خود بخودی و کورکورانه بتهایی که از آباء و اجدادشان به ارث رسیده است، باز میگرداند. تا در نگرشی دوباره، در مورد توانایی و اصلت

از زندگی شان در آمده بود، او میدارد. این سوال تحولی در زندگی قوم ابراهیم است. پس از مدتها پرستش و تعبد در یک سو و ال عادی و همیشگی، با یسد چشمها را با زکندن و در یک مدار بالاتر، بتها را با نیاز خویش مطابقت دهند.

برای آنکه بخوانیم تا تیسر سوال ابراهیم را بطور ملموس نشان دهیم، میتوانیم بعنوان مثال فردی را در نظر بگیریم که با اطمینان به همواری راه، در یک مسیر با شتاب میدود. بی آنکه دغدغه خاطر از پستیها و بلندیها داشته باشد. در این حال کوچکتر بین مانع در این مسیر جرقهای در ذهن او خواهد زد و وی را نسبت به همواری راه مشکوک خواهد نمود. پس از این مرحله و دیگر نمیتواند طبق روال عادی و با خیال آسوده، مسیر را پیما یسد. بلکه نیاز زدا رد قدم به قدم که جلو میرود، از اطمینان راه اطمینان حاصل کند.

وضعیت قوم ابراهیم نیز به همین شکل است. پس از مدتها پرستش، بی سوال، بی شک و بی فکر، اکنون به مانعی برخورد اند که آرا مشا و ولیه آنان را بر هم

تبیین و منطق خویش را ارائه میدهد و قاطعانه میگوید: **لَيْسَ إِلَٰهًا وَكَانَ فِي الْأَسْمَانِ** ابراهیم خطاب به آرزو قومی که اکنون دیگر مشکوک و مرده هستند قاطعانه اعلام میکنند که من تو (آرزو) و قومت را در گمراهی آشکارا میبینم.

"ضلال" به معنای سرگردانی گمراهی و کمگشتگی است. همانند شتری که در بیابان افسار رها کرده اند. علیرغم آنکه خیلی نیاز دارد که به مأمن و مقصد مطمئنی برسد، ولی هر قدر جلو میرود و به هر سو رو میآورد، باز به هدف نمی رسد. سرگردانی این شتر "ضلال" است. به همین گونه قوم ابراهیم در ضلالت بسر میبرند.

چرا که اینها نیز بدنبال پاسخ گوئی به نیاز "پرستش" تلاش میکنند، به هر سو رو میآوردند اما چون بجای واقعیتها، تصویرهای ذهنی خویش را اصل گرفته اند، به هدف نمی رسند آنها رکوع میکنند، سجده میکنند اما در این تعبد، سمت را اشتباه گرفته و راه مستقیم را گم کرده اند. خدایان متعددی که مورد پرستش قوم ابراهیم قرار گرفته اند، دقیقاً "نشانگر تلاش پیگیران برای دست یابی به

ابراهیم با ملاکهای مستقل از ذهنی که داشت، به شیوه توحیدی در برخورد با قومش دست پیدا میکند که آن، برخورد با فطرت خدا جوی انسانها و تغییر و تحول درونی آنان از طریق تشدید شوق و رغبتشان می باشد.

ابراهیم می تواند وجه رشدیابنده قومش (نیاز به پرستش خدا) را ندیده و فقط وجه افول یا بنده آنان (پرستش بتها) را در نظر بگیرد و به اعتبار همین شیوه نگرش، با آنها برخورد نماید. که در این صورت نه تنها قوم او رشد و تعالی نمی یافتند و به منطق توحید نزدیک نمی شدند، بلکه هر چه بیشتر در گمراهی و ضلالت خود اصرار بیشتری می ورزیدند.

هدف و آرمان واقعی است، اما چون در عالم پدیده ها (نسبیت)، بدنبال یافتن "کمال مطلق" گشته اند، در عمل و به مرور با درک ضعف و ناتوانی معبودشان چاره نداشتند جز آنکه هر روز خدای جدیدی به خدا یان

زده است، تنها تبیین جدیدی از پرستش و اثبات حقا نیست بتهاست که میتوانند به آنان اطمینان قلبی دوباره ببخشند و اکنون آنها در پی این تبیین هستند. همین جاست که ابراهیم با اتکاء به فطرت خدا جوی انسانها

معبود خویش به قضاوت بنشینند. ابراهیم پرستش بتها را که بمشور صورت یک سنت، یک عادت و جزئی از زندگی روزمره آنها در آمده بود، به عنوان یک مسئله نویسن طرح میکند و آنان را به بررسی دوباره بتهایی که به صورت جزئی

خویش بیفزایند. بتهای سنگی، چوبی، فلزی، ماه، خورشید، ستارگان، طوفان، رعد و برق و... هر کدام نشانگر تلاش پیگیر قوم ابراهیم برای یافتن مقصود اصلی است. قوم ابراهیم هر یک از این خدایان را با شور و شوق پذیرفته اند اما پس از مدتی احساس کرده اند که این نیز بیراهه بوده است. در نتیجه راه دیگری را بر سر گرفته اند.

ابراهیم ضلالت قوم خویش را آشکارا میداند **كَلِمَاتٍ خَفِيَّاتٍ** زیرا خوب میدانند که اینها با گرفتن خدایان متعدد نشان داده اند که خود نیز به مرور بر زبونی هر یک از اصنام واقف شده اند. یعنی هر دوره بر معبودی دل بسته اما پس از آن در یافتند که این نیز نمیتواند پایا و سخگوی نیاز آنان باشد. به این ترتیب می بینیم که ابراهیم با علم به تلاطمات درونی مردم و عطش آنان برای یافتن معبود واقعی است که ابتدا سوال مطرح کرده و سپس قاطعانه، پرستش خدایان مخلوق ذهن را بیراهه و راه ضلالت و گمراهی میخواند.

ابراهیم میتواند وجه رشد یا بنده قومش (نیاز به پرستش خدا) را ندیده و فقط وجه افول یا بنده آنان (پرستش بتها) را مورد نظر بگیرد و به اعتبار همین شیوه نگرش، با آنها برخورد نماید. که در این صورت نه تنها قوم او رشد و تعالی نمی یافتند و به منطق توحید نزدیک نمی شدند، بلکه هر چه بیشتر در گمراهی و ضلالت خویش اصرار می ورزیدند، در عین حال بر اساس منطق توحید، ابراهیم نمی توانست بی تفاوت در برابر انحراف قومش یا قسی بماند و فقط وحدت خود را با آنها در نفس "پرستش" ببیند و به تضادهای موجود بینا ندهد اما گسترش جامعه توحیدی و گسترش امت واحده او را وادار میکرد که برای برخورد مستمر و تنگاتنگ، در پی کشف شیوه های متناسب باشد. بنا بر این منطق توحید، نه وحدت صرف و نه تضاد صرف است. بلکه همواره وحدت و تضاد همراه با یکدیگر مطرح میباشند.

شیوه برخورد ابراهیم با قوم گمراهش میبایست در اتخاذ شیوه برخورد با جریانهای مختلف راهنمای عمل قرار گیرد. برای نمونه: عملکرد و مواضع رجوی در زندان آشکارا نشان داده بود که فردی خصلتی و رهبری طلب است و نسبت به جوهر انقلاب اسلامی و امامت آن زیغ دارد. اما آنان که از ابتدا در جریان عمل و برخورد تنگاتنگ با او به این انحراف واقف شده بودند، بکمربند و بدون طی مراحل، نمی توانستند ذهنیت بقیه در صفحه ۶



# ابراهیم...

انحرافی بسیاری روبرو خواهیم بود که نه شکل یک طیف در برابر انقلاب عمل میکنند. مرزبندی بین جریانهای صادق و فریب خورده با جریانهای خصلتی و رهبری طلب، مینای برخورد توحیدی و ابراهیم گونه است. زیرا اگر در جریان انحرافی، جریان صادق و گول خورده را بشناسیم و موجودیت آنان را به خاطر بسپاریم، به جای برخورد عجولانه و مقطعی برای سرکوب انحرافات، در پی کشف شیوه های برای ارجاع افراد صادق به فطرت ضد ظلم و حق طلبشان خواهیم بود. این شیوه همان برخورد هدایت آمیز و تعالی بخش ابراهیم است که به زبانی در طول تاریخ به آنان که در راه خدا قیام کرده اند میگوید:

تو برای وصل کردن آمدی  
نی برای فصل کردن آمدی  
خط انقلاب در درجه اول جذب تمامی افرادی است که از مواضع گوناگون در برابر انقلاب ایستاده اند اما این انحراف از موضع ضعف معرفتی آنان است. آنگاه است که ابراهیم گونه بگوید: تیرها را برداشته و بتهای شرک و ارتداد را درهم بشکنیم.

افراد صادق را که مرکزیت جنبش ملی مجاهدین را به مثابه جریان رهبری انقلاب می شناخته و وارث ۱۵ سال مبارزات خلق ایران میدانستند، بشکنند. برخورد خام و بدون طی تغییرات تدریجی جز آنکه رجوعی را مظلوم جلوه داده و هواداران را نشانه دگم و تعصب بیندازد، نمی توانست تأثیر دیگری داشته باشد. در این میان همچون شیوه ابراهیم (ع) میبایست ابتدا در رابطه با مواضع این جریان مستمرا برخورد کرده و - مواضع ضد انقلابی و انحرافی آنان را مورد سؤال قرار میدادیم باید می پرسیدیم آیا مهدی رضایی در طول زندگی مبارزاتی خویش در کدام مقطع با چهره رفاه و وابستگی کنار آمده و هم موضع شده بود؟ آیا خط سازمان مجاهدین در تروورهای دوران اختناق رژیم وابسته به امپریالیسم، ضربه به ساواک و مستشاران خارجی نبوده است؟ پس چرا اکنون جنبش مایه لیسرا، که وابستگی فکری و طبقاتی با امپریالیسم دارد، سازش نموده و بر علیه امام خمینی ضدا میریالیست فعال شده است؟ آیا متوسل شدن به معزی سلطنت طلب و پنا بردن به فرانسه از خط شهدای سازمان مجاهدین درآمده است که در اختناق ساواک و سیا در خلقی ترین کوچه پس کوچه های شهرها در میان توده های شهادت طلب و ضد ظلم میزیسته اند و چریک راهمچون ماهی لاینفک از قیانوس بیکران توده ها میدانسته اند؟

واللهم رتئ الاشياء كما هي  
خدا یا واقعیت ابراهیم را آنطور که بوده ما بشناسان

والسلام علی من اتبع الهدی  
با ورقی (۱):  
رجوع شونده ما ده ۲ و ماده ۶ کتاب مکتب راهنمای عمل، از نهضت مجاهدین خلق ایران.

با ورقی (۲):  
تضادی ابراهیم بیشتر راهنمای عمل قرار میگرفت، اطلاق می شود، اعم از خدای واحد محدودتری از جریان جنبش ملی یا خدایان مخلوق ذهن. حال آنکه مجاهدین به جمع بندی مبارزه - "الله" مفهوم خاص معبود، یعنی مسلحانه علیه انقلاب خونبار خداوندی (خداوند واحد مستقل اسلامی) می رسیدند. از ذهن حاکم بر دیده ها (رامی) از این پس نیز با جریانهای رسانند.

"راه - جاهد"  
آنچه که باید در برخورد با بحث قرآنی ابراهیم مورد توجه قرار گیرد، این است که ما تنها برداشت های خود را از سیر برخورد حضرت ابراهیم (ع) ذکر می کنیم که بی شک به تعالی و باروری نیازمند است. در ضمن اینکه در این بحث از تفاسیر بسیاری از جمله تفسیر برتوی از قرآن، مفردات راغب، مجمع البیان، المیزان و... همچنین از ترجمه های مختلف قرآن استفاده شده است. همانطوریکه امام در تفسیر سوره "الحمد" گفته اند:

"قرآن یک کتابی نیست که ما بتوانیم یا کسی دیگر، یک تفسیر جامع آنطور که هست بنویسند. علوم قرآن یک علوم دیگری است ما و رای آنچه ما می فهمیم، ماها یک صورتی، یک پرده ای از پرده های کتاب خدا می فهمیم و باقی اش محتاج به تفسیر اهل عصمت است که معلم به تعلیمات رسول الله بوده اند"

# با معرفت های باسواد

بقیه از صفحه ۱۴  
مردمی که به اعتبار، عشق و نیازی که به ما مانوشده ای خود دارند و به اعتبار فطرت خدا جویشان و عشقی که به رفتن در صراط مستقیم دارند و به قصد اصلاح خویش و قرار دادن زندگی خود در مسیر درست به زیارت ائمه (ع) میروند.

همین مردمی که در رژیم طاغوت حاضر نبودند با اندوخته خود خرج ساختن درمانگاه را در دهستان بدهند و یا بچه هایشان را به مدارسی که رژیم سلطنتی برایشان ایجاد میکرد، نمی فرستادند، بچه های خود را وقتی مریض میشوند به زیارت امام رضا (ع) میبردند و از او میخواستند که بیماشان را شفا دهد و برای این کار حتی وام هم میگیرند و قرض و قوله هم می کنند. حتی دیده شده که در دوران شاه و ام های اقتصادی را بیشتر در امر زیارت بکار می انداختند که این عمل از طرف تحصیل کرده ها، حمل بردیوانگی و جهالت و بیسواد می شد. برآستی آیا اینکه این توده های محروم تن به طبابت اطیبی رژیم وابسته طاغوت نمی دادند و برای شفای بیماران خود دست به دامان ائمه میزنند، از روی جهالت و نادانی است؟

اگر به عمق حرکت توده های مردم یعنی زیارت ائمه (ع) و خطاب سلطان به ما مان توجه کنیم، می بینیم که این عمل به عمیق ترین وجهی مبارزه با رژیم طاغوت و هرگونه سلطنتهای غیر الهی است. خطاب "سلطان" به ما م رضا (ع) اظهار نیاز نسبت به ائمه اطهار و ابراز بینبازی نسبت به علمای تمهیلی رژیمهای طاغوتی است و خود بر خاسته از دل یکنیای زعمیق به پیوند با ما مان و شهدا و نیای زبیه به ما مان و ولایت توحیدی می باشد. مردم با خطاب "سلطان" به ائمه (ع) هرگونه قدرت و سلطنت طاغوتی را در برابر ولایت آنها پوچ و بی معنی میدانند و هرگونه رژیم سلطنت موروثی و ملوکیت و شرافیت را نفی می کنند.

مردم بظا هر نا آگاه خصلتا با این روش به نحوی بنیادین رژیم طاغوتی مبارزه می کردند. چرا که تن به هیچگونه اصلاحاتی در درون آن رژیم نمی دادند و علیرغم طرح های شاه و وابسته امپریالیسم، اصلاحات ظاهری فریب آنها را نمی گرفتند. در حالیکه شاید بسیاری از روشنفکران، ما کارهای فرمیستی رژیم را تایید میکردند و این همان دیدگاهی است که اسرائیل غاصب و اشغالگر را به خاطر ظواهر مترقی اش به رسمیت میشناسد در حالیکه اسرائیل هر چند هم که در بالاترین مدارج ترقی باشد، بهر حال غاصب است.

تمام مردم متمدن و باسواد دنیا اسرائیل را تایید میکنند اما این طرف قضیه مردم مسلمان منطقه اند که عمدتاً بیسوادند و اسرائیل را غاصب میدانند. آیا این تفاوت از کجاست؟ توده های فطری، بی نهایت طلب و عاشق خدا، ظهور قدرت خدا را در پیا پیا مبران و اما مان برگزیده او میدانند، نه در سلطه های جاری و استثماری، اینست که این توده های "زائر" محکمترین پایگاه ضد سلطنت بودند.

مجاهدین اولیه و بنیای نگذار نیز به این مطلب توجه داشتند و در حالیکه روشنفکران این مردم را نا آگاه و بی خبر و جاهل میدانند، آنها همین مردم را پایگاه مبارزه برانداز علیه سلطنت می شمردند. و دیدیم که همین توده های خدا جو بودند که در دوران انقلاب با شعار "مرگ بر شاه" تا انتها در مقابل رژیم منقر سلطنت ایستادند و خویشان را پشتوانه انقلاب کردند و ولی تسلیم شیوه های فرمیستی نشدند. در - حالیکه بسیاری از روشنفکران صرفاً به اجرای قانون اساسی و در نهایت به شورای سلطنت رضایت داده بودند.

اما چرا روشنفکران مذهبی ما به مسئله زیارت کم بها داده و آن را یک سنت ارتجاعی دانسته اند؟ اگر آنها تبیین روشن و درستی از امامت توحیدی نداشته اند، بالاخره ائمه را "شهید" و "معین الضعفا" که میدانسته اند، پس چرا حرکت عظیم مردم را در زیارت ائمه اطهار رد کرده و به پیوند آن با راه ما مان توجه نکرده اند؟ در طول انقلاب، شهدای زنده

امروز نیز همین توده های خدا جو نیای زنده ما مان به عشق زیارت کر بلا در جبهه های جنگ علیه کفر صدام می جنگند و با رگ و پوست و خونشان درک می کنند که برای زیارت قبر مطهر سرور شهیدان و سایر ائمه اطهار با ید با صدام کافر جنگند و با همین عشق به ائمه اطهار راست که استرا تژی انقلاب اسلامی یعنی "آزادی قدس از طریق کر بلا" همچون استرا تژی "مرگ بر شاه" تا به آخر خواهند کشید و هیچگونه سازش را در این زمینه نخواهند پذیرفت. در حالیکه روشنفکران ما این امور را شکلی سنتی و ارتجاعی میدانند و مسائل و مشکلات را می خواهند صرفاً از طریق اقتصاد (از طریق گرفتن وام، چاپ اسکناس و...) حل کنند.

اگر امروز کسی تبیین درستی از زیارت و عشق مردم نیای زنده ما مان، توحیدی نداشته باشد و ایمان قلبی مردم را به زنده بودن شهدا و عشقشان را به پیوند با راه ائمه درک نکند و خلاصه آنکه زیارت را امری بنیادین نداند، نمی تواند استرا تژی "آزادی قدس از طریق کر بلا" را تحقق دهد. سخن را خلاصه می کنیم:

دو جریان در مورد زیارت وجود دارد: یک جریان انسان را با ویژگیهای پیدارش، با نیایهای اصلیش تبیین می کند و دیگری با آگاهی تبیین میکند. در صورتیکه انسان "نیای زنده" و "معرفت طلب" باشد، آگاهی واقعی میرسد ولی انسان باسواد و آگاه معلوم نیست نیای زنده شده و منشاء حرکت های اصیل گردد و می بینیم در تمام قیامهای ایران توده های "با معرفت بیسواد" محور اساسی این قیامها بوده اند و از طرفی افراد "باسواد بی معرفت" منشاء تمام خیانتها نظیر امضای قرارداد اسارت با رنفت و گاز و معادن و... بوده اند.

"رسالت ما این است که در زمره با معرفت های باسواد قرار بگیریم.

"والسلام"





# ماهیت بلوای سبزوار

بقیه از صفحه ۱  
را برای مردم اصلی جلوه دهند که در صورت عدم برخورد  
آگاهانه و مکتبی با آنها ممکن است تسلیم خودبخودی  
این جریانات شویم و در جو مخدوش و پیرایه‌ها م دشمن  
اصلی و ضدانقلاب واقعی را نشناسیم. (الذین هم عن  
اللغو معروض)

۴ - پیدا کردن روابط جناج‌های مخالف خط اسلامی  
امام و پیدا کردن شیوه برخورد صحیح با هر جناح (برخورد  
مراتبی)

در حرکت‌های خیراعلیه خط امام میشود جریان‌ها  
مختلفی شرکت دارند، مثلاً جنبش ملی مجاهدین دسته‌ترور  
کادرهای جا افتاده امام میزند، دیده شده برخی  
افراد وابسته به گروه ضدبهاثیت و جریان‌های هم‌سنخ  
آن به آنها و شخصیت‌های خط امام ما رک‌های ناروا  
میزنند، بعضی روحانیون هم بعلمت نداشتن درک صحیح  
و مکتبی از خط امام نمیتوانند با کادرهای خط امام  
همگامی کنند و ناخودآگاه در خدمت جریان‌ها قوق قرار  
میگیرند که طبعاً "شیوه" برخورد با هر کدام از این  
جریان‌ها با یدمتناسب باشد.

۵ - لزوم مرزبندی خط انقلاب و غیر آن (حق و باطل)  
از آنجا که بعضی توطئه‌ها بنام انقلاب و با شعارهای  
طرفداری از امام و انقلاب و روحانیت و... شکل  
میگیرد، بعضی افراد ناگاه نیز که برخورد سطحی با این  
مسائل میکنند، اعمال غلط و غیراسلامی این جریان‌ها  
را به اساس انقلاب و امام مربوط دانسته و با تعمیم  
آنها مردم را نسبت به انقلاب بدبین میکنند که این  
خواست‌ها همین توطئه‌گران است. در چنین شرایطی  
لازم است خط انقلاب و خط توطئه از یکدیگر مرزبندی  
و بازشناخته شود.

۶ - جلوگیری از گسترش انحرافات و تشدید تضادها  
جریان‌ها انحرافی با رشد انقلاب و بسیج اصولی  
مردم محکوم به نابودی است، مسلماً "توطئه‌ها ادامه  
دارد و اگر با جریانی که اخیراً "در سبزواری شکل گرفت  
برخوردی ریشه‌ای و مکتبی نشود مسلماً "در شکل‌های  
پیچیده تر و خطرناک‌تر خواهد گرفت بدین جهت به بررسی  
موضوع اقدام کردیم.

۷ - تعجب انگیز است که چرا مطبوعات از چنین  
واقعه‌ای هیچ سخن نگفتند و به سکوت برگزار کردند و  
ماهیت واقعه را برای مردم توضیح ندادند لذا ما بر  
آن شدیم که این عمل را انجام دهیم.  
"سیر جریان و ماهیت آن"

تشجعات اخیر سبزواری که منجر به تعطیل مغازه‌ها  
و تحصن و فلج کردن ارگانها و مخدوش کردن جو بسیج بسوی  
جبهه‌ها و... شد، تعدادی حرکت‌های قبلی بوده و از مدت‌ها  
پیش زمینه‌سازی شده بود و با یتی ما نیز با مراجعه به  
عمق قضیه و ریشه‌یابی آن به نحوه شکل گیری آن پی  
برده و از تکرار آن جلوگیری کنیم. همانطور که ذکر شد  
دیدگاه اسلامی اصالت با رشد حق بوده و باطل عملاً و  
اجباراً حرکتی عکس‌العملی داشته و بدنبال رشد حق  
خود را پیچیده تر میکند. به عنوان مثال نگاه‌های  
موضع‌گیری‌های شاه در قبال رشد و گسترش انقلاب نمود این  
حقیقت را آشکارتر میکند. جریان سبزواری هم از این  
قانونمندی مستثنی نبوده و برای رسیدن به تحلیل  
صحیح از آن بایستی جریان حق و خط امام و رشد آنرا  
در سبزواری منبنا قرار داده و موضع‌گیری‌های سایر جریان‌ها  
را نسبت به آن بررسی کنیم.

بعد از پیروزی انقلاب جوانان متعهد سبزواری  
و روحانیت خط امام فعالانه در جهت تحقق نیازهای  
مکتبی مردم این منطقه و مبارزه با قیما نده‌های نظام

شاهنشاهی نیروهایشان را بکار گرفتند و این چنین  
ارگان‌های جهاد سازندگی، دادستانی انقلاب و سپاه  
پاسداران و... شکل گرفت و روز بروز شاهد رشد انقلاب  
در روستاها و شهر بودیم و مردم خط اسلامی امام را بهتر  
شناختند و با همین شیوه کار بود که بی محتوایی ادعاهای  
جنبش ملی راه‌ها قضا کردند. در مقابل با این جریان  
آنها که منافعشان را در خطر میدیدند یا افکارشان با  
خط مکتبی امام تطبیق نداشت دست به تلاش علیه این  
جریان اصیل زدند.

فئودالها و مالکین ضدانقلاب! ز یکطرف و سرمایه‌داران  
شهر که در خط انقلاب نبودند و عنا صراط‌گوتی با قیما نده از  
طرف دیگر همراه با تبلیغات سوء جنبش ملی که ضعف‌های  
طبیعی انقلاب را عمده میکرد شروع به مخالفت با رشد  
انقلاب در این شهر کردند.

چندتن از روحانیونی که درک صحیح از خط اسلامی  
امام نداشتند نیز عملاً "موردا استفاده این جریان‌ها  
واقع شده و به موضع‌گیری علیه افراد لوس و فعال انقلاب  
کشیده شدند. ما رک‌های مختلف به جهاد سازندگی که  
فعالیتش چشمگیر بود زده شد از قبیل ما رک کمونیستی،  
ما رک جنبشی و... اما با شروع جنگ اسلام و کفر که خود  
یک جهش برای انقلاب اسلامی ایران بود، تنی چند از  
جوانان سبزواری نیز با عشق به اسلام و امام بسوی جبهه‌ها  
شتافتند و این خود برای مردم سبزواری مرحله رشد  
بود. این سیر بدانجا رسید که در جریان حمله هویزه ۵ تن  
از بهترین جوانان سبزواری (شهید محمدفاضل، شهید  
حسن فتاحی - شهید مجید کریمی - شهید محمدمهدوی  
شهید مصطفی مختاری) به نحوی کربلاوار به شهادت  
رسیدند و حتی اجساد ایشان نیز در صحنه نبرد با قی  
ماند و مظلومیتشان را بیشتر کرد. شهدات این شهیدان  
در جو سبزواری رجهشی ایجاد نمود. بخصوص که این شهیدا  
قبلاً "در نهادهای سبزواری فعال بودند و از صداقت و  
دل‌سوزی ایشان همگی اطلاع داشتند. این شهادت از  
ویژگی‌های برخورد را بود که خود نقطه عطفی در مسیر رشد  
مردم سبزواری حساب آمد: اولاً: شهید محمدفاضل سمبل  
جوانان سبزواری در حرکت تصرف لانه‌ها بسوی از طرف  
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود و شهادت او باعث شد که  
ایدئولوژی و خط و شیوه‌های او الگو قرار گیرد و این  
برای ضدانقلاب خطری بس جدی بود، ثانیاً: شخصیت  
مکتبی او و با رانش و شیوه شهادت آنها باعث بسیج  
بیشتر جوانان به سمت جبهه‌ها میشد که این نیز مشتم محکی  
به دهان ضدانقلاب بود، ثالثاً: از آنجا که شهید محمد  
فاضل علاوه بر نهادهای با گروه‌های خط امام نیز رابطه  
مکتبی داشت و سعی در ایجاد وحدت کلمه بین نیروهای  
خط امام مینمود و این امر یعنی پیوند گروه‌های  
خط امام با یکدیگر برای ضدانقلاب خطری جدی است

شاهد بودیم که قبل از شهادت هم از فعالیت او در سبزواری  
نا راحت بودند و با شیوه ما رک زنی سعی در فلج کردن او  
داشتند. بعد از شهادت شهید فاضل این شیوه برخوردی  
نیز میتوانست راه‌های عمل جوانان شهر قرار گیرد و  
باعث نزدیکی تر شدن نیروهای مکتبی در سبزواری گردد که  
اینکه در جریان شهادت آنها همه نیروهای فعال شده  
و سعی در شناختن چهره این شهیدان به مردم کردند.  
رابعاً: شهادت این جوانان گواهی بر صداقت آنها  
و گامی بود در جهت افشای جریانی که با ما رک‌ها و تهمت‌های  
ناروا میخواست مردم را از آنها و ارگان‌های انقلابی  
جدا کند. لذا با توجه به این ویژگی‌ها که بیانگر جهشی  
در رشد خط امام در سبزواری بود جریان‌های انحرافی که  
موجودیتشان را در تزلزل میدیدند دست و پا افتاده و

برای جلوگیری از تثبیت خون این شهیدان و رشد بسیم  
مردم به شیوه‌های ضدانقلابی زیر دست زدند:

## ۱ - توطئه جنبش ملی:

سران جنبش ملی که دشمن اصلی خود را جمهوری  
اسلامی میدانستند و در تحلیل‌هایشان رژیم بعث را مترقی‌تر  
از انقلاب ایران جلوه میدادند. از بسیج مردم مسلمان  
علیه تجا و زکفای ربعی نگران شدند و سعی در مخدوش کردن  
این بسیج مینمودند، با بزرگ کردن ضعف‌های طبیعی  
انقلاب، با تفرقه انداختن بین نیروها، با مارک شکنجه  
و اختناق و ارتجاع می کوشیدند مردم را به انقلاب اسلامی  
بی اعتماد کرده و در دفاع از آن دچار تردید کنند. در  
جریان شهادت شهید محمدفاضل فعالیت خود را تشدید نمود  
و بدنبال فرصتی برای درگیری و برآورد انداختن تشنج  
میگشت که اذهان مردم را منحرف سازد، لذا به روزنامه  
فروشی و تبلیغات علنی ترپرداختند که طبعاً "باعث  
تحریک ارگانها میشد، یکی از آنها ضمن روزنامه فروشی  
دستگیر شد و در دادستانی با برخورد‌های خشن و گفتن اسم  
خود افراد دادستانی را به خشم آورد. تا او را مورد ضرب  
و شتم و شکنجه قرار دهند و سپس آنرا دنده و روز قیل از مراسم  
شهیدان در خیابان اصلی شهر بدن خود را بنما یوش  
گذاشته و جمهوری اسلامی را شکنجه گردید که تا تورو...  
معرفی نمود. تا مردم که سن کم و آثار شکنجه را میدیدند  
اذهان نشان متوجه این مسائل شود (کما اینکه روز عا شورا  
حسین (ع) شورونیر و میگردند تنی صدر میدان آزادی  
به جای طرح جنایات صدام یزیدارگان‌های انقلاب را  
متهم به شکنجه و دیکتاتوری وزندان و... کرد. میا این  
روحیه صدامیان را با لای برد و جبهه‌ها را تضعیف کرد.

۲ - نقش انجمن ضدبهاثیت در انحراف بسیج مردم  
در بسیجی که شهیدان در مردم ایجاد کردند، هم‌خط  
جنبش ملی منزوی میشد و هم جریان بنی‌صدر ادعاهایش  
افشاء میگشت و هم گروه‌های منحرفی که با خط امام  
تطبیق نداشتند که میبایست با بدسیال بسیج مردم بیفتند  
و با منزوی شوند. همانطور که شیوه امام بود، راه مبارزه  
با بنی‌صدر و گروه‌های منحرف و اشخاص منحرف هر چه  
بیشتر تا دم خط اصیل انقلاب است و در این مقطع نیرو  
گذاشتن روی مسئله اصلی یعنی جنگ است که خود شیوه  
ارشادی و هدایتی میباید. کما اینکه امام خطاب به  
جنبش ملی گفتند اگر صداقت دارید، چرا به جبهه‌ها  
نمی‌روید و با بنی‌صدر در کار در دفع تجا و زکفای رتایست  
میکردند. اما جریان انجمن ضدبهاثیت که مبتنی  
تا سپس آن از ابتدای برضدیت بوده و با بنی دیگران خود  
را اثبات میکند، در جریان انقلاب که شیوه مبارزه  
بهاثیتش رنگ وحنایی نداشت دشمن اصلی خود را گروه‌ها  
قرار داده و علیرغم اینکه خود هم گروه است و هم گروه‌گرایی  
دارد با شیوه‌های غیرمکتبی و غیرارشادی با گروه‌ها  
در افتاد. حتی در جریان جنگ هم کار اطلاعاتی خود را نه  
در جهت خط امام و دفع کفار ربعی بلکه در جهت ضدیت  
با گروه‌ها و تثبیت خود ادا مده دادند. گرچه عده‌ای از آنها  
نیز جذب خط امام در جنگ شده و چند نفر شهید شدند که  
در خط تصویب شده انجمن نبود.

در جریان بسیج شهیدان سبزواری از آنجا که شیوه  
شهید محمدفاضل در جنگ و برخورد با گروه‌ها شیوه مکتبی  
بود و باعث منزوی شدن اینها میگشت، بعضی افراد  
انجمن ضدبهاثیت کوشیدند جو بسیج مردم را مخدوش  
و منحرف سازند و بجای اینکه جنایات صدام را افشاء کنند  
مسئله فرعی راه بیندارند، یکی از اعضاء این گروه در  
آموزش و پرورش مطرح کرد "ما اینها را شهید نمی‌دانیم  
چرا که محمدفاضل با گروه میثمی رابطه داشته است". در  
گذشته نیز همین برخورد را با فعالین شهر داشتند. از  
طرف دیگر یک جریان انحرافی و نفوذی در جهاد سازندگی  
این گفت‌وگو را اصالت داده مسئله اصلی اش را  
کوبیدن گروه‌ها قرار داد و افراد لوس و جهاد سازندگی را  
از یزوداختن به معرفی راه شهیدان و شیوه‌های آنها  
بازداشت تا آنجا که در چنین شرایط خاص جزوه‌ای

برای جلوگیری از تثبیت خون این شهیدان و رشد بسیم  
مردم به شیوه‌های ضدانقلابی زیر دست زدند:

بقیه در صفحه ۸



# ماهیت بلوای

بقیه از صفحه ۷

بنام دفاع از شهیدان و کوبیدن تمام گروهها بدون مرزبندی صحیح با استفاده از نام جهاد سازندگی در شهرپخش نمود و خط انجمن ضدها قیامت را تحقق داد (۱).  
۳ - سوء استفاده ضدا انقلاب

ضدا انقلاب آشکارا و پنهان راههای رژیم سابق منتظر فرصتی هستند که نیروهای انقلاب از مسیر مکتبی خود منحرف شده و بجان هم بیفتند تا آنها بتوانند از آنگل آلودماهی بگیرند. همانطور که دیدیم موقع شهادت شهید محمدفاضل عدهای جنگ زرگری، راه انداخته و بجای تشدید و تقویت بسیج مردم در جهت جنگ اسلام و کفر سعی کردند نیروهای خط امام را به مسائل فرعی بکشانند و از این فرصت استفاده کنند.

در مراسم ختم شهید محمدفاضل " شیخ نما صادق صدیقی " که از وابستگان دستگاه اطلاعاتی شاه خاکن بوده، بنام تجلیل از شهید بر منبر رفت تا چهره منافقانه خود را تثبیت کند، و حتی " حسن عارفی " فاسد معروف (رستاخیزی، خلق مسلمانی و...) نیز از جواسفاده کرده و میخواست خود را مبلغ شهیدان جا بزند که روح شهیدان در چنان شبی سخت آزرده و نگران شده با منبر رفتن این روحانی نم و فعال شدن آن فاسد، جوانانی که خط شهیدان را شناخته بودند پیدا شده و فریاد اعتراض بلند کردند، این جریان در محدوده کوچکی یک شبه کودتا بود و درس عبرتی است برای اولی الابصار.

۴ - توطئه پیچیده رادیو عراق  
علیرغم توطئه های فوق برای از بسیج انداختن مردم بعد از شهادت این شهیدان شوری در جوانان سبزوار و خا نواده ها ایجاد شد و بسوی جبهه ها بسیج شدند. بخصوص که چون جنازه آنها در محنه نبرد مانده بود و همه بیاد خاطر که اجساد پاکشان که می افتادند کینه شان به عدا میان کافر تشدید میشد و مستمرا " روحیه میگرفتند . برای خا نواده ها و یاران شان خود پیدا کردن اجساد پاک این شهیدان انگیزه ای بود که آنها را به جبهه ها میکشاند و جلوی حرکت مستمرو اصیل راضدانقلاب نمی توانست بگیرد.

رادیو عراق که این جریان را فهمیده بود توطئه ای جدید و در یکی از برنامهای خود از زنده ماندن شهید فاضل و بعضی یارانش خبر داد و این مسئله به شکل های مختلف در شهر شایع گردید که طبعاً " شهید شدن شهید فاضل و یاران قدری انگیزه های تداوم راه شهیدان را کم میکرد. کما اینکه بعضی اطرافیان آنها با فکر افتادند که آنها را پیدا کنند و ما به دفتر آقای خوئی در عراق نوشتند که در این مورد تحقیق شود. هدف رادیو عراق از این خیر از بسیج انداختن مردم و انحراف جوشه ادت طلبی و قاطعیت مبارزه در مردم سبزوار بود که البته ایستی به گفته خا ثنائیه رادیو عراق اصالت نداده و با توجه به سردرگمی همراهان این شهیدان بطور قاطع این شایعه از طرف نهادها تکذیب میشد. اما ساده اندیشی دیگری از طرف دفتر آقای خوئی دیده شد که باین مسئله دامن زد. در جواب گفته بودند که تحقیق کردیم ۵ تن سزوار در زندان عراق هستند ولی اسامی ایشان را نمیدانیم. هر چند ممکن است همین افراد باشند ولی مشخص نکردن اسامی افراد باعث تشدید جوا به نام و شایعه میشد و لزومی به گفتن این اطلاعات نبود

## ۵ - عمده کردن مسائل صنفی

بعد از شروع جنگ بطور طبیعی از نظروضع اقتصادی دچار بعضی محدودیت ها شدیم که میبایست کمبودها را به نحوی حل کرده و یا تحمل کرده و همه نیروها و امکانات و تبلیغات را در جهت پیروزی نظامی در جنگ اسلام و کفر بکار بگیریم. در سزوار نیز با کمبود، نفت، بنزین، و ارزاق دیگر گاهی روبرو بودیم. بعد از جریان بسیج شدن مردم سزوار عده ای از مردم شهر و روستا برای کمبود نفت و غیره به منزل آقای علیوی مراجعه میکردند و برای این کمبودها به اعتراض و تحصن و حتی تظاهرات میپرداختند. وظیفه مکتبی آقای علوی این بود که شرایط حساس زمان را برای مراجعین تشریح کرده و مسئله اصلی را که جنگ اسلام و کفر باشد آنها گوشزد می نمودند و آنها را در این جهت بسیج مینمودند ولی این چنین برخوردی از ایشان دیده نشد و حتی عملاً موضع این مراجعین تأیید میشد و با سفارشات و توصیه آنها را به سراغ ارگانهای مسئول میفرستادند و شغولیتی برای آنها درست میشد.

۶ - مارک زنی و اخراج عناصر دلسوز جها د سا زندگی  
فعالیت اعضای جهاد سا زندگی در روستاها باعث رشد خط انقلاب در روستا های سزوار گردیده است، از لطف دیگر رفتار، بعضی اعضای جها د به جبهه ها و بخصوص شهادت آنها، اعضای این ارگان بیش از پیش در بین مردم تثبیت شده و خود نیز رشد کردند و در عمل نشان دادند که با ید برای انقلاب و مستضعفین کار کرد در شاد این خط باعث افشای ماهیت جریانهای انحرافی و اشخاص بی صلاحیت و پیرمرد عا شد، لذا سعی زیادی شد برای جلوگیری از کار اینها از جمله ما رکهای ناروا، خود سری، گروه گرایی و... به آنها زدند و سرانجام فشارهای سیاسی و مارکهای مختلف باعث شد که آنها از جهاد سا زندگی اخراج گردند. اینها خلاصه ای بود از تلاشهای بی شماری که علیه رشد خط امام و بسیج مکتبی مردم سزوار به وسیله سه جریان جنبش ملی و اعضای انجمن ضدها قیامت و روحانیت غیر مکتبی انجام شد.

## ج : رشد نهضت در نظام

علیرغم توطئه ها و تلاشهایی که برای جلوگیری از باور شدن خون شهیدان و بیداری مردم در سزوار میشد بنا به حکم الهی جریان حق و انقلاب در این شهر رشد طبیعی خود را نموده و هر روز مردم را آماده تر و به سوی جبهه ها بیشتر بسیج مینمود.

به همین وسیله جریانات و اشخاصی را که هدفشان صرفاً رسیدن به قدرت و درسکون نگه داشتن مردم بود منزوی تر کرد. بسیاری از روستائیان سزوار به جبهه ها رفته و دنیا بی از ایثار و مقاومت را ارائه دادند. زمانیکه بعضی در شهر به فکر تثبیت خود در ادارات و ارگانها بودند، شهید " محرومی " ها از روستا های سزوار به جبهه رفتند، که در هوای گرم تابستان در جبهه روزه میگرفت و در حالیکه روزه بود برای سایر برادران رزمنده از کوه پائین و بالا رفته و آب میآورد و سرانجام هم در حال روزه و لب تشنه و هنگام آب آوردن برای برادران شهید شد. این الگوهای حضرت عباسی بود که مردم سزوار را با خط انقلاب آشنا کرد و به آنها درس زندگی و شهادت آموخت، این رشد و باوروری باعث شد که جریانات منحرف بوسیله مردم شناخته شده و از مواضعی که اشغال کرده بودند به مواضع واقعی خودشان برگردانده شوند (نظام عادلانه) و ماهیتشان روشن شود.

## الف - برکناری افراد غیر خط امام از آموزش

و پرورش:

ریاست آموزش و پرورش قلی شخصی بود از اعضای با سابقه انجمن ضدها قیامت، ایشان وقتی در این مقام قرار گرفتند به جای تسلیم شدن به خط امام سعی در گسترش نفوذ انجمن ضدها قیامت و تصفیه مخالفین این گروه نمودند و حتی بعضی افرادی که سابقاً طاغوتی هم داشتند همچون حسن عارفی و قادر کریمی و... را به کارگماشت چرا که انجمن ضدها قیامت در گذشته هم رژیم طاغوتی را دشمن اصلی خود نمیدانست. و ایشان همان خط را به نام انقلاب در آموزش و پرورش پیاده کرد و در عوض افراد انقلابی و گروههایی که در خط انقلاب بودند با مارک و شایعه و جو سازی کوبیده شدند.

اما همانطور که دیدیم رشد خط امام و خون شهیدان در سزوار بر دانه سید که در نظام شهر هم تأثیر گذاشت که ریاست آموزش و پرورش از کار برکنار شد و افرادی که ایشان آورده بودند در معرض تزلزل واقع شدند.

ب - اقدامات مکتبی در آموزش و پرورش جدید:  
با رشد خط امام در آموزش و پرورش برنامه های مفیدی برای دانش آموزان طرح شده که در جهت تداوم راه شهیدان بود و میتوان در راهنمای عمل برای آموزش و پرورش سا بر شهرستانها باشد.

۱ - بسیج دانش آموزان به جبهه : تسهیلات خوبی از نظر درس برای دانش آموزان گذاشته شد بدین ترتیب که اگر دانش آموزی ثلث اول به جبهه برود نمره امتحانات ثلث دوم را برای اول منظور کند و اگر ثلث دوم به جبهه برود نمرات ثلث اول را قبول بکنند عده نسبتاً زیادی از دانش آموزان به جبهه رفتند و به هردانش آموز مبلغ ۵۰۰ تومان برای خرجی مسافرت داده شد.

۲ - مقرر شد که در مراسم تشییع جنازه هر شهید از هر دبیرستان یک یا دو کلاس شرکت کنند.

۳ - برای پیوند دانش آموزان با روستائیان روزهای پنجشنبه و جمعه از هر دبیرستان عده ای از دانش آموزان به روستاها بروند که گام مثبتی در جهت تقویت خط جهاد سا زندگی در سزوار بود. گرچه سعی میکردند جها د سا زندگی را با مارک و تهمت و تصفیه از رشد و گسترش با زبدا رند ولی علیرغم خواست ضدا انقلاب خط جهاد سا زندگی به این صورت در جهت گسترده گی میباشد.

۴ - اقدامات مثبت دیگر از قبیل طرح آموزش نظامی در دبیرستانها، تشکیل انجمن اسلامی و غیره...  
۵ - تصفیه عناصر غیر انقلابی و بعضی افرادیکه سابقاً طاغوتی داشتند.

ج - پیوند و هماهنگی بین نهاد های انقلابی:  
بر اثر رشد خط امام در سزوار نهاد های انقلابی نیز بیشتر با هم پیوند میخورند از رزویی که شهید محمد فاضل داشت و در مسیر آن هم کوشید و شورایی از نهادها تشکیل داد، بیشتر تحقیق پیدا کرد و این باعث میشد که ضدا انقلاب وحشت بیشتری پیدا کند.

نتیجه : این روند به سمتی میرود که با بسیج شدن هر چه بیشتر مردم به سمت جبهه ها و با شناختن خط امام در سزوار ادارات و ارگانها هم انقلابی تر شدند و دست جریانهای انحرافی همچون ضدها قیامت کوتاه گردید به خصوص که عملکرد این جریان در سا بر جاها هم دیده شده و انحرافشان تا حدی آشکار شده بود لذا احساس خطر کرده

بقیه در صفحه ۲

امروز ایجاد اختلاف هر اختلافی باشد و کارهایی که اختلاف انگیز است هر کاری و باشد و هر اسمی باشد این مضر به اسلام است و مضر به انقلاب. «امام خمینی»





# نگاه اخبار مطبوعات

## بنام خدای شهیدان

توضیح : از آنجا شیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی: همانطور که هستند) تحلیلها را با رورمینما ید بر آن ندیم مجموعه ای از اخبار مهم روزنامه ها را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم درج نمائیم . اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از :  
۱- کمک به با روری تخبیهایی سیاسی نیروهای مکتبی .  
۲- دادن بینش استراتژیک

لازم و مناسب خود بر خوردا رشود . زیرا رزمندگان سراپا شوروی قرار آ ماده برای هجوم به دشمن و پاک کردن سرزمین اسلامی از لوث وجود متجاوزین بعث عراق است .

در جواب که قصر شیرین را کی بس میگیرید : هدف ما آزاد کردن قصر شیرین نیست ، ما بدنبال سرکوب نهایی دشمن هستیم و بدیهی است که اولیین بهره سرکوب دشمن ، آزادی سرز - مینهایی است که در اشغال دشمن قرار دارد .

۶۰/۹/۱۴ کیهان : نخست وزیر : ما با رها اعلام کرده ایم چشم داشتی بخاک کسی نداریم ولی اگر نیروهای صدا می بخوانند در مقابل نیروهای ما مقاومت نکنند و دست از خیره سری بردارند چه بسا ما مجبور بشویم تعرض به داخل عراق داشته باشیم .

۶۰/۹/۲۲ کیهان : گزارش خبرنگار کیهان از جلسه دیشب هیئت دولت حاکی است که در این جلسه پیشنهاد شد اگر عراق همچنان به خیره سربهای خود ادامه دهد مسئله حمله به داخل خاک عراق مورد بررسی جدی قرار گیرد .

۶۰/۹/۲۴ کیهان : فرمانده عملیات گیلان غرب گفت : ارتفاعات شیاکوه ، چرمیان و جفا لوند بلندترین قله هاست هم اکنون در دست ماست ، استانداری کرمانشاه در مورد چگونگی آغاز عملیات مطلع الفجر گفت : " پس از اجرای مراسم دعا که با حضور فرمانده نیروی زمینی و فرمانده سپاه پاسداران برگزار شد ، نیروهای رزمنده اسلام با طنین شکوهمند فریاد یا مهدی ادرکنی الله اکبر حمله را شروع کردند و ایست عملیات پس از ۹ ساعت راهپیمایی تا رسیدن به منطقه شروع شد و دلوران اسلام صبر و ایمان و رشادت هائی را از خود

عراقی به غنیمت گرفته شده اقدام به تشکیل گردانهای زرهی کرده است ، که یکی از این گردانها برای اولین بار در جنگ بستان بصورت بسیار موفقیت آمیز وارد عمل شد ، فرمانده سپاه پاسداران محسن رضایی طی مصاحبه ای با خیرگزاری پارس با تاکید بر این نکته که ما قصد انهدام کامل ارتش عراق را نداریم چرا که میخواهیم این ارتش را بر علیه اسرائیل بکار گیریم ، گفت ما بر اساس تکلیف شرعی تا آخرین لحظه بر علیه تجاوز و مقابله با دشمنان دفاع میکنیم ، همچنانکه آزاد سازی قدس نیز تنها از طریق یک نبرد عادلانه و دفاع از سرزمینهای اسلامی امکان پذیر است .

۶۰/۹/۲۱ کیهان : کرمانشاه : صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی : مبارزه

تدارکاتی نیروهای عراقی بود در داخل خاک ما و یکی از دو راه تدارکاتی بسیار مهم در بخش مرکزی و جنوبی خوزستان راه بستان بود و راه دیگر هم راه پلائی است در جنوب یعنی حدود شمال آبادان و خرمشهر که آنجا هم راه تدارکاتی مهمی است برای عراقیها و این راه دومین راه تدارکاتی بود . عراقیها در این منطقه جاده مستحکمی هم برای خودشان فراهم کرده بودند و میتوانستند باسانی آنچه را که میخواهند از منطقه اما راه وارد خاک ما کنند و بوسیله نیروهای خودشان تدارکات را برسانند ، نیروهای که بیس گرخه و کارون هستند و نیروهای که در اطراف سوسنگرد بودند و نیروهای که در الله اکبر بودند و اخیراً "نیروهای که در شمال و حوالی نیسان قرار داشتند ، او در قسمتی دیگر گفت : ما حدود سیصد کیلومتر در این عملیات آزاد کردیم یعنی از کوههای میش داغ تا رودخانه نیسان در حدود سیصد کیلومتر مربع مساحت این زمین است و آن مقدار یکه در این منطقه در تصرف نیروهای عراقی هنوز هست بخشی از شمال رودخانه نیسان است که نیروهای عراقی در آنجا هنوز نیسان نیروهای عراقی همچنان متمرکز هستند که البته آنها هم انشاء الله پاکسازی خواهد شد ، و ما امیدواریم که نیروهای عراقی کشته نشوند و با لخره جوانهای یک ملت مسلمان هستند ، اگر آنها اسیر بشوند ما نگاهشان میداریم و از آنها پذیرایی میکنیم و بعد هم انشاء الله وقتی که اوضاع عراق خوب شود به نفع مردم مسلمان شد سالم آنها را برمیگردانیم .

۶۰/۹/۱۷ جمهوری اسلامی : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از تانکهای

## جنگ اسلام و کفر

بنام خدای شهیدان  
"جنگ اسلام و کفر"  
۶۰/۹/۸ کیهان :

ایران حمله بزرگ جنوب را آغاز کرد ۵۰ تانک و ۱۱۲ تانک مهاجم عراق در ساعات اولیه تاسود شد . بستان پس از ۱۴ ماه اشغال آزاد شد .

نیروهای اسلام در یک تهاجم وسیع و کوبنده در حالیکه باران بشدت می بارید حمله کردند و تنها راه فرار نیروهای عراقی از سمت بستان به طرف منطقه حورالعظیم میباشد که این منطقه تماماً با تلاق است .

۶۰/۹/۹ اطلاعات : هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس گفت : ... تا آنجا که من اطلاع دارم قبلاً آقایان این طرح را طرح "کربلایک" نامگذاری کرده بودند و تصمیم داشتند آنرا همزمان با "کنفرانس فاس" انجام دهند که پاسخی کوبنده به اجتماع آنها باشد ولی بعلمت بهم خوردن این کنفرانس برادران ما اسم طرح را طریق القدس گذاشتند و با فرصت بیشتری برنامه خود را تنظیم کردند .

۶۰/۹/۱۶ جمهوری اسلامی : جلسه شورای عالی دفاع دیروز با حضور امام تشکیل شد ، در پایان این جلسه حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور طی مصاحبه در مورد اهمیت حمله بستان گفت : چند نکته مهم در این عملیات وجود دارد که در عملیات قبلی وجود نداشت ، یکی بسته شدن راه



۶۰/۹/۲۴ کیهان : عملیات پیروزمندان خود موفق شدند با تصرف ارتفاعات گچ به حدود ۴ کیلومتری مرز ایران و عراق نزدیک شوند ، بر اساس اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جنگنده های تیزروا از ایران ۶۵ درصد لایشگاه نفت شعیبیه بصره مورد حملات هوایی خود قرار دادند و آنها را نابود کردند .

۶۰/۹/۲۴ کیهان : ستاد ارتش کرمانشاه در بازدید از حوضه های غرب : این منطقه همانطور که امام گفته اند کلید جنگ است و در سرنوشت جنگ تاثیر عمده دارد ، از نظر سیاسی با توجه به نزدیکی منطقه به مرز و پایتخت دشمن سقوط صدا میان راداری این منطقه با بده معنای سقوط نهایی آنها تلقی کرد ، با این عملیات می رود نیازی خدا موجودیت صدام در منطقه زیر سؤال قرار گیرد .

۶۰/۹/۲۸ جمهوری اسلامی : فدائیان امام خمینی به همراهی برادران پاسدار با حمایت آتش توپخانه در عملیاتی بنام "یا امیرالمومنین" و کلمه رمز "زیارت نجف نزدیک است" فتی بزرگ را نصیب امت اسلام نمودند ، طی ۷ روز نبرد متوالی و با رشادتی وصف ناپذیر با درهم کوبیدن مواضع اشغالی خصم زبون و عبور از میدانهای

مین ارتفاعات استراتژیک بجز راه تصرف در آوردند ، سرهنگ کوچک زاده حاشیمن فرمانده قرارگاه نیرو منطقه غرب در یک تماس تلفنی در مورد موقعیت جغرافیایی بمواظهار داشت : ارتفاعات پموسلسله ارتفاعاتی است که ۱/۳ آن در خاک ایران و ۲/۳ آن در خاک عراق است و از شمال به حلبچه و در بستان و از جنوب به ارتفاعات آرگله و با ویسی امتداد می یابند وی گفت در این عملیات متجاوزین سپاه رمد حملیه نمودند که به شدت درهم کوبیده شد .

۶۰/۹/۸ کیهان : کمک رسانی به حوضه های نبرد حق علیه باطل : وزارت کار و امور اجتماعی بدنبال فعالیتهای مداوم خود هفته به هفته در محله

عملی در حوضه جنوب آغاز شده و تحرک خو در شروع کرده است و به برکت این پیروزی ، پیروز - بهای دیگری نیز بدنبال خواهد آمد ، وی افزود ، ما امیدواریم که حوضه های غرب نیز از آن تحرک

نشان دادند و نمونه هائی از نبرد حق با باطل چون صرا سلام را ارائه دادند . . . . .

آخرین خیر از این حمله حاکی است که نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران در ادامه

عملی در حوضه جنوب آغاز شده و تحرک خو در شروع کرده است و به برکت این پیروزی ، پیروز - بهای دیگری نیز بدنبال خواهد آمد ، وی افزود ، ما امیدواریم که حوضه های غرب نیز از آن تحرک

نشان دادند و نمونه هائی از نبرد حق با باطل چون صرا سلام را ارائه دادند . . . . .

۶۰/۹/۱۷ جمهوری اسلامی : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از تانکهای

۶۰/۹/۸ کیهان : کمک رسانی به حوضه های نبرد حق علیه باطل : وزارت کار و امور اجتماعی بدنبال فعالیتهای مداوم خود هفته به هفته در محله



## نگاهی به اخبار ...

گذشته اقدام به شست و شوی ۳۰ هزار دست لباس سربازی و ده هزار تخته پتوی سربازی کرده است ... عاتقه صدیقی : مردم شهیدپرورمان در پشت جبهه با تحمل کمبودهای اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم اقتصادی کجکهای مستقیم و غیرمستقیم که به جبهه ها و مهاجرین جنگی میشود عملاً راه حل را نشان داده اند .

۶۰/۹/۹ اطلاعات :

به مناسبت پیروزیهای دیروز قوای اسلام به محض انتشار خبر پیروزی لشکریان اسلام و - سرکوبی قوای متجاوزین باعث عراق در جبهه های جنوب مردم اراک در شرایطی که باران شدت می بارید به خیابانها ریختند و راهپیمایی پرداختند . دیروز اکثر مغازه های اراک به این مناسبت آذین بندی شد .

۶۰/۹/۸ جمهوری اسلامی :

ناخدا افضلی فرمانده نیروی دریایی : نیروی دریایی قادر است سیادت را که بدست آورده تا پایان جنگ حفظ کند و سپس افزود که در یک تیر خاکی و در یک جنگ تحمیلی و یک درگیری داخلی مشغول هستیم ، بر همه افراد این مملکت و ملت واجب و فرض است که یکپارچگی و وحدت خودشان را حفظ کنند و تا آنجا که در توان دارند به رزمندگان استم در جبهه ها کمک کنند چون مسئله اصلی مملکت در شرایط حاضر علیرغم سایر مشکلات مسئله جنگ است .

۶۰/۹/۱۲ جمهوری اسلامی :

مهندس غرضی وزیر نفت پیش از عزیمت به ابوظبی در گفتگو با خبرنگار واحد مرکزی خبر پیرامون وضعیت جبهه های جنگ اظهار داشت دو پیروزی بزرگ شمال آبادان و بستان دارای دو نتیجه متفاوت بود ، پیروزی شمال آبادان حاکمیت و مالکیت جمهوری اسلامی ایران بر منابع نفتی در شمال خلیج فارس را بر دنیا محرز کرد ، زیرا علت اصلی جنگ از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران قرارداد یک شریک مصنوعی بر منابع نفتی ایران بود .

۶۰/۹/۱۸ جمهوری اسلامی :

تیمسار ظهیرنژاد : جنگ ایدئولوژی است یعنی مناسبتی یا بد خودمان را با ما زیم و بدنیان نشان بدهیم ... دنیا فقط اردو و ایدئولوژی اسلامی میترسد ، دنیای جهان خارج از

تصرف یک شهریک مملکت بوسیله قدرت مادی ایران برای حکومت کردن هراسی ندارد بلکه بعقیده من دنیای جهانخواه فقط اردو و ایدئولوژی اسلامی به کشورهای منطقه و سایر کشورها میترسد ...

۶۰/۹/۱۴ جمهوری اسلامی :

سرهنگ سلیمی وزیر دفاع در مصاحبه ای با خبرنگار جمهوری اسلامی به سئوالات وی پاسخ داد ... در زمان شهید سرتیپ نامجو ابتکاری به خرج داده شد که ما دانشجویان دانشکده افسری را به مدت ۲ ماه به سپاه میفرستیم که آنها اصلاً بیرون در هوای سپاه تنفس نکنند و با روحیات و روش و منش سپاهیان انقلاب آشنا میشوند ...

**چنانچه می بینم ظرف این دو سه سال همه مشکلات را خود مردم حل کرده اند . این جنگ برای ما یک مسئله مشکلی بونده خود این ملت حل کرده اند .**  
"امام خمینی"

ارتش نه تنها در کنار مردم بلکه در متن مردم قرار گرفت ، و ارتش مردمی شد و خیلی امتیازهایی که برای ارتش بود لغو شد و اصولاً رسید به آنجا که در متن مردم قرار گرفت و پیشتر از مردم در مسائل جنگی و مصائبی که پیش می آید و در جواب ایستادن سئوال که معیار شما برای عقد قراردادهای نظامی با کشورهای خارجی چیست ؟ گفت : معیار این است که نه آنها بر ما تحمیل کنند و سر ما را کلاه بگذارند و نه ما سر آنها را کلاه بگذاریم ، ما بعنوان یک کشور خریدار هستیم و هم یک فروشنده ، ما میگوئیم که تحت این شرایط میخریم و با این قیمت و هیچ نوع تحمیلی را نمی پذیریم همانطور که هیچ تحمیلی را هم روا نمی داریم ...

۶۰/۹/۲۱ کیهان :

همزمان با آغاز حملات ظفر مندان سپاه اسلام بر لشکر کفر در جبهه های غرب تیمسار ظهیرنژاد اعلام کرد : صدام جانیاتی که تاکنون مرتکب شده چاره ای جز سرنگونی ندارد .

۶۰/۹/۲۱ جمهوری اسلامی :

تیمسار ظهیرنژاد در مصاحبه ای با خبرنگاری پارس و صدا سیمای جمهوری اسلامی شرکت کرد و به سئوالات پاسخ داد . وی در قسمتی گفت ما پس از سرنگون ساختن صدام ارتحت طاغوت و

تا اهتراز پرچم پرافتخار اسلام بر سرزمینهای تحت اشغال کفار و آزادی ملت مسلمان فلسطین و بازپس گرفتن سرزمینهای اشغالی اجداد آنها از صهیونیستها بدست ملت های مسلمان عرب و امت مسلمان و همیشه در صحنه ایران تلاش خواهیم کرد . وی سپس خطاب صدام گفت : اگر تو شایستگی نگهداری از این جوانان را نداری ، ما از آنها نگهداری می کنیم تا در آینده ای نزدیک اعراب مسلمان فلسطینی را از دست ظالمان رهایی بخشیم . وی افزود تو برای از بین بردن بیت المال مسلمین و کشتار جوانان مسلمان مردم عراق باید در مقابل دادگاه عدل اسلامی محاکمه شوی .

۶۰/۹/۲۴ اطلاعات :

محمد رشیدیان نماینده مردم آبادان در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت تا مسئله جنگ وجود دارد بازسازی مطرح نیست و اکنون باید کوشید تا جنگ هرچه زودتر با پیروزی به پایان برسد و برای ماقبل از بازسازی بیدارسازی مردم منطقه مهم است

۶۰/۹/۲۴ جمهوری اسلامی :

حجت الاسلام خامنه ای پس از شورا عالی دفاع در یک مصاحبه شرکت کرد . وی در مورد این سئوال که صدام خواهان برقراری صلح شده گفت : از این حرف مشخص میشود که رژیم عراق نسبت به صلح انگیزه های بیشتری پیدا کرده است ... هر کس صلح میخواهد به تجاویز خود را از ایران خارج کند و به آن طرف مرز ببرد تا ما باور کنیم که وی صلح طلب است و هر وقت فهمیدیم صلح طلب است ما هم اصرار به ادامه جنگ نخواهیم

پیام آیت الله منتظری به مناسبت پیروزی در بستان : رزمندگان شجاع و عزیزان اسلام امروز پرچم خونین حسین در کربلای ایران به دست شما سلحشوران سپرده شده تا جام و مقاومت دلیرانه شما در بستان و دیگر جبهه ها است که طریق القدس را از کربلای حسینی میگذراند .

۶۰/۹/۲۴ جمهوری اسلامی :

نخست وزیر شایعه اعدام اسرا را یک توطئه در جهت اذیت و آزار اسرای ایران در عراق دانست و از مقامهای صلاحیتدار دنیا خواست که توطئه

## \* در سہائی از طریق القدس خونبار \*

بنام خدای شهیدان

(۱)

"دو تفکر در مورد دفع تجاوز

جریان اول :

- جنگ را ابتلاء دانسته ،
- برای جنگ خیرات و برکات و نعمات زیاد قائل است ،
- معتقد است که جنگ جوهره الهی انسانی را ظاهر می کند ،
- جبهه ها را بهشت روی زمین و تحقق امه واحده می داند ،
- معتقد است که حتی اگر این جنگ هم تمام شود ، امپریالیسم بیکار نخواهد نشست و مبارزه درازمدتی ، بقول امام برای ۱۰۰ سال با آمریکا خواهیم داشت ،
- معتقد است پیروزی در جنگ منجر به تثبیت ارزش های اصیل و شیوه های اسلامی جنگ در بین مستضعفین منطقه و جهان و بالنتیجه پیوند ما با آنها می گردد .
- جبهه ها را عملی برای کادرسازی در جهت فتح قدس می داند ،

جریان دوم :

- جنگ را دست و پا گیر دانسته و می خواهد شرآ تراکم نماید ،
- معتقد است که پیروزی در جبهه منجر به تثبیت ما در بین کشورهای جهان و ادامه روابط اقتصادی و فروش نفت می گردد و در این راه از توده ها بعنوان وسیله برای پیروزی در جنگ می خواهد استفاده کند و بدین علت بهای زیادی به آموزش رزمندگان و شناسایی و کادرسازی نداده و آزار رعایت نمی کند .

صدام را بنگرند ، او گفت : در بازداشتگاه های ما بر روی همه خبرنگاران متعهد جهان و تمام افراد منصفی که میتوانند تفاوت کنند با راست و از صلیب سرخ

## اخبار داخلی رشد انقلاب

" اخبار داخلی "

" رشد انقلاب "

۶۰/۹/۷ جمهوری اسلامی :

فقیه عالیقدر حضرت آیتا ... منتظری دیشب طی پیامی خطاب به وزیر ارشاد اسلامی خواستند که روزهای دوازده الی هفده ربيع الاول به مناسبت تولد حضرت محمد (ص) پیام بزرگ اسلام بنام هفته وحدت بین مسلمین جهان نامگذاری شود ...

۶۰/۹/۷ جمهوری اسلامی :

پیام آیت الله منتظری درباره شکست کنفرانس فاس : در قسمتی از آن آمده است ، شکست کنفرانس فاس که بمنظور اجرای طرح خائنانه فهد برخلاف مصالح اسلام و ملت عرب تشکیل شده بود در حقیقت یک پیروزی برای اسلام و نشان دهنده رشد حرکت اسلامی در منطقه و عجز آمریکا و حکام مرتجع و وابسته به آن در توطئه ای که برای هدم اسلام در منطقه و رسمیت دادن به اسرائیل این مولود نامشروع سیاست سازش غرب و شرق پی ریزی نموده بودند می باشد ... مهمترین عاملی که زمینه شکست این کنفرانس فرمایشی را فراهم ساخت درایت و آگاهی مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی و رشد سیاسی ملت قهرمان و مسلمان ما ، در ایران و پیروی آنان از مقام رهبری بود .

۶۰/۹/۱۰ جمهوری اسلامی :

نظرخواهی جمهوری اسلامی از شخصیت های مذهبی و سیاسی در مورد تأثیر شکست طرح فهد در روند حرکت اسلامی ملل منطقه و توطئه های جدید آمریکا :

حجت الاسلام ها شمیرو فسنجان : امپریالیسم تلاش در منطقه بر این است که به هر قیمت شده اسرانیل را در منطقه نگاه دارد و ما هم باید تلاشمان این باشد که به هر قیمت شده این دشمن غاصب را از منطقه بیرون کنیم .

مهندس سیدحسین موسوی :

میتواند تحریکاتی را در جنوب لبنان بوجود بیاورد و تحت فشار قرار دادن مقام فلسطین تمام اینها امکان پذیر است یا میتواند تحریکاتی بر علیه کشورهای مترقی عربی بکار ببرد ، این هم میشود منتظرش بود ، ولی این توطئه ها هر چه بقیه در صفحه ۱۱



باشد در مقابل مشتبهای انقلاب اسلامی شکست خواهد خورد.  
**حجت الاسلام معادیکخواه :**  
اما آخرین راهی که برای مقابله دارد استفاده از شیوه‌های نفاق و اختلاف است که البته حرکت اسلامی ما در این زمینه بسیار روشن است. ابتکاری که حضرت آیت‌آ... منتظری در این زمینه داشتند که ما پیشقدم شویم در گرفتن اینگونه حربه‌ها از دستشان و رفتن بسمت یک وحدت با حفظ اصول میتواند خنثی کننده توطئه‌های امپریالیسم باشد.

**۶۰/۹/۱۶ جمهوری اسلامی :**  
حجت الاسلام رحمت امام جمعه تنکابن در نماز جمعه این هفته گفت : امروز بعضی‌ها فکر کرده و شایع میکنند که تا قبل از ظهور امام زمان (عج) نمیتوانیم حکومت اسلامی ترتیب بدهیم و روایتی را هم نقل میکنند... مدرس که شهید شد یا او برای حکومت اسلامی مبارزه نکرد؟... امام میفرماید دشمن اصلی آمریکا ست و مرگ بر آمریکا فرا موش نشود، بیدار باشیم و از دشمن شمالی خودمان شوری هم غافل نباشیم و اگر آمریکا نابود بشود شوری هم نابود خواهد شد زیرا هنوز گندمش را از آمریکا میخورد. وی همچنین گفت : هر وقت در جبهه‌ها پیروز میشویم دشمنان در داخل دست به توطئه و شایعه پراکنی میزنند

**۶۰/۹/۲۸ اطلاعات :**  
امام جمعه موقت تهران ضمن اشاره به جریانات مختلف داخلی و منطقه، منجمله طرح فهد، کنفرانس فاس و بلندیهای جولان گفت : همه این جریانات دارای ریشه مشترکی است که هدف آن بزانودر آوردن انقلاب اسلامی ایران میباشد... اگر بخوایم دست اسرائیل را ببندیم باید دست آمریکا را ببندیم و برای بستن دست آمریکا باید عمل کرد. تنها حرف زدن کافی نیست. برای شکست اسرائیل، سیاست آمریکا در منطقه، کافی است یکماه کشورهای خلیج فارس نفت خودشان را ببندند. استعمارگران ندهند و فروشنده

**۶۰/۹/۱۷ کیهان :**  
موسوی در دیدار از مسجد کنارک : استعمار سعی کرد تا با ایجاد اختلاف بین اهل تسنن و تشیع این فاصله را دامن بزند و اقمار خود را بر کشورهای ضعیف منطقه مسلط کند.  
**۶۰/۹/۱۷ جمهوری اسلامی :**  
نخست وزیر در جلسه‌ای با

حضور مدیران کل و مسئولان استان سیستان و بلوچستان حضور یافت و راجع به مسائل منطقه صحبت کردند، همچنین نخست وزیر طی سخنانی ضمن تجلیل از زرمندگان اسلام و تاکید بر لزوم تحول و دگرگونی انقلابی در ادارات دولتی گفت... آن کودک ۱۳ ساله که در خرمشهر مقاومت کرد حسابه‌های کلاسیک را در هم ریخته و معیارها را عوض کرد.

**۶۰/۱۰/۱ اطلاعات :**  
نخست وزیر... در مورد جولان گفت : راه همان است که قبلاً گفته شد. بسیج همه مسلمانان جهان برای مبارزه با آمریکا و اسرائیل. بهر حال مادر کنارسوریه و لیبی و مقاومت فلسطین و مردم قهرمان جنوب لبنان ایستاده ایم... مادر آستانه استقلال واقعی اقتصادی هستیم. و این از برکات جنگ و حصر اقتصادی ما از سوی آمریکا است. صادرات نفت ما از شش میلیون به یک میلیون تقلیل یافته...

**۶۰/۹/۱۸ جمهوری اسلامی :**  
تقاضای جامعه مدرسین از امام برای شرکت فضلی حوزه در ستاد انقلاب فرهنگی : امام امت نیز تاکید فرمودند که ستاد انقلاب فرهنگی با مدرسین حوزه علمیه مشورت خواهند کرد و شما هم افرادی را انتخاب کنید که با یکدیگر همکاری کنند. امام همچنین تاکید کردند که بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند این کار بیش از ۲۰ سال طول خواهد کشید و نمیشود دانشگاهها را برای این مدت تعطیل نمود. البته با باز شدن دانشگاهها کار ستاد انقلاب فرهنگی برای تغییرات اساسی ادامه پیدا میکند.

**۶۰/۹/۲۸ کیهان :**  
سمینار سه روزه وحدت حوزه و دانشگاه در قم آغاز بکار کرد این سمینار با صدور قطعنامه‌ای در یازده ماده بکار خود پایان داد متن قطعنامه بشرح زیر است :  
۱ - حوزه و دانشگاه همگام و همپا پیشروند و قطعاً نه خود را از ولایت فقیه که استمرار حرکت انبیا و حافظ اصالت نهضت در خط اسلام و فقاهاست اعلام می‌داریم.  
۲ - با توجه به حفظ استقلال فکری و فرهنگی از درون فرهنگ استعماری به خصوص در نظام آموزشی همستگي کامل روحانیون و دانشگاهیان را در انقلاب فرهنگی ضروری و واجب میدانیم...  
۳ - ایجاد زمینه‌های وحدت بین روحانیون و دانشگاهیان

توسط شورای وحدت حوزه و دانشگاه که بر اساس رهنمودهای امام امت و با حضور اساتید و مدرسین و طلاب و دانشجویان تشکیل شده است خواستاریم...  
**۹ - دانشگاهها باید اسلامی باشند و شخصیت‌های متعهد و مستقلی همچون مدرسها پیروانند**  
**۱۰ - آنجا که مسئله اصلی ماجت است، ماضی آنکه تلاش و شرکت دو قشر روحانی و دانشجو را در ابعاد مختلف جنگ ارج نهاده و یادشدهای آنان را گرامی میداریم و خواستار ادامه و استمرار این همراهی در مبارزه برضد استکبار جهانی تا سقوط صدام و شکست ابرقدرتها می‌باشیم...**

**۶۰/۹/۲۸ اطلاعات :**  
پیام رئیس جمهوری - سمینار وحدت حوزه و دانشگاه : وحدت کلید موفقیت و رمز پیروزی انقلاب خونبار ما بوده و هست... در حوزه‌ها نیازهای ملموس جامعه و مردم و واقعیتهای زمانه باید مطرح شود چرا که اگر دین عین سیاست است که هست پس باید قدم در واقعیت‌های عصر و دوران نهاد و از حیث ذهنیتهای مجرورها شد... با اینهمه امتیازات حوزه و دانشگاه نیز باید تبادل شود.

**۶۰/۱۰/۲ اطلاعات :**  
دکتر محمد نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی : دانشجویانی که جزء محاربین و معاندین باشند، تکلیفشان روشن است و آنها را راهی به دانشگاهها نیست... اما دانشجویان خردا هستند گرایش سیاسی از دانشگاهها اخراج نمیشود و این بواسطه وسعت

رحمت و فراخی نظر اسلام نسبت به مخالفین است. البته ما گروههای مخالف را اگر فقط به عنوان گرایش سیاسی موضعگیری دارند در دانشگاه قبول میکنیم با این امید که در طول مدت ادامه تحصیلشان هدایت شوند.  
**۶۰/۹/۱۷ جمهوری اسلامی :**

پیش از ظهر دیروز اعضای شورای عالی تبلیغات با امام خمینی رهبرانقلاب ملاقات کردند. پس از این دیدار حجت الاسلام معادیکخواه وزیر ارشاد اسلامی در گفتگویی با خبرنگاری پارس شرکت کرد. وی گفت : امام اظهار داشتند که چرا این مسائل را با مردم در میان نمی‌گذارید تا مردم حساسیت مسئله را متوجه شوند و کمک کنند. وی افزود شاید امام در مجموع صحبت‌هایشان بیش از ۵ بار تکرار کردند که مسائل را آنگونه که هست با مردم در میان بگذارید و بخصوص فرمودند که گفتن این مسائل ریا نیست بلکه ارائه کار حوزه‌های علمی است. در مقابل توطئه‌ای که وجود دارد تا این فعالیتهای را نادیده بگیرند.

**۶۰/۹/۲۷ اطلاعات :**  
آقای مصطفی محقق معاون وزیر دادگستری و رئیس سازمان بازرسی کل کشور به حضور امام خمینی رسیدند و در پایان این دیدار گفت : در این دیدار امام ضمن آرزوی موفقیت برای سازمان فرمودند با بررسی نهادهای انقلابی را در اولویت باید قرار دهید و اگر ضمن بازرسی مشاهده کردید که یکی از افراد منتسب به انقلاب اعم از روحانی یا غیر روحانی مرتکب تخلفی شده است بلافاصله تحویل مقامات

**\* درسهائی از طریق القدس خونبار \***  
(۲)  
بنام خستدای شهیدان  
" دفع تجاوز و وحدت کلمه "  
به دنبال پیروزی رزمندگان اسلام در فتح بستان که با بسیج مردم شهادت طلب ما بوجود آمد، مردم شهرها نیز بشدت بسیج شدند.  
الفت و وحدت اصولی ملت آنچنان بالا رفت که در سایه آن اختلافات داخلی ماحل شد و با حداقل تخفیف پیدا کرد و مرز حق و باطل مشخص تر گردید.  
در زمانیکه امپریالیسم برای اجرای نقشه‌های خود و حاکم کردن جریان سازشکار و میان‌روسی در ایجاد تفرقه هر چه بیشتر در بین گروهها و جریانات مختلف دارد، دیدیم که با بسیج در جهت جبهه‌ها و حمله چگونه بهترین وجهی با این توطئه مبارزه شد. مثلاً در اصفهان روز یکشنبه ۲۲ آذر، یک میلیون و دو بیست هزار نفر شهیدای بستان را تشییع کردند و سه روز عزای عمومی بود که در تاریخ اصفهان چنین بسیجی بی سابقه بوده است همه رهبری امام و اینکه جنگ عمل صالح است را چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی تأیید می‌کردند و مشت محکمی بود بر دهان کسانی که می‌خواستند بلوای سبزوار را سراسری کنند.

قضایی داده و از طریق شورای عالی قضایی تحت تعقیب قرار بگیرد.  
**۶۰/۹/۸ اطلاعات :**

آیت‌آ... ریائی ام‌لشی دادستان کل کشور در مصاحبه‌ای با مجله پیام انقلاب نقطه نظرهای خود را در رابطه با یلیس قضائی کشور و وضعیت زندانیان در جمهوری اسلامی و اطلاعیه‌ها داده‌ای دادستان کل انقلاب و... تشریح کرد از مدت‌ها قبل در صدد تشکیل یلیس قضایی بوده ایم... بعضی از زندانیان بیش از هفتی که قاعدتاً باید تکلیفشان مشخص شود در بازداشتگاهها میمانند نظر شما در این مورد چیست؟ و برای رفع این مشکل چه پیشنهادی دارید؟

**ج :** ماهیج میل نداریم که افراد بیش از اندازه برای روشن شدن وضعیتشان در زندان بمانند و سعی ما بر این است که هر چه سریعتر بتوانیم این مسئله را حل کنیم متأسفانه در شرایط فعلی ما با گروههای ضد انقلاب مواجه هستیم و اینها از هر طرف ما را زیر فشار قرار میدهند.

**س :** در مرحله کنونی انقلاب پاسداران انقلاب در مواجهه با گروههای مختلف سیاسی مبرر انقلاب و ضد انقلاب را چگونه تشخیص دهند؟

**ج :** خلاصه معیار همان اعلامیه ده ماده‌ای دادستان انقلاب است که بقوت خود باقی است

**۶۰/۹/۱۰ اطلاعات :**  
اطلاعیه دادستانی : اخیراً ضد انقلابیون برای ضربه زدن به دست آوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی مبارزت به ایجاد نارضایتی بین مردم و بدبین کردن آنها به ارگانهای انقلابی مینمایند بطوریکه بعضی از آنها خود را پاسداران استانی کل انقلاب اسلامی یا به عنوان دادگاه مبارزه با منکرات معرفی نموده و اخاذی و ایجاد مزاحمت مینمایند که چندتن از آنان دستگیر شده اند. لازم به توضیح است که این دادگاه به هیچ وجه حریت جهت انجام ماوریتها نداشته و ندارد و نا بطین آن سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی میباشد که با داشتن حکم انجام وظیفه مینمایند.  
**۶۰/۹/۱۷ جمهوری اسلامی :**

ارسوی دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران بحشامه‌ای خطاب به کلیه دادرهای انقلاب اسلامی ایران و کلیه دادستانهای انقلاب مستقر در سپاه ما در شد. در این پیام آمده است : بار صدور



## نگاهی به اخبار...

حکم جلب، دستگیری و بازداشت افراد بدون انجام تحقیقات لازم و ملاحظه اسناد مدارک کافی اکیدا "خودداری شود و در صورت وجود دلائل و مدارک نیز در مورد متهمین غیر گروه‌های محارب با افرادی که آزادی ایشان با قراردادهای تامین و نیکه‌بانی گفالت امکان پذیر است حتی الامکان از بازداشت فرزندان خودداری شود. پاسداران سپاه و کمیته‌ها بدون کسب مجبور قانونی از مراجع قضایی به هیچ وجه حق احضار جلب و دستگیری بازرسی منزل و توقیف و ضبط اموال را ندارند و در صورت اقدام وظیفه دادستانی انقلاب اسلامی محل است که ایشان را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. افراد غیر پاسدار که خودسرانه اقدام به دستگیری و جلب و توقیف و ضبط اموال اشخاص نمایند شدیداً "تحت تعقیب" قانونی قرار میگیرند. در مورد توقیف اموال منقول و غیر منقول و اسناد حساس بانکی صورت دارد قبل از هرگونه اقدام دلائل و مدارک لازم جمع آوری شود تا بدین نحو توقیف بی‌رویه اموال و املاک مردم و اسناد بلاجهت حسابهای بانکی جلوگیری شود. .... استرداد یا مصادره اموال منوط به صدور حکم توسط حاکم شرع و تأیید آن در دادگاه عالی بوده و در غیر این صورت بلااعتبار است.

۶۰/۹/۸ جمهوری اسلامی : طی ماه گذشته بیش از ۱۴۲ تن کالا از طریق بندرانزلی صادر شده است .

۶۰/۹/۸ جمهوری اسلامی : سفیر ایتالیا در جمهوری اسلامی ایران صبح دیروز با مهندس یاقوت قام معاون طرح برنامه ریزی وزارت صنایع ملاقات گفتگو کرد. .... در زمینه همکاریهای دوجانبه صنعتی بخصوص در تراکتورسازی و خودروهایی سواری ، جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را اعلام کرد.

۶۰/۹/۱۰ کیهان : کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نودروز با خورشیدخان وزیر مشاور و درامبر بازرگانی هند دیدار و گفتگو کرد که در زمینه همکاریهای اقتصادی بین دو کشور بوده است .

۶۰/۹/۱۱ کیهان : کارخانه حساب لامپ سازی قزوین آغاز بکار کرد .

۶۰/۹/۱۴ جمهوری اسلامی : وینوگراف سفیر کشور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در ایران با دکتر محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی در محل بانک مرکزی دیدار و گفتگو کرد. به گزارش خبرنگاری پارس در این ملاقات پیرامون مناسبات اقتصادی فی ما بین ایران و شوروی ، همچنین حساب تها تری بین دو کشور بحث و تبادل نظر بعمل آمد .

۶۰/۹/۱۴ کیهان : بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه با فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری در قم دیدار و گفتگو کرد. ایشان در جهت برنامه ریزی نظام اقتصادی کشور اظهار امیدواری کردند که بزودی افرادی ذیصلاح از جامعه مدرسین و فضلا برای همکاری با کمیته‌های مربوط معرفی خواهد شد .

۶۰/۹/۱۶ کیهان : غفوری فرد وزیر نیرو در پی بازدید از پروژه مجتمع پتروشیمی ایران و زاین در بندر امام خمینی اعلام کرد ادامه عملیات این پروژه از آنجا که خرج آن با زیر از حدی است که در قرارداد قید شده برای ما امکان پذیر نیست. .... تاکنون ۲۰ میلیارد تومان هزینه برداشته و در برخی از قسمتها ۸۰ تا ۹۰ درصد از این پروژه به اتمام رسیده و ۹۲ درصد از قسمت های مربوط به نیروگاههای آن نیز پایان یافته است .

۶۰/۹/۱۶ کیهان : احمد توکلی وزیر کار و امور

اجتماعی طی مصاحبه‌ای گفت دولت اسلامی سعی میکند تا هر چه بیشتر اشتغالهای کاذب را تبدیل به اشتغالهای واقعی کند. از آن جمله تبدیل خط تولید کارخانجات مونتاژی به تولید کالاهای ضروری است. مثلاً بجای اینکه اتومبیل سواری ساخته شود، سعی برای این است تا اتوبوس یا وانت تولید شود.

۶۰/۹/۱۷ کیهان : دیدار سفیر ژاپن با رئیس کل بانک مرکزی که در این دیدار پیرامون مناسبات ، اقتصادی ما بین ایران و ژاپن بحث و تبادل نظر بعمل آمد .

۶۰/۹/۲۱ اطلاعات : "محمد غرضی" وزیر نفت ایران در مصاحبه‌ای با تلویزیون ابوظبی برخی از کمپانیهای آمریکایی که خرید نفت از لیبی را قطع کرده اند مورد حمله قرار داد و پیشنها کرد که نام این کمپانیها در فهرست سیاه قرار گیرد. وی گفت : هیچگونه رقابتی برای یافتن بازار جهت فروش نفت خام وجود ندارد و کشورش (ایران) خواستار تثبیت قیمتها است. .... علی شمس اردکانی یکی از اعضای برجسته هیات ایرانی گفت : ایران از کنفرانس وزیران نفت اوپک خواسته است تا در صورت خروج شرکتهای نفت آمریکایی از لیبی از فروش نفت به این شرکتها خودداری نکنند. .... به نقل از خبرگزاری امارات متحده عربی از ابوظبی : ایران امروز در یک اقدام غیر منتظره که با تعجب کلیه اعضای اوپک و ناظران روبرو شد با باز تمایل کرد قیمت نفت خام نیمه سنگین خود را هر بشکه یک دلار کاهش دهد. در این صورت قیمت نفت از ۳۳ دلار به هر بشکه ۳۲ دلار میرسد .

۶۰/۹/۲۱ اطلاعات : از سوی بانک سپه مبلغ ۵۵ میلیارد ریال برای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط اختصاص یافته است .

۶۰/۹/۲۲ کیهان : غرضی در بازگشت از اوپک گفت : اشکال کار ما این است که در شرایط فعلی نمیتوانیم همیشه با قیمت دلخواه مشتری را نگهداریم ولی بطور کلی باید بگویم که با این تخفیف روی قیمت نفت سنگین نفت ما تنها حدود ۲ درصد از آن را بفروش خواهیم برد و به این ترتیب نفت سنگین ما با اجبار در رقابت با سایر کشورها ارزش خود و قیمت نفت سبک ما

سر جای خود باقی است .

۶۰/۹/۲۲ کیهان : دکتر محمد بانکی در گفتگویی اختصاصی با کیهان گفت : اولین محصول مجتمع مس سرچشمه خرداد آینده تولید میشود. .... با کمال قدرت تصمیم به تمام کردن بهره دهی پروژه پتروشیمی بندر امام خمینی داریم .

۶۰/۹/۲۳ اطلاعات : دکتر نوربخش رئیس کل بانک مرکزی ایران در بازگشت از آلمان طی یک مصاحبه مطبوعاتی نتایج این سفر را تشریح کرد. وی گفت : نکته قابل توجه اینکه اکنون مقامات آلمانی به این باور رسیده‌اند که ایران از ثبات سیاسی برخوردار است و این میتواند سرآغازی باشد برای گسترش روابط ما بخصوص در زمینه‌های اقتصادی با توجه به حفظ منافع طرفین.

۶۰/۹/۲۵ اطلاعات : ادوارد کلون سفیر یوگسلاوی در جمهوری اسلامی ایران که در مراسم هیاتتی از کارشناسان صنعتی کشور یوگسلاوی برای بازدید از کارخانه تراکتورسازی تبریز و نیز مذاکره پیرامون مسائل صنعتی منطقه وارد تبریز شده بود در دفتر حضرت آیت الله ... ملکوتی نماینده امام و امام جمعه تبریز با ایشان دیدار و گفتگو کرد .

۶۰/۹/۲۸ کیهان : ملاقات سفیر سوئد با رئیس کل بانک مرکزی که در مصاحبه‌ای با کیهان گفت : ما در تلاشیم تا با همکاری با بانک مرکزی و سایر نهادهای اقتصادی ایران در زمینه‌های مختلف همکاری کنیم و در زمینه‌های مختلف اقتصادی با آنها همکاری کنیم. ....

۶۰/۱۰/۱ کیهان : طی دو ماه گذشته ظرفیت تخلیه بندر عباس ۳۰ درصد افزایش یافت .

۶۰/۱۰/۱ جمهوری اسلامی : بزودی یک کارخانه کنسرو ماهی در بندرانزلی تأسیس میشود. باراه اندازی این کارخانه سالانه ۱۵۰۰ تن ماهی به بازار عرضه و کمبود گوشت و پروتئین جامعه از بین میرود. .... قراردادهایی نیز با کشورهای فرانسه و آلمان غربی در مورد فروش انواع خاویار و انواع ماهی‌غرفی و فلسدار بعمل آمده که طبق آن ایران سالانه حدود ۵۵۰ تن خاویار به کشورهای مذکور صادر خواهد کرد .

راه مجاهد : (نقل از کتاب نگاه مدرس) در جنگی که ما با آمریکا داریم با این مسائلی که هست بقیه در صفحه ۱۷

## اقتصاد

۶۰/۹/۷ کیهان : دکتر منافعی وزیر بهداشت که در مراسم هیاتتی به دعوت وزیر بهداشتی ترکیه به این کشور عربیت کرده بود طی مصاحبه‌ای گفت : با مقامات این کشور به توافق رسیدیم در حد امکان با یکدیگر برای رسانیم. برابری اساس اصول اسلامی معتقدیم حفظ روابط با دیگر برادران مسلمانان هستیم .

۶۰/۹/۸ کیهان : ۱۴ نوع کالا از ایران به کشورهای آلمان ، سوئیس ، انگلستان ، ایتالیا ، عربستان ، اتریش ، ژاپن ، محارستان فرانسه ، بلژیک صادر شده است عمده‌ترین کالاهای صادراتی عبارتست از فرش ، صنایع دستی پسته ، کشمش ، سالامور ، خرما ماهی ، استروژن و روغن .

## \* درسهائی از طریق القدس خونبار \*

بنام خدای شهیدان (۳)

"دفع تجاوز و وحل مشکلات اقتصادی"

در عملیات پیروزمندان نه فتح بستان چندین هزار رزمنده مومن و ایثارگر اسلام شرکت داشتند این افراد توسط ستادهای نماز جمعه و مراکز بسیج و سپاه ثبت نام و به جبهه اعزام شده بودند و در این نبرد عمدتاً مجهز به سلاحهای سبک و خودکفا بودند و توانستند بزرگترین ضربات را بر بیگانه دشوم کمپ دیوید (امریکا ، اسرائیل ، مصر ، صدام و عدامیان) وارد آورند یکی از ویژگیهای بارز این حرکت شرکت وسیع توده‌های بسیج شده و استفاده بیشتر از سلاحهای سبک و خودکفا که ما را وابسته نمی کند بود .

کرچه رزمندگان دلورا سلام با بهره‌گیری از سلاحهای سنگین ارتش بمقدار بسیار زیادی در این عملیات نیروهای رزمنده ما را پشتیبانی کردند و ولی آنچه که حاصل بود و بر آن تکیه اساسی شد ، همین توده‌های بسیج شده در جهت خدا بود .

در شرایطی که خط امپریالیسم به سازش کشاندن ما از طریق فشارهای اقتصادی است و ساده اندیشانه داخلی تعدیل و کوتاهی آمدن را تجویز می‌کنند ، در این عملیات با تکیه بر انسانها مومن بر چنان زشیطانی ابرقدرتها غلبه یافتیم و نشان دادیم که مشکلات اقتصادی و کمبود ارز و سلاح و محاصره اقتصادی را میتوان با شرکت در عمل مالح (جنگ) و تشدید آن در جهت دفع تجاوز حل نمود .



## نگاهی به زندگانی

# هشتمین ستاره درخشان ولایت

بنام خدای شهیدان

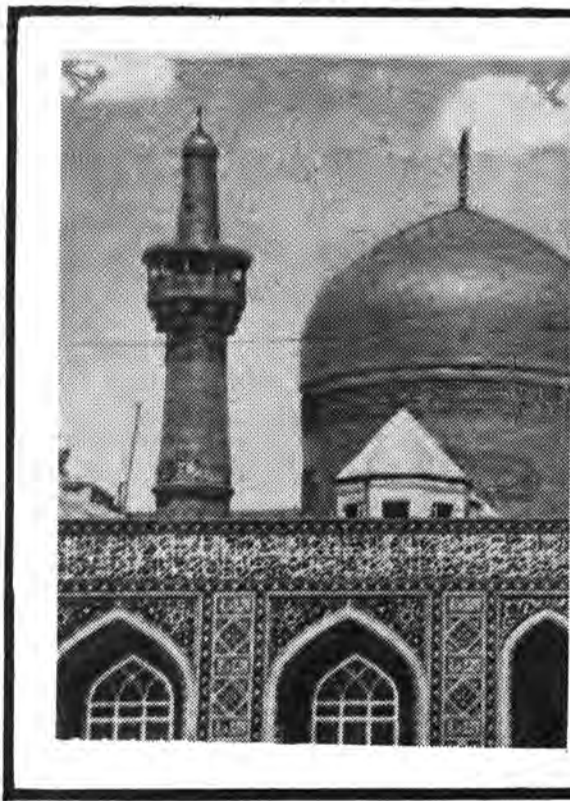
حضرت علی بن موسی الرضا (ع) هشتمین امام شیعیان در سال ۱۴۸ و بقول دیگر سال ۱۵۲ ه.ق از بانویی که زمانی برده مادر امام موسی الکاظم بود بنام (تکتک، نجمه) متولد گردید و حدود سی سال با پدرش حضرت امام موسی بن جعفر امکان زندگی یافت و در این فاصله زمانی نسبتاً طولانی، در کنار پدرش تمامی فشارها و سختیها را از سوی دستگاه عباسی تحمل کرد و همه جا در متن درگیریهای سیاسی و جریانات اجتماعی ناظر و شاهد خلافت بود. در زمان هارون بود که پدر امام رضا (ع) در زندان هارون و بدست یاری وزیرش یحیی برمکی و رئیس زندان، سندی بن شاهک به شهادت رسید.

کرده خواندن متن حدیث "کلمه لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی" (۱) و چه جالب امام از توحید میگویند زیرا میدانند اگر مردم تنها این حدیث را درک کنند از تمام بندها و وابستگیها و ظلمها میتوانند نجات پیدا کنند میدانند که دور بودن از توحید و تحقق ندادن آن در متن زندگی باعث شده که تن به ظلم ما مومنان مومنان بدهند و دور بودن از همین کلمه لا اله الا الله است که باعث میشود خدا ایشان را عوضی بگیرند و بر علیه ما مومنان قیام نکنند و بعد از خواندن این حدیث وقتی کاروان میخواست حرکت کند امام رضا (ع) سرازه هودج (محلی که روی مرکب ترتیب داده میشود) بیرون آورده بطوریکه توجه همه مردم را جلب

از او برای تقرب جستن به خدا و پیرجا کردن عدل الهی استفاده کنی و ما مومنی که حق مرا ضایع کرده و در حال حاضر هم هر کسی امام برحق و پیشتر از ما معرانه شناسد و تسلیم او نشود و با طاغوت زمان مبارزه نکند مشرک است. بعد از اینکه امام پیشنهاد خلافت را رد کرد ما مومنان پیشنهاد ولایتعهدی را به امام رضا (ع) داد منظور ما مومنان از دادن این پیشنهاد این بود که او را "خود را طرفدار امام رضا (ع) و شیعیان آل علی نشان دهد (اسلام نمایی) دوما" امام زادکارهای اجرایی وارد کرده تا بدین وسیله ضعفهای حکومت را به ایشان منتسب کند ثالثاً "امام را در پیش مردم انسانی دنیا دوست و جاه طلب معرفی کرده و از وجهها و بکاها، رابعاً "از قدرت بسیج کننده امام به سود دستگاه خلافت بهره

به مقام خلافت ولایتعهدی را پذیرفت. در واقع با شرایطی که امام رضا (ع) گذاشت بسیاری از توطئه های ما مومنان نقش بر آب شد و امام رضا (ع) با این شرایط خود را از نظام رژیم منغور جدا کرده و نهضت و اربه حرکت پرخروش خود ادامه دادند شرایطی که امام گذاشتند این بود که در هیچ امری از امور مربوطه به حکومت، قضاء فتوی، عزل و نصب شرکت و دخالتی نداشته باشد به عبارتی دیگر نباید به نام من کارهایی صورت گیرد و یا قلمداد شود که با وجود آنکه من در این دستگاه حضور دارم آن کارها انجام میگیرد و تصمیماتی اجرا میشود که من ناظر آنها هستم، با توجه به آنکه صاحب منصبی عالی هستم، بنابراین کارها مورد رضایت ضمنی من است! البته بهیچوجه"

همآهنگی و رعایت نشدن حقوق متقابل دستگاه رهبری و جامعه در آموزش زندگی اجتماعی، پراکندگی حاصل خواهد شد و مقدمات غلبه دشمنان فراهم خواهد گردید. ۴ - مساله مسئولیت رهبری را مطرح میکنند چگونه باید یک پیشوا در راه اقامه عدل کوشا باشد و متوجه باشد که مسئولیت پاسخگویی به کمترین ظلم و ستم و کوتاهی ترا موری خواهد بود که در قلمرو فرمانروایی او صورت میگیرد. بخصوص غفلت و بیاحتیاطی و بیاحتیاطی که در مورد امت انجام میگیرد و او از روی خودخواهی و خلاف مصالح عامه باشد. ۵ - بیباوری و بیباوری برنا مه های رهبران و پیشوایان در باره حفظ وحدت جامعه و رفتار متعادل بطوریکه دستگاه فرمانداری مورد اعتماد افراد جامعه قرار گیرد مأمون و مرجع مطمئن برای مردم باشد - مانع ایجاد نفاق ها و پراکندگیها در میان مردم شود (و بطور مسلم خودش در صدد نفاق افکنی و ایجاد پراکندگی نباشد) که این نفاقها و خصومت های داخلی و بی مورد موجب خسران دین و دنیا خواهد شد و بعد از آنکه می کند که با توجه به این شرایط و اهلیت و صلاحیت که امام است و فرمانروایی لازم دارد مدت ها در اندیشه این بود که فردی است که ای را برای این امر مهم در نظر بگیرد تا به عنوان یک تکلیف وی را به جامعه اسلامی معرفی کند. بعد از ذکر همه ای از کوششهای خود و تحقیقات و تتبعاتی که در این زمینه عمل آورده است و در آن صلاح امت اسلامی را در نظر گرفته است حاصل تلاش خود را در این جهت خلاصه میکند که علی بن موسی بن جعفر امام رضا (ع) را به عنوان کسی که از جهت شایستگی دارد و از جهت ورع و دینداری و علم و دانش و سایر فضائل در مورد او اتفاق کلمه وجود دارد معرفی کند.



خوارچ هم شعار "لا حکم الا لله" میدادند ولی منظورشان نفی امامت علی (ع) بود در جریان انتخابات ریاست جمهوری برادر شهید رجایی زهدرندان عده ای آنچنان گل کرد که می گفتند ما به هر که رای دادیم هاشمیه کرد و فقط به امام مهدی (ع) رای میدهم. که این همه از موضع عشق به امام عصر (عج) بوده بلکه تضعیف برادر رجایی بوده که مورد حمایت کامل امام خمینی بودند و اینطور در جامعه نمود کردند که رای حضرت مهدی (عج) از برادر رجایی کمتر شده.

خاندان خود را در مورد جانشینی امام بیان میکنند چگونه آنان آگاهانه و آزادانه آنرا پذیرا شدند و مصلحت عامه را به مصلحت فردی و قبیله گری ترجیح دادند و اطهار را میدواری میکنند که این موضوع در ایجاد الفت میان اسلامی، حفظ نفوس و جمع شدن از پراکندگیها، رفع ضدیتها و نیز استحکام مرزها، تقویت دین، شکست دشمنان حقیقی و استقامت یافتن کارها موثر خواهد بود و در آخر از همگان میخواهد که هر چه زود تر و با آغوش باز آنان نیز این امر را بپذیرند و با امام رضا (ع) به عنوان

ما مومنان برای تجلیل از مقام امام عهدنامه ای مینویسد در آن چند موضوع را یادآوری میکند: ۱ - دین اسلام را به عنوان دین برگزیده خدا که همگی پیغمبران ما مورا بلاغ آن به مردم بوده اند معرفی میکند. ۲ - مساله خاتمیت پیغمبر اسلام را و اینکه آن حضرت تکلیف رسالت خود را به بهترین وجه انجام داد یادآور میشود. ۳ - موضوع بسیار مهم و موثر در بقای جامعه اسلامی را مساله رهبری و خلافت و جانشینی می شمارد و در ضمن تکلیف متقابل رهبران و مردم را گوشزد میکند و اشاره میکند که در صورت عدم

برداری نماید. امام هم با دانستن این موضوع که ما مومنان میخواهد اسلام نمایی کند و از امام رضا (ع) در دستگاه خلافت سوء استفاده کند شیوه ای را برگزیدند که در آن چهره منافق گونه ما مومنان را هم رو کنند و بعد از صراحت زیاد ما مومنان، ولایتعهدی او را قبول کردند ولی گفتند "من میدانم که بعد از تو زنده نیستم و بوسیله زهر ستم شهید خواهم شد و میدانم که غرض تو از این عمل آن است که مردم بگویند علی ابن موسی الرضا ترک دنیا نکرده بلکه دنیا او را ترک کرده است. اکنون که دنیا به او روی آورده برای نیل

کرده باشد و فرمود: "ولکن بشرطها و شروطها" و سپس اشاره به خود کرد و گفت "و انما من شروطها (۳) اشاره به اینک مسئله ولایت و امامت به معنای صحیح آن لاینفک از توحید و شرط آن و تنها وسیله تقرب به خداست. اگر مسئله سرپرستی و رهبری عادلانه و آگاهانه در جامعه مسلمین حل نشود دیگر راه پرستی استقرار نخواهد یافت و با زهم (۴) طاغوتها خود را خلیفه خدا خواهند دانست و حکمروایی خواهند کرد و جالبتر از همه اینکه امام رضا (ع) اشاره به خود میکند امام رضا (ع) میگویند من آن شرط هستم و من آن امامت برحق شما هستم که باید

بعد از مرگ هارون و روی کار آمدن امین بن ابی اسحاق در شهر آمدن بر سر مسئله خلافت و سلطنت درگیری پیش آمد که در این جنگ، امین کشته شد و سلطنت به دست ما مومنان افتاد و که از دیگر خلفای عباسی زیرکتر و پیچیده تر بود برای جذب مخالفینش چه آنها که طرفدار امین بودند و چه شیعه های طرفدار آل علی، چاره ای اندیشید. بدین ترتیب که امام رضا (ع) را به خراسان خواند و در آنجا پیشنها کرد که خلافت را از خود خلع نموده و به امام رضا (ع) بسپارد. امام (ع) در جواب این پیشنهاد به ما مومنان گفتند: "اگر مقام خلافت را خدا برای تو قرار داده باشد جا یز نیست که خود را از این مقام معزول کنی و آن سرا به دیگری واگذار نمایی، و چنانچه مقام سلطنت از تو نباشد حق نداری آنرا به دیگری تفویض کنی. امام در طول مسافرت خود از مکه به خراسان به شهرهایی که می رسید کار توضیحی و تبلیغاتی میکرد و متناسب با شرایط و توان مردم صحبت مینمود در شهر نیشابور که رسید حدیث معروف سلسله الذهب را بیان کرد. نخست شروع کرد به اینکه این حدیث از پدرم به من پدرم از پدرش... تا رسید به حدیث پیغمبر و بعد گفت پیغمبر از جبرئیل و جبرئیل از خدا برایمان بیان کرده هدف امام رضا (ع) از تمام بردن این اسمها زنده کردن نام اجدادش بود و تمام اجدادش را برای مردم ذکری میدانست بعد شروع



## هشتمین ستاره

ولیعهد بیعت نمایند و شکر گزار باشند و هر چه زودتر در مورد اطاعت از خدا و خلیفه خود بر یکدیگر پیشی گیرند.

در طول عهدنامه ما مون تنها از اسلام و بیغمی و رهبری نام برده شده و با شکلی منافقانه این عهدنامه را تنظیم کرده و حتی از غلبه دشمنان بر مسلمانان آنان را بر حذر میدارد و میگوید پیشوا یا بدر راه اقامه عدل کوشا باشد و زیر بار کمترین ظلم و ستم که در قلمرو فرمانروایی او صورت میگیرد نرود و میگوید پیشوا باید مانع ایجاد نفاقها و مرجع مطمئن برای مردم و بعد با نفاق بسیار بیجیده‌ای امام رضا (ع) را انتخاب میکند و میگوید همه خاندان من بیعت کردند و حال مردم شما هم برای بیعت با امام بر یکدیگر پیشی گیرند در اینجا امام باید عهدنامه‌ای بدهد که در طریقی بروسه‌ای دست ما مون و نفاق و بیجیدگی او را برای همگان روشن کند و به مردم گوشزد کند که متوجه باشند تحت عنوان خلافت اسلامی چه کارهای نامناسبی انجام گرفته است و در مورد اهل بیعت پیا میروا ما مان شایسته چه کوتاهی‌هایی شده است و باید از عهدنامه ما مون برای افشای او و بیداری مردم استفاده کرد اولاً امام با شرایطی که ذکر میکنند که در هیچ امری از دستگاره حکومت دخالت نمیکنند و نباید هر کاری که در دستگاره حکومت به انجام میرسد به آن حضرت منتسب کنند نشان میدهند که در دستگاره خلافت کارهای ناشایسته‌ای انجام میشود که من مسئولیت آنها را قبول نمیکنم و در دستگاره خلافت فتواهایی داده میشود که با عدل الهی نمیخواند و من آنها را تأیید نمیکنم و این اولین قدم امام است برای افشای دستگاره ما مون و بعد با طراقتی خاص میگویند "اگر من بعد از او زنده باشم پس از اینکه با مسئولیت خلافت بعهد من قرار گرفت خط مشی اصلی در مورد همگان و بخصوص در مورد بنی عباس بر من است اطاعت خدا و رسول خواهد بود." ان عمل عیبهما معوفی بنی عباس خاصه و بطا عت و طاعه رسول الله" و با این جمله نشان

میده‌دهد که اولاً برای من تنها اطاعت از خدا و رسول ملاک است و هر کس خلاف این را انجام دهد مجازات میشود و مخصوصاً "نام خاندان بنی عباس را نام میبرند یعنی اینها افرادی هستند که اطاعت خدا و رسول را انجام نمی‌دهند و بعد میگویند اصول کلی کار، بر اساس حفظ جان و ناموس و احترام نتایج تلاشهای مردم و حفظ حدود و فریض الهی است و در ماده دیگر میگویند تا مین رضای با ریتعالی و صلاح امورات و آسایش عباد و بوسلاد، سرلوحه همه کارها و برنامه است و نشان میدهد که تمام کارها ایشان را در جهت رضای خدا انجام میدهند نه دستگاره خلافت ما مون و با لایحه ذکر آیه "اوفوا بالعهدان العهدهکان عنه مسئولوا" حضرت نوشته خود را تمام میکند.

در سال ۲۰۲ هجری با اصرار ما مون قرار میشود مراسم اجرای نماز عید فطر توسط امام رضا (ع) انجام گیرد. امام رضا برای اینکه بفرماندها ضریست آلت بی اراده برای اجرای مقاصد دستگاره خلافت باشد از پذیرفتن این پیشنهاد امتناع کرد و با این کار به آنها میخواست نشان دهد که حاضر نیست از میان آنهمه مسئولیتها و مقررات اسلامی تنها به انجام مراسم و امور مصلحتی قناعت کند و میگوید همین مقدار هم غنیمت است. با اصرار ما مون امام پذیرفت که نماز عید فطر را بخواند و امام پیغام داد که همانگونه که پیغمبر اسلام نماز عید را برگزار میکرده است اجرا خواهد کرد و با این پیشنهاد میخواست سنتها و شیوه‌های پیغمبر را زنده کند و به مردم نشان دهد که شیوه پیا میرچه بوده و شیوه خلفای حال چیست و نشان دهد که آنها تنها به تشریفات قناعت میکنند و نماز شان روح اصیل اسلامی را ندارد و شیوه پیا میر را که اینقدر در عهدنامه‌ها و صحبتها ایشان اشاره میکنند در عملکردشان به هیچ وجه تحقق نمی‌دهند و این خود با مرحله‌ای است برای افشای چهره ما مون امام لباسی ساده برتن کرد و پای برهنه بر راه افتاد اطرافیان هم به همین ترتیب عمل کردند و امام شروع کرد در صدای بلند به الله اکبر و دیگران هم تکرار کردند و تا محل نماز الله اکبر میگفتند و هر چه پیش می‌رفتند از دحام جمعیت بیشتر

میشد ما مون وقتی این جریان را دید بر خود و خاندانش ترسید و احتمال میداد که پیمان نماز و خطبه‌ها منجر به ایجاد انقلابی گردد لذا دنبال امام رضا فرستاد و گفت دیگر خود را به زحمت نیاند ازید و برگردید. همین برگرداندن امام از نیمه راه خود مرتبه‌ای از ظلم ما مون و مظلومیت امام بود و مرتبه‌ای از شکل‌گیری انقلاب مردم. با این جریان ما مون خیلی وحشت زده شده بود و دستور قتل امام را صادر کرد و با نقشه او امام رضا (ع) را مسموم کردند.

### برخورد فعال :

راه مجاهد: از خواهران و برادران تقاضا میشود به مناسبت ایام الله زندگی و وفات انبیاء و ائمه اطهار مقالات بنیادی و تحلیلی و مستند برای ما ارسال دارند. مهمترین ویژگی ایشان

### با معرفت‌های باسواد

#### زیارت و استراتژی عمل صالح

بنام خدای شهیدان

درباره مسأله زیارت دو جریان فکری وجود دارد:

- ۱- جریان روشنفکران مذهبی
- ۲- جریان توده‌های نیازمند مردم

۱- جریان روشنفکران مذهبی از آنجا که به آگاهی اصالت می‌دهند، زیارت را یک امر بنیادی و زیربنایی نمی‌دانند و عمل توده‌های نیازمند را در زیارت قبور مطهر ائمه اطهار یک عمل نا آگاهانه و یک سنت ارتجاعی دانسته و به عمق آن نمیتوانند توجه داشته باشند.

روشنفکران مذهبی بدلیل آنکه به نیازهای فطری توده‌ها بها نمی‌دهند، معتقدند اینکه توده‌های مردم در هنگام زیارت ائمه اطهار را "سلطان" خطاب میکنند، عملی از روی نا آگاهی و ذهنیت است و خود یک جور پذیرش سلطنت می‌باشد و میگویند باید ذهنیت توده‌ها را شکست تا اصل سلطان و سلطنت را نفی کنند. این جریان روشنفکری در همین حرکت مردم در همین عشق به زیارت و خطاب "سلطان"، به ائمه (ع) نمی‌توانند نفی سلطنت را ببینند.

در اینجا این سوال پیش می‌آید که توده‌های مردم که در طول تاریخ به زیارت قبور ائمه (ع) و شهدا می‌رفتند و با آنها را زونیا ز کرده و محل مشکلات خود را از آنها خواسته‌اند، اشتباه کرده‌اند؟ در حالی که از نظر اقتضای فقیر و بدبخت هم بوده‌اند و آیا اینکه مردم، سلطان واقعی را ائمه (ع) میدانند از روی نادانی است و خطاب "علی‌حضرت" به امام زمان از روی جهالت است؟ یا خود ناشی از نیازی عمیق می‌باشد؟

۲- اما جریان دوم، جریان توده‌های مردم نیازمند است که از روی عشق و نیاز فطری به پیوند با ائمه و شهدا و تقرب به درگاه آنها به زیارت قبورشان می‌روند. همان توده‌های که مختصرانند و خسته خود را در راه زیارت امامان معصوم خرج میکنند. در حالی که اینکار از نظر اقتضای دیکلاسیک، کاری است غیر عقلایی. همان توده‌های مردم که مثلاً در هنگام زیارت امام رضا (ع) در اولین برخورد می‌گویند: "السلام علیک یا سلطان علی ابن موسی الرضا" (سلام بر تو ای حاکم مسلط بر قلب‌ها و ای امام رضا).

بقیه در صفحه ۶

از آیت... منتظری مطرح شده است. \* \* \* اینها همه توجید بدون امامت است که توحید واقعی نیست. همچنانکه در نزد پیغمبر، پیروزی انقلاب شعار ملی میهنیها این بوده که "این است شعار ملت خدا، قرآن، محمد". اینها نه از موضع عشق به حضرت ختمی مرتبت (ص) بلکه منظور ایشان تضعیف امام خمینی بود.

خوارچ هم شعار "لا حکم الا للیه" میدادند. ولی منظورشان نفی امامت علی (ع) بود در جریان انتخابات ریاست جمهوری برادر شهید درجا بی‌زهد رندانه عده‌ای آنچنان گل کرد که میگفتند ما به هر که رای دادیم اشتباه کرده فقط به امام مهدی (عج) رای میدهیم که این نه از موضع عشق به امام عصر (عج) بود بلکه تضعیف برادر جایی بود که مورد حمایت کامل امام امت بودند. و اینطور درجا معه وانمود کردند که آراء حضرت مهدی (عج) از برادر جایی کمتر شده.

"آری چه خوب گفت علی (ع) "کلمه حق برادبها الباطل" چه بسا جریانی که کلام حق بگوید و اراده باطل از آن بکنند.

والسلام

پاورقی

(۱) منطق پاک "لا اله الا الله" دژمن است. پس هر کس به دژمن داخل شود از عذاب من ایمن خواهد بود.

(۲) "ولی شروطی دارد"

(۳) "ومن از شرایط آن هشتم"

(۴) - در دعای افتتاح

می‌گوئیم: اللهم اننا نرغب الیک فی دولتک کریمه " یعنی که با پروردگار ما رغبت می‌جوئیم بسوی تو از طریق تنها وسیله یعنی تشکل الهی دولت کریمه (به ولایت ائمه اطهار)

خدا، قرآن، خمینی

اینست شعار ملی



# روحانی شهید

## کوچک خان جنگلی

بقیه از صفحه ۱

آن را به این شماره موکول کردیم و اینک بنا به وعده ای که داده بودیم چند ستونی از این شماره را به بررسی ویژگیهای نهضت جنگل و نقش میرزا اختصاص داده تا بتوانیم جریان نهضت جنگل را بهتر شناخته و اردستان و ردهای آن بر تجربیات انقلابی خود بیافزاییم.

روحانی مبارز سردار جنگل میرزا که در آغاز طلبه ای بیسخت نبود در اوج انقلاب مشروطیت به انقلابیون پیوست و در اغلب قیامهای تأثیر کننده و سرنوشت ساز نظیر فتح تهران، فتح قزوین فعال بود و در مبارزه با سایر غائله‌هایی که طرفداران استبداد بر او می‌انداختند شرکت می‌کرد. بعد از شکست مشروطیت و حاکم شدن مجدد استبداد میرزا بر آن شد تا به احیای استقلال و آزادی بپردازد پس از جستجوها و چاره اندیشیهای مختلف و گفتگوی متوالی با سایر انقلابیون به این نتیجه رسید که به جنگلهای شمال رفته و با شناختی که از آن خطه داشت انقلاب دوم را از آنجا شروع کند.

تاکنون تحلیلها و بررسیهای گوناگونی راجع به نهضت جنگل و میرزا کوچک خان شده است مادر این مقاله سعی داریم که نهضت جنگل را از زاویه جدیدی بررسی کنیم و این بررسی جدای از مسائل روز و مبتلا به انقلاب اسلامی نمیباشد.

باشد که حق میرزا سردار جنگل را ادا کنیم زیرا که او با عشق به توده‌ها و راه انبیاء جان به کف نهاد و به مبارزه با استبداد در خانگی و امپریالیسم انگلیسی شهید شد. و مسلماً "خون او در رشتد انقلاب اسلامی بی اثر نبوده و نخواهد بود.

یکی از مسائلی اساسی و مهمی که نهضت جنگل با آن روبرو بود مسئله انقلاب شوروی و رابطه با آن بود. زمانی که میرزا نهضت خود را آغاز کرد شمال ایران در اشغال روسیه تزاری بود و وجود نیروهای تزار خود مشکلی اساسی در سرازیر شکل گیری و گسترش این نهضت محسوب میشد. پس از پیروزی

توده‌ها بر تزار روس چنین بر میآید که دست میرزا در خطه شمال باز شده و میتواند با فراغت بیشتری به مبارزه خود علیه انگلیس ادامه دهد. مدت زمانی از این امر نگذشته بود که همزمان با قرارداد ننگین ۱۹۱۹ و وثوق الدوله نیروهای ارتش سرخ شوروی سواستوپول نیز از شمال وارد ایران شدند. در این رابطه میرزا و همروزمانش بر آن شدند که با این نیرو تماس گرفته و از آنها تقاضای همکاری نمایند. نیروهای سرخ نیز به تقاضای میرزا پاسخ مثبت داده و با وی علیه استبداد وارد همکاری شدند. از آنجمله از مذاکرات میرزا با فرماندهان ارتش سرخ بجا مانده است چنین بر میآید که میرزا در صحبتهای متوالی خود با آنها، اصول و ضوابطی را برای همکاری پیشنهاد میکند که بالاخره مورد قبول آنها واقع میشود. در مفاد آخریین معاهده‌ای که بین میرزا و آنها بسته میشود خواهسته‌های میرزا کاملاً گنجانده شده است و این ضوابط بیشتر حول استقلال ایدئولوژیک سیاسی، اقتصادی نهضت جنگل دور میزند. (کتاب سردار جنگل ص ۲۵). لیکن در جریان عمل با نفوذ عناصر مترقیینم (اما راست) (۱) به درون نهضت جنگل اغلب مواضع قرارداد تقاضا میشود و در اثر حرکات و اعمال چپ نمایانه این عناصر..... بتدریج پیایگانه توده‌ای میرزا خدشه دار شده و بالاخره با کودتای که توسط همین جریان مترقی نما (اما راست و در خط انگلیس) انجام میشود و هم از طرفی شوروی نیز دست از حمایت میرزا میکشد، لذا شکست نهضت جنگل قطعی و پایانه‌های استبداد و بسته رضا خانسی در گیلان تحکیم میگردد.

### علل شکست نهضت جنگل

در بررسی علل شکست جنگل گرچه به نارسائیهای طبیعی جنگل نقش اصلی را میدهیم. لکن معتقدیم که بررسی موضوعیهای شوروی و عناصر مترقی نما و ریشه‌های ایدئولوژیک آن مارا بشناخت واقعی تری از انقلاب میرزا خواهد رساند و در هضموردی برای مشکلات امروز ما خواهد بود

گفتیم که بعد از آنکه میرزا در جلسات متعدد با نمایندگان شوروی به قرارداد مشترکی رسید شوروی به تقاضای میرزا پاسخ مثبت داد البته آنها بنا به تحلیل‌های کلاسیکشان میرزا را بعنوان نماینده طبقه کارگر میدانستند ولی از آنجا که معتقد بودند با ید تمام جنبشهای آزادیبخش را علیه سرمایه داری متحد کنند تا کارگران جهان به قیام سراسری بر علیه امپریالیسم دست بزنند (انترناسیونالیسم کارگری). لذا برای نفوذ در نهضت جنگل و در دست گرفتن رهبری آن تن به معاهداتی با میرزا دادند. پس از مدت زمانی از این معاهدات عناصر مترقی نما (اما راست) نظیر خالو قربانها با دستگیری نمایندگان شوروی همچون ابوکف و..... حرکتها بی‌ما رگونه و چپ نما انجام دادند و یکسره از اصول قرارداد عدول آشکار نمودند. این اعمال باعث اعتراض شدید میرزا گردید. چنانکه میبینیم میرزا در نامه‌ای که به لنین مینویسد ماهیت این

یا لیسم انگلیس و قوای رضاخانی خورده و این خود نشان دهنده هم‌موضع آنها با انگلیس و بی‌انگرمحتوای راست آنها بود پس از اینکه این کودتا علیه میرزا انجام شد و تفرقه و تشتت درون نهضت جنگل بالا گرفت در اثر این تفرقه‌ها وضع ضربه‌های کاری قوای انگلیس و رضاخانی یکی پس از دیگری برپیکر مجروح جنگل وارد آمد و نهضت را متفرق تر و ضعیف‌تر نمود.

در حقیقت همان کودتا بود که باعث این ضربه‌ها شده بود و گر نه در صورتی که نهضت انسجام میداشت همه ضربه‌ها قابل تحمل بود و این خود به بهترین وجه نشان دهنده پیوند خطی عناصر مترقی نما با انگلیس است. در همین اوان که ارتجاع مرکزی ایران بر اثر کودتای ۱۲۹۹ مستحکم‌تر شده بود شوروی نیز دست از حمایت میرزا کشید و با این ارتجاع سازش نمود. چنانکه روتشتین نماینده مختار شوروی پس از عهدنامه مودت ۱۹۲۱ با ارتجاع مرکزی ایران به میرزا

بدین ترتیب وقتی شعار صدور انقلاب مطرح میشود، طبق اصل فوق نخست به این امر توجه میکنیم کدام انقلاب جوهری ترو به طبع در برگیرنده تراست. در این راه ما دچار ناسیونالیسم نشده و از آن طرف قضیه دچار جهان وطنی نمیگردیم.

افراد و اعمالشان را اینچنین تفسیر میکند. چندتن از اشراکون ایرانی که از روسیه آمده اند و از اخلاق و عادات ملت ایران بی اطلاعند بوسیله متینگ در کارهای داخلی حکومت مداخله و زیرپایش را خالی میکنند و از این طریق عملاً قوای نظامی انگلیس را تقویت مینمایند. ولیکن این اعترافات میرزا نه تنها سودی نبخشید بلکه به کودتا علیه وی انجام مید.

جریان کودتا به این قرار بود که در تاریخ تیر ماه ۹۹ رشت به تصرف چپ نماها در آمده و همه طرفداران میرزا را هر کجا و هر کسی بود دستگیر و بازداشت کردند. هم‌چنین قرا بود که میرزا را دستگیر کرده یا بنحوی اورا بکشند و به همین خاطر میرزا که ما جرارا فهمیده بود درشت راترک و به جنگل رفته بود.

این کودتا باعث شدن نهضت جنگل ضربه‌های شدیدی از امپری-

چنین مینویسد: مایعنی دولت شوروی در این موقعه تنها عملیات انقلابی را بیفاییده بلکه مضر میدانیم! آنچه ذکر نمودیم شمه‌ای از جریان تاریخی بود که در رابطه شوروی با نهضت جنگل گذشت. (۲)

### ریشه‌یابی و تحلیل درسی برای امروزمان

موضعگیریهایی که شوروی در مقابل نهضت جنگل نمود، بنظر مانا شای از برخورد و جریان فکری بود که در حاکمیت شوروی وجود داشت.

جریان اول جریان بود که میگفت بزرگترین وظیفه ما این است که زحمتکشان جهان را به قیام سراسری علیه سرمایه داری فراخوانیم. این تفکر با اصرار بر روی موضع خود با تضادهای مشکلات درون شوروی که آنرا جزئی از انقلاب جهانی سوسیالیسم میدانست برخورد نکرده و برای

آن بهائی قائل نبود. بعنوان مثال در کنگره ملل شرق که در ۱۹۲۵ در بادکوبه تشکیل شد زینوویو که یکی اردوستان نزدیک تروتسکی بود چنین میگوید: "ما از این ملت‌ها نمی‌بینیم که بسته به بین الملل سوم هستند یا خیر، بلکه همین قدر سواال میکنیم که در زنجیرید یا نه و مایلید مبارزه زحمتکشان علیه سرمایه داری تعقیب شود یا خیر (انترناسیونالیسم کارگری از این ماده براحتی درک میشود) و....."

آنچه که در بالا ذکر نمودیم نتیجه میگیریم:

الف: شعار انترناسیونالیسمی که این جریان مطرح میکرد شعاری بود بدون مرز بندی و مرحله بندی. ب: عناصر این جریان وقتی به نهضت جنگل میپیوندند بدون در نظر گرفتن مراحل انقلاب (جذب و بسیج توده‌ها علیه ارتجاع حاکم و مرحله بندی خط مشی) حرکتها نمیکنند غیر متناسب که عملاً در خدمت انگلیسیها قرار میگیرد.

جریان دوم: این جریان معتقد بود که: شوروی پیش از انقلاب سوسیالیستی در سطح جهان بوده و تا سوسیالیسم در درون شوروی تحکیم نیابد و الگویی برای طبقه کارگر ایجاد نشود صدور انقلاب امری ایده آلیستی است. لذا این جریان بعد از اینکه در شوروی حاکم شد.

الف: دست از حمایت از جنبشهای آزادیبخش من جمله میرزا برداشت و او را قربانی کرد تا انقلاب سوسیالیستی را در درون تحکیم بخشد.

ب: با ارتجاع مرکزی ایران سازش کرده تا انگلیس روسهای سفید را در درون شوروی تقویت نکند.

ج: عناصر مترقیینما در برخورد با نهضت جنگل با تشدید اختلافات طبقاتی (تضاد کار و سرمایه) بدون توجه به عامل امپریالیسم

نهضت جنگل را به شکست کشانیدند با توجه به این دو جریان فکری سئوالی که مطرح میشود اینست که کدام جریان موضعش اصولی است.

از جمع بندی مطالب فوق به این نتیجه میرسیم که آنچه نهضت جنگل را به شکست کشانید، عامل در زنی:

الف) ساده اندیشی میرزا کوچک در مورد مترقی نماها و عدم شناخت ایدئولوژیک از آنها. ب: میرزا با ید در ابتدا قیامهای خلقی و انقلابیون بقیه در صفحه ۱۶



روحانی شهید:

# کوچک خان جنگلی

بقیه از صفحه ۱۵

اسد می نظیر شهید مدرس، خیابانی و... پیوند می خورد تا از موضع قدرت و انسجام درونی با طرفداران شوروی برخورد کند (۴) ج: میرزا کارا اتحادش با نیروها شبیه اختلاف بود در حالی که در انقلاب اسلامی امروز وحدت کلمه یا اتحاد اصولی نیروها است که معیار هماهنگی و وحدت قرار میگیرد.

عوامل بیرونی:

الف: رهبران شوروی مصلحت انقلاب خود را و منافع خود را بر منافع نهضت های آزادی بخش ترجیح داده و قدری خود محور شده بودند و برای مصالح استراتژیک شوروی حتی با انگلیس هم سازش کردند و نهضت جنگل قربانی این سازش شد. ب: میبیمیم که ناسیونالیسم مورد بحث با آن معیارهای اصالت ایزاری قادر به تحقق انترناسیونالیسم نبوده و بتدریج به ناسیونالیسم تبدیل میشود و باید دنبال مکتبی راهنمای

تقویت کنیم. انقلاب اسلامی، با الهام از امام و برهبری امام، ضمن حل مشکلات درونی خود، ضمن تعمیق و رشد، به نهضت های آزادی بخش هم توجه داشته و امام شعرا رجبیه مستضعفین علیه مستکبرین جهانی را مطرح کردند. وحدت کلمه و عمل صالح برای جنبه مستضعفین را آزادی قدس و انهدام روابط صهیونیستی قرار دادند. آزادی قدس و وحدت کلمه ای تعالی بخش است که هم رشد درونی و استقلال ما را تضمین میکند و هم موجب صدور و گسترش انقلاب میگردد. صدور انقلاب یک امر مکانیکی و کشورگشایی نیست، بلکه به حرکت ذاتی، جوهری و - بیداری ملتها توجه دارد، و در بدو امر صدور شیوه های انقلاب است. انقلاب اسلامی برهبری امام، مانند آنهایی نیست که در برابر نیاز شدید مستضعفین میگفتند انقلاب ما در کردنی نیست، ولی همانها وقتی کودتایی در کشوری اتفاق می افتاد، نظیر کودتای ۲۸ مرداد، سکوت و تلویحا "تائید" میکردند و زبان دلشان این بود

## صدور انقلاب یک امر مکانیکی و کشورگشایی نیست، بلکه به حرکت ذاتی جوهری و بیداری ملتها توجه دارد، و در بدو امر صدور شیوه های انقلابی است.

عمل گشت تا بدین هدف مقدس برسیم، ما معتقدیم که در سایه اسلام است که به چنین جامعه ای خواهیم رسید.

### نارسانای اصل جزء وکل در تبیین انترناسیونالیسم

بناظر ما انحراف شوروی ناشی از طرز تلقی آنها از رابطه درون انقلاب با انقلاب جهانی است. آنها در تفکرشان انقلاب کارگری در سطح جهان را کمال و انقلاب شوروی را جزئی از آن به حساب می آورده اند. آن عده ای که میگفتند انقلاب شوروی تابع انترناسیونالیسم کارگری است در حقیقت معتقد بودند: انقلاب شوروی جزئی از کمال انقلابات جهان بوده و تا انقلاب کارگری در سطح جهان ایجاد نشود مسائل انقلاب شوروی حل نخواهد شد. (جزء تابع کل، نظریه تروتسکی). و آن عده ای که معتقد بودند

آنچه در این مقاله از بررسی نهضت جنگل برای ما مهم است، فعلا "همین عامل بیرونی شکست نهضت جنگل" یا "مسئله صدور انقلاب" و رابطه آن با حاصل مشکلات درونی است. چه اینکه در حال حاضر مسئله صدور انقلاب و رابطه با نهضت های آزادی بخش یکی از مسائل مهم انقلاب اسلامی میباشد.

### شکیم یا صدور؟ رشد یا گسترش؟

زمانی که امام خمینی شعار صدور انقلاب را مطرح کردند، بسیاری نیروها میگفتند ما در درون چه کردیم که میخواهیم انقلابمان را صادر کنیم؟ و بسیاری دیگر بدون توجه به مسائل درونی پیشینها دمیکردند که باید به سایر کشورها رفته و انقلابیون آنجا را

انقلاب شوروی الگوی سوسیالیسم در سطح جهان است در حقیقت اعتقاد آید که لویژیکشان این بود که کل مشکل از اجزای بوده و تا جزء، جزء کشورها و بخصوص شوروی به عنوان الگو درست نشود، انقلاب جهانی معنی بوده و انقلاب در سطح کل ایده آلیستی است. (کل - مشکل جزء، استالین) (۴) اگر به اصل جزء وکل معتقد

اصالت داردمیزان نزدیک و قرب به کمال مطلق است، یعنی جریان در برگیرنده تر و شاملتر و اصلتر است که به محور تکامل نزدیک تر باشد. بدین ترتیب وقتی شعرا صدور انقلاب مطرح میشود، طبق اصل فوقتخت به این مرتوجه میکنیم که کدام انقلاب جوهری تر و به طبع در برگیرنده تر است. در این راه ما دچار ناسیونالیسم نشده و از آن

## انقلاب اسلامی برهبری امام، مانند آنهایی نیست که در برابر نیاز شدید مستضعفین میگفتند انقلاب ما در کردنی نیست، ولی همانها وقتی کودتایی در کشوری اتفاق می افتاد، نظیر کودتای ۲۸ مرداد، سکوت و تدریجا "تائید" میکردند و زبان دلشان این بود که "آری، کودتا صادر کردنی است، ولی انقلاب ما در کردنی نیست".

با شیم نمیتوانیم به رابطه صحیح بین صدور انقلاب و تعمیق آن برسیم، چرا که اگر بگوئیم انترناسیونالیسم (انقلاب جهانی) اصل است جای این سوال باقی است که تکلیف جزء، تکلیف انقلاب در ایران در رابطه با کل چه میشود. اگر بگوئیم برای انترناسیونالیسم باید از اجزاء شروع کرد، جای این سوال باقی است که از کجا شروع کنیم، از ایران؟ از فلسطین؟ از عراق؟ از... خلاصه کلام اینکه همیشه در دور درون و بیرون (ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم) خواهیم بود و گاهی به ناسیونالیسم و گاهی به جهان وطنی (انترناسیونالیسم غیر واقعی) اصالت خواهیم داد که هر دو الی انحراف را در بر خورد شوروی در رابطه با جنگل دیدیم.

طرف قضیه دچار جهان وطنی هم نگیردیم، دیدیم وقتی که کانون انقلاب اسلامی چهارده قسطنطنیه پیش در عربستان بوجود آمد، سلمان فارسی از ایران به آنجا مهاجرت کرد. یک جوهر انقلابی اسلامی همیشه نیروهای حق طلب را حول خود گرد می آورد، اینست فلسفه انترناسیونالیسم اسلامی.

- ۱- برای شناخت پدیده متری نمایی یا چپنمایی به جزوه متری نما (ا ما راست) رجوع کنید.
- ۲- برای مطالعه بیشتر میتوانید. کتاب سردار جنگل رجوع کنید.
- ۳- رجوع شود به کتاب سردار جنگل.
- ۴- رجوع شود به مکتب (شرح ماده ۲۲ - ملاک درون "جزء وکل").
- ۵- رجوع شود به کتاب مکتب (شرح ماده ۱۰ - اصل "جزء وکل").

### نگاهی به اخبار...

غرب هشدار داد که در لهستان دخالت نکند. ۶۰/۹/۲۹ اطلاعات: لخ والساتاکید کرده است که کارگران نباید مسلح شوند و باید از خونریزی اجتناب کنند. ... سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: بسیار راحت کننده است که لخ والساتادارخانه تحت نظارت شد و به وی اجازه داده نشود که با سخنرانی علنی وضع خود را برای جهان روشن کند.

یکی از اعضای همبستگی: وقایع لهستان دیگر مورد اخلی این کشور نیست بلکه مداخله شوروی در امور این کشور است. این در حالی است که شوروی هر گونه دخالت نظامی در لهستان را تکذیب کرده است.

### اطلاعات: ۶۰/۹/۳۰

۱۰۰ کارگر اعتصابی معاون لهستان در درگیری با حکومت نظامی کشته شدند. واشنگتن یونایتد پرس: یک هیات دولتی آمریکا به اروپا اعزام شد تا با یک جنبه متحد غربی در برابر بحران لهستان تلاش کند. این هیات قرار است با متحدان آمریکا درباره یک استراتژی هماهنگ برای مقابله با لهستان مشورت کند. آمریکا کمک غذایی به لهستان را قطع کرده است.

### اطلاعات: ۶۰/۱۰/۲

برژنف: آمریکا و شوروی میتوانند از طریق مذاکرات جاری در مورد محدودیت سلاحهای هسته ای در اروپا به توافق برسند. وی در مورد اهمیت گفتگوهای تسلیحاتی ژنوتاکید کرد و گفت: نتایج این مذاکرات افزایش یا کاهش خطر احتمال بروز جنگ هسته ای را تعیین خواهد کرد. ۳۰۰۰۰۰ معدنچی لهستانی در اعماق زمین اعتصاب کردند. با پ در پیام سالانه خود خطاب به اسقفهای اعظم از دیدار سال گذشته خود با لخ والساتاهبر اتحادیه همبستگی که از اعلام حکومت نظامی تاکنون در خانه اش تحت نظارت به نیکی یاد کرد. با پ گفته است ابرهای سیاهی که صلح را تهدید میکنند از لهستان خاور میانه و آفریقای مرکزی برخاسته اند.

### اطلاعات: ۶۰/۹/۱۸

دلیل آمریکا برای کمک نظامی به ترکیه اعلام شد. و این برگریه پاندر شو گفته است ترکیه که دومین نیروی زمینی بزرگ سازمان ناتورا بعد از آمریکا در اختیار دارد به کمکهای نظامی آمریکا احتیاج دارد. و این برگریه اضافه کرده است ترکیه برای مقابله با تهدید در آسیای مرکزی که از اشغال افغانستان بوسیله شوروی و سقوط نظم داخلی در ایران (۵) ناشی میشود این کمکهای اضافی نیازمند است.



## نگاهی به ...

و آنها از تکنولوژی بالاتری برخوردارند خوب یکجمله ای در ایران هستند که میگویند ما هم باید به تکنولوژی پیچیده مسلح شویم. اگر نشویم نمیتوانیم با آمریکا بجنگیم، مثلاً میگویند رادارهای ما نقطه کور دارد باید رادارهایمان را تقویت کنیم تا بتوانیم با آمریکا بجنگیم یا هواپیمای مدرنتری بخریم تا بتوانیم بجنگیم این یک تفکر است، آیا این تفکر میتواند با آمریکا بجنگد؟

نمیتواند چون اگر ما خواهیم با همان شیوه ای بجنگیم که آمریکا تنها برتر از ما هستند در تاکتیک شاید بتوانیم ولی این شیوه در درازمدت شکست میخورد. اگر بخواهیم با رادار آمریکا بجنگیم که از همه رادارهایمان آمریکا قوی و ... ممکن است در تاکتیک پیروزیهای بدست آوریم ولی در درازمدت با شیوه های آمریکایی که نمی توانیم با آمریکا بجنگیم، چاکو کده دست خود را نمیتواند ببرد باطل که نمیتواند باطل را ببرد این حق است که میتواند باطل مبارزه کند، این شیوه های حق

شیوه های اسلامی است که میتواند با شیوه های شیطان بزرگ بالاخره بجنگد، از نظر اسلامی تنها بگمک بسیج توده آیم بسیج اصولی توده علیه امپریالیسم است که ما میتوانیم با آمریکا بجنگیم یعنی اگر مردم طوری بسیج شوند که اگر آمریکا نیرو پیاده کند و جب به وجب سنگر به سنگر با مردم روبرو شود و نتواند جلوی بیاید ... اگر ما توده را بسیج کنیم در طول بسیج مصرف کم میشود، تولید زیاد میشود و هم صنایع بوجود میآید، سرمایه گذاری هم میشود. اگر ما توده را بسیج کنیم تمام مشکلاتمان را حل میکنیم و به توسعه

اقتصادی هم میرسیم منتهی بسیج توده یک امر اقتصادی مصطلح نیست، بسیج توده یک امر ایدئولوژیک است شما با یمنی تیارهای پایدار، ویژگیهای پایدار توده را بدانی تا بتوانی دست رویش بگذاری و توده را بسیج کنی، مثلاً دیدیم در جریان "مرگ بر شاه" مصرف مردم کم شده بود و تولیدشان بالا میرفت و جقدر در همیست مدت کثرتی ما بالا رفت. همین بسیج چشمگیر که مردم داشتند یعنی اقتصاد ما نباید اقتصاد بسیج باشد، اقتصاد کنیز و اقتصاد سرمایه داری و ... که میآید توسعه اقتصادی را در دایره خبیثه مبیندایی بدر ما نمیخورد.

## صدور انقلاب

۶۰/۹/۲۴ جمهوری اسلامی : اف بی ای، اعلام کرد افشای اسناد دانشجویان خط امام در آمریکا غیر قانونی است، آنها گفتند این کتابها حاوی اسرار محرمانه دولتی است و جزوا موال دولتی بحساب میآید و فاش شدن آن غیر قانونی است، در همین رابطه نیز سه نفر را که حامای این کتابها بودند دستگیر کرده اند.

راه مجاهد:

حامیان دموکراسی غربی از چه میترسند؟ افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط

خود را آشکارا تر کرده و واقعیت ددمنش و ضد مردمی خود را هر روز عیان تر سازد یکی از بزرگترین ضربات تیکه در این مرحله بر آمریکا جنایتکار وارده شد افشای چهره، پلیس سیاسی آن میباشد اینکه "سیا" به چه شیوه هایی دست به جاسوسی و توطئه علیه ملل تحت سلطه میزند و اینکه تاکنون بوسیله ایادی وابسته اش در ایران چه جنایتهایی را مرتکب شده است، در واقع مرحله ای عظیم در افول و نابودی امپریالیسم بود، شاید در کنار دیگر دستاوردهای ای عمل انقلابی بزرگترین ره آورد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، شکستن همین شیشه عمر آمریکا (سیا) بود. بطوریکه حتی هم اکنون نیز ترس و وحشت

## \* در سبائی از طریق القدس خونبار \*

بنام خدای شهیدان

(۴)

"دفع تجاوز و زحل مشکلات اقتصادی"

مدتهاست که مسئله چگونگی مبارزه با مشکلات اقتصادی و حل آنها مطرح است امپریالیسم، فشار اقتصادی و فلج کردن اقتصاد کشور و محاصره اقتصادی را در خدمت به اجرای نقشه های خود حاکم کردن دولت معتدل مورد نظرش بکار گرفته است یکی از مسائل اساسی انقلاب اسلامی در شرایط فعلی حل این معضل با حفظ شعارهای "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" و "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" است.

این سوال مطرح است که چگونه میتوان در این شرایط فشار در جهت خودکفائی مشکلات اقتصادی را حل کرد؟

در شرایط کمبود ارز و محاصره اقتصادی و عدم خرید سلاح چگونه میتوان با سلاحهای محدود جنگ را ادامه داد. رزمندگان شهادت طلب، در عملیات پیروزمند "طریق القدس" بار دیگر نشان دادند که حل تمامی مشکلات و از جمله مسائل اقتصادی صرفاً در طی عمل صالح و مسئله اصلی (جنگ) قابل حل است.

توده های بسیج شده انقلاب اسلامی در این عملیات موفق شدند ضمن وارد آوردن ضربات سهمگین بردشمن متجاوز مقدادیر بسیار زیادی سلاح و مهمات از آنها به غنیمت بگیرند که حتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک گردان زرهی از سلاحهای به غنیمت گرفته تشکیل داده است، می بینیم چگونه با بسیج توده های ایثارگرو شهادت طلب با کمبود ارز و محاصره اقتصادی میتوان مبارزه کرد.

امام به چه کسانی ضربه میزند؟ چرا حتی وقتی که خبرنگاران شبکه های تلویزیونی وابسته سی بی ای میخواستند افسانگاریها را وارد آمریکا کنند با ممانعت ما موران اف بی ای و بیورو میشوند؟

بار دیگر حقانیت عمل انقلابی اشغال لانه جاسوسی و اینکه چه صرهای بر منافع آمریکا وارد شده است، ثابت میشود. خلق مستضعف مادر سیر الی الله خود تاکنون بزرگترین ضربات را بر یک امپریالیسم جنایتکار وارد آورده است. و در مراحل چندی اقول واضح لال آرا بیشتر نموده است و آنرا محبور کرده است که چهره منافقانه

مشهد - برادر سالم علی عزیز نماینده سازمان اسلامی آرا دین بخش عمان ... گفت: ایران تنها کشوری است که به

رهبری امام خمینی میباشد استراتژی خود را اسلام میداند. ایران در پیاده کردن حکومتهای اسلامی در کشورهای اسلامی جهان یا بد نقش رهبری را بعهده بگیرد.

۶۰/۹/۱۰ کیهان:

نماینده ایران در سازمان ملل: ... خواهر مسلمانان از اهالی افریقای جنوبی در حالیکه خود و هموطنانش سالهاست زیر چکمه ظلم و ستم رژیم سفاک مزد دیرست افریقای جنوبی دست و پا میزنند، این پنج راند (معادل ۳۹۵ ریال) را برای کمک به انقلاب اسلامی فرستاده ام فراموش نکنید که این انقلاب با یاد او مه پیداکند.

۶۰/۹/۱۱ کیهان:

دهلی نو: دیروز در حدود هزار نفر از مسلمانان هندی طی یک تظاهرات یا شکوئی در دهلی نوضمن اظهار پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران خواستار عزیمت به ایران و جنگ با صدام میباشند، تظاهرات کنندگان با در دست داشتن عکسهای از امام خمینی و پلاکاردهایی به زبانهای اردو و انگلیسی به روی آنها حملاتی چون مرگ بر صدام نوشته شده بود. چندین خیابان را طی کرده و در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران اجتماع کردند و با تکیه های مکرر مجدداً "از انقلاب اسلامی ایران حمایت نمودند."

۶۰/۹/۱۴ جمهوری اسلامی:

به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر در بیروت مسافرانی که از جنوب لبنان به منطقه بقاع در شرق این کشور به بیروت آمده اند خبر دادند در چند روز اخیر اخبار مربوط به پیروزیهای ارتش اسلام در نبرد با صدامیان کافر موج وسیعی از شادمانی را در روستاهای این منطقه برانگیخته است به قرار اطلاع شیعیان محروم در جنوب لبنان همزمان با تهران فریادهای الله اکبر سرداده اند.

۶۰/۹/۱۶ جمهوری اسلامی:

یک خبرنگار آرژانتینی که همراه با گروهی از خبرنگاران داخلی و خارجی از شهر آزاد شده بستان دیدن کرده است پس از مشاهده استقرار کماندوهای اسلام در این شهر گفت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مردم ایران از ایمان مذهبی و شجاعت شگفت انگیزی برخوردارند و می

زفانی که با سربازان و مردم ایران در جبهه گفتگو میکنم از آنها درس شجاعت میگیرم. لوپیراناسی خبرنگار آرژانتینی در گفتگویی با خبرنگاری پارس در مورد احساس خود پس از بازدید از شهر

بستان گفت من در اینجا احساس امنیت بیشتری میکنم تا در بوئنوس آیرس.

۶۰/۹/۲۳ کیهان:

بندر عباس: مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، فرستنده های رادیویی کیش که بهره برداری از آنها سال آینده آغاز میشود، تمامی کشورهای خلیج فارس تا مصر را زیر پوشش رادیویی صدای جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد داد.

۶۰/۹/۲۴ جمهوری اسلامی:

سه جوان پاکستانی بجرم حمایت از انقلاب اسلامی ایران در زندانهای رژیم سعودی شکنجه شدند، آنها گفتند پلیس در تحقیقات خود دنبال کشف رابطه احتمالی آنها با ایران و وجود نشانه های در زمینه نشر مذهب شیعه بودند.

آنها گفتند تعداد بسیاری از جوانان مسلمان و متعهد عربستان بجرم اینکه طرفدار انقلاب اسلامی هستند در زندان بسر میبرند، در ضمن این سه نفر بجرم شرکت در عزاداری عاشورای حسینی بمدت ۱۰ روز بازداشت بوده اند.

## اوضاع داخلی عراق

الف: رشد نیروهای حق

۶۰/۹/۱۶ جمهوری اسلامی:

..... منابع آگاه نظامی در لشکر ۲۸ کردستان دیروز در تماس با خبرنگاری پارس در سندج اعلام کردند همه روزه اعلامیه های گوناگونی علیه رژیم صدام در سلیمانیه، حلبچه، کرکوک و پنجویین یختی میشود و حتی اخیراً در صندوقهای میوه ای که به این شهرها حمل شده اعلامیه هایی در مخالفت با رژیم صدام پیدا شده که صادر کنندگان آنها قصد انتشار آنها را داشته اند، هم چنین اخیراً "توسط جوانان محله کانی اسکاده سلیمانیه عکسهای از صدام را بر گردن چهار پاییان انداخته و آنها را در نقاط مختلف شهر حرکت در آورده اند در همین رابطه تاکنون دوجان مسلمان دستگیر شده اند.

۶۰/۹/۲۱ جمهوری اسلامی:

طی مصاحبه ای که با اسرای عراقی شده یکی از اسرا گفته غالب ارتشیان عراقی مایل به تسلیم ساری خود به نیروهای ایرانی هستند لیکن با میسر گذاری که از سوی مزدوران بعثی



**نگاهی به اخبار...**

در اطراف تمامی جبهه‌ها صورت گرفته این امر را مشکل کرده است. اسیر دیگری، ما از مدت‌ها قبل در انتظار بودیم که به نیروهای جمهوری اسلامی بیویونیدیم لذا هنگامیکه پیوسته رزمندگان ایرانی سراع ماکسه هفتاد نفر بودیم آمدند ما همگی خود را به آنها تسلیم کردیم. یکی دیگر گرفته خبرهای رادیوی بغداد راهیجکس باور نمیکنند و مردم عراق اکثراً "به رادیوی صدای عربی جمهوری اسلامی ایران گوش میکنند" اسیر دیگری گفته من نذر کرده بودم اسیر شوم و در پناه جمهوری اسلامی قرار گیرم.

۶۰/۹/۳۰ اطلاعات :

حزب دعوت اسلامی عراق طی اعلامیه‌ای ضمن اعلام چگونگی انفجار سفارت عراق در بیروت مسئولیت این انفجار را به عهده گرفت.

"ب: اضمحلال و افول مزدوران عراقی"

۶۰/۹/۱۰ کیهان :

بخشنامه‌ای از رژیم عراق بدست سلحشوران مدافع انقلاب اسلامی افتاده است. ترجمه قسمتی از این بخشنامه محرمانه چنین است:

الف: گزارشی از فعالیتهای حزب الدعوة در نیروهای مسلح تهیه گردیده است.

ب: مطالب زیر سفارتشاهی است در مورد چگونگی جلوگیری از انتشار افکار حزب الدعوة در نیروهای مسلح. ۱- تا کید میشود که فرماندهان با بدعا عدالت با افراد ریز دست خود رفتار نکنند تا دیوار موجود بین خود و آنان را از میان بردارند. ۲- علل عدم استقبال پرسنل از حزب بعث بررسی و راه حل‌هایی جهت برطرف کردن این مشکل تهیه شود. ۳- با استفاده از دستگا‌های تولیدی رازیت مانع وصول اخبار و اطلاعیه‌های رادیوهای جمهوری اسلامی و مخالفان به پرسنل بشوید. ۴- پرسنل پایگاههای هوایی و غیره در مناطق خارج از شهر محل سکونتشان توزیع بشوند تا افراد غیر نظامی نتوانند با آنها تماس برقرار کنند. ۵- مراقبت شدید و مستمر بر کتا‌بهای دینی که دین را از صورت اصلی خود منحرف میسازند معمول شود. ۶- به تعداد جلسات امنیتی افزوده و جهت حفظ امنیت نیروهای مسلح به آنها آموزش داده شود.

۶۰/۹/۱۵ کیهان :

به گزارش آسوشیپرس

عربستان سعودی با ایجاد یک خط لوله نفتی بوسیله عراق که میدانهای نفتی این کشور را به پایان کشتیرانی دریای سرخ متصل میکنند موافقت کرده است. هدف عراق به حداقل رساندن خطر متوقف شدن صدور نفت به خارج از طریق خلیج فارس میباشد.

۶۰/۹/۲۱ کیهان :

هلنده ۵۵ میلیون دلار در ورین جنگی در اختیار ارتش عراق گذاشت. ... یک شرکت هلندی دوربینهای راکه شب‌هنگام میتوان از آنها استفاده کرد در اختیار تقریباً تمام ارتش عراق قرار داده است. ... واشنگتن - خبرگزاری پارس روزنامه نیویورک تایمز در آخرین شماره خود نوشت: عراق که بیشتر سلاحهای نظامی خود را از دولت فرانسه تهیه میکند تاکنون ۲۵ میرا از این کشور دریافت کرده است. ... دولت عراق اینک با کمبود بودجه روبروست و قادر نخواهد بود مخارج جنگ را تحمل کند یا ذکر این نکته که نیروهای ایرانی دوسوم مناطق نفتی عراق را نابود کرده و بقیه مناطق نفت خیز عملاً را فعالیت بار مانده اند و از طرف دیگر رژیم صدام تکریتی بعثت خطرناکی از جنگ قادر به ارسال نفت از خلیج فارس نیز نمیباشد.

۶۰/۹/۲۲ اطلاعات :  
لندن : خبرگزاری پارس بدنبال حمله خلبانان ایران به نیروگاههای برق تولید برق عراق به ۱۰۰۰ مگاوات کاهش یافت.

۶۰/۹/۲۲ جمهوری اسلامی :  
عراق برای جبران خسارات ناشی از انهدام نیروگاههای برق از انگلیس کمک خواست. به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از لندن روزنامه میدل ایست در همین رابطه اولین سفارشات نیروگاههای کوچک برق به شرکت انگلیسی راستون دیزل داده شده است این سفارش شامل هفتاد دستگاه نیروگاه کوچک ۲ مگاواتی برای واحدهای تولیدی است.

۶۰/۹/۲۸ کیهان :

خبرنگار واحد مرکزی خبر در واشنگتن بنقل از روزنامه وال استریت ژورنال: عراق با کمیانی مهندسی کامیاب جهت تهیه چهار دیپتام بخار برای مرکز برق بغداد یک قرارداد ۲۹ میلیون دلاری امضاء کرد.

۶۰/۹/۲۹ اطلاعات :

منابع آگاه در دمشق اظهار کردند: بدنبال شکست‌های پی‌در پی در جبهه‌های جنگ اخیر رژیم بعث عراق اقدام به اعزام ۲۵۰۰ تن از ماوراء امنیت حربه

بعثت به جبهه‌های جنگ کرده‌است به گفته این منابع این عده به دو گروه تقسیم شده و در خطوط مقدم و پشت جبهه مستقر شده‌اند. طبق گزارشات رسیده ما موریت گروه امنیتی مستقر در خطوط مقدم جلوگیری از پناهنده شدن سربازان عراقی به جمهوری اسلامی و ما موریت گروه دوم جلوه گیری از فرار سربازان عراقی از جبهه‌های جنگ است.



۶۰/۹/۱۰ کیهان :

خبرگزاری فرانسه، روزنامه پروادا: ارگان حزب کمونیست شوروی: به قدرت رسیدن حسنی مبارک پس از قتل انور سادات در شش اکتبر باعث مشی مدارا جویانه تر دولت در قبال مخالفان شده و جویسی مصر را تغییر داده است. پروادا: نظر مساعده خاطر نشان ساخت که رئیس جمهوری جدید مصر متکترت‌سپاسی با نمایندگان احزاب مخالف است و شخصیت‌های سرشناس را که در بازداشت بودند آزاد کرده است. ناظران خاطر نشان ساختند لحن مقاله پراودا نشان دهنده تغییر در مشی رسمی شوروی در قبال جانشین سادات است. ... از جمله نشانه‌های مثبت در نظام جدید مصر تضمین ثبات و امنیت داخلی و نابودی گروه‌های تروریستی و همچنین عوامل جدید در سیاست خارجی مصر است.

۶۰/۹/۱۰ کیهان :

یونایتد پرس: قاهره: محاکمه متهمین به ترور سادات دیروز پس از ۸ روز تنفس در دادگاه نظامی قاهره از سر گرفته شد. وبه استثناء ستوان اسلامبولی متهم درجه یک سایر متهمین خود را از اتهامات منتهی میبری دانستند. اسلامبولی گفت: من سادات را کشته‌ام و به آن اقرار دارم و از این بابت افتخار میکنم زیرا که آرمان اسلام در خطر بود.

"توطئه‌های امپریالیسم در مقابل رشد و گسترش انقلاب اسلامی در منطقه"

۶۰/۹/۹ جمهوری اسلامی :

بگین نخست وزیر اسرائیل دیروز با ردیگر بیثباتی ملاقات با رهبران عربستان را در بیت المقدس، ریاض با یک کشور بیطرف برای مذاکره پیرامون صلح مطرح کرد.

۶۰/۹/۱۱ کیهان :

آمریکا و رژیم اشغالگر قدس یک قرارداد دفاعی امضاء

کردند که در آن لزوم مانورهای نظامی مشترک، برنا مه ریزی مشترک و مبادله کمک نظامی و استقرار یک شورای هماهنگی بین دو کشور مورد تاکید قرار گرفته است. ... فلیپ جیبب: آمریکا حاضر خواهد بود با یک دولت فلسطینی در تبعید تماس مستقیم برقرار کند به شرط آنکه این دولت در تبعید تنها از سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل نشده باشد.

۶۰/۹/۱۶ کیهان :

الیوسف چاپ قاهره گزارش داد: ... هیگ به بگین قول داده است که آمریکا برای کمک به رفع بحران اقتصادی رژیم صهیونیستی از این رژیم تجهیزات نظامی خریداری کند. ... میزان این خرید حدود ۲۰۰ میلیون دلار است این تسلیحات برای استفاده نیروهای واکنش سریع خواهد بود و در اسرائیل خواهد ماند.

۶۰/۹/۱۶ جمهوری اسلامی :

روزنامه واشنگتن پست در شماره اخیر خود نوشت: مقامات دولتی آمریکا بطور محرمانه موافقت کرده اند که پس از تحویل صحرای سینا به مصر در آوریل آینده (اردیبهشت ۶۱) تغییراتی در قرارداد صلح کمپ دیوید بدهند. به نوشته این روزنامه مذاکرات بر سر خود مختاری کرانه غربی رود اردن که حساسترین موضوع در با صلح قرار داد صلح کمپ دیوید است به بن بست رسیده و مشاوران ریگان معتقدند که مصر و اسرائیل در این زمینه باید از خود گذشته نشان دهند.

۶۰/۹/۱۶ جمهوری اسلامی :

رژیم صهیونیستی که برای شروع حمله به جنوب لبنان بهانه جویی میکند اعتم کرد در صورتیکه به ترتیبی آتش بس جنوب لبنان نقض شود، سریعاً "مداخله گسترده نظامی خواهد کرد. تاکنون آتش بس چندین بار از سوی نیروهای وابسته به اسرائیل سعددا دنقض شده است. از سوی دیگر فرستاده ویژه شوروی به خاور میانه پس از یک هفته توقف در اردن وارد لبنان شد. در همین حال فلیپ جیبب به منظور بررسی علل شکست طرح فهد برای به رسمیت شناختن اسرائیل با حکام عربستان به گفتگو پرداخت.

۶۰/۹/۲۱ جمهوری اسلامی :

با شکست مفتضانه طرح فهد برای به رسمیت شناختن اسرائیل بقیه در صفحه ۱۹

**\* در سهای از طریق القدس خونبار \***

بنام خدای شهیدان (۵)

"دفع تجاوز و مسئله استقلال"

پیروزی طریق القدس بار دیگر این واقعیت را به اثبات رساند که انقلاب اسلامی با اتکا به خداوند و وجود الهی انسانها با تمامی توطئه‌های امپریالیسم و در راه س آن شیطان بزرگ امریکایی مبارزه کرده و راه پرپیچ و خم کسب استقلال و آزادی واقعی را با شتاب زیادی طی می‌کند.

این پیروزی با توجه به شیوه‌های اصیل بکار برده شده در آن و تکیه اساسی اش به توده‌های مومن و نه به ابزار و سلاحهای پیشرفته ایر قدرتها، بار دیگر تثبیت و صدور انقلاب اسلامی را در بین مستضعفین منطقه بهمراه داشت.

مستضعفین منطقه با بهره‌گیری از شیوه‌های خودکفا و غیر وابسته بکار برده شده در این جنگ به شیوه‌های مکتبی و نویین مبارزه با سران مرتجع حاکم در منطقه دست یافتند و با تشدید عملیات بر علیه حکام جا بر خود و تحت فشار قرار دادن آنها به بهترین نحوی باعث می‌شوند که فشا را این توطئه گران از روی انقلاب اسلامی برداشته شده و مشغول مسائل داخلی خود شوند که در اینجا می‌بینیم که اولاً: چگونه با بسیج توده‌ها در عمل صالح (جنگ)، قدرت مردم خودمان را به مرجعین منطقه نشان میدهم که دیگر فکر تجاوز به میهن اسلامی ما به سرشان نزنند و ثانیاً: بهترین نحوی ضمن پیوند با مستضعفین منطقه استقلال و امنیت خود را نیز حفظ میکنیم.

نتیجتاً اینکه قادر خواهیم بود ایران را هم بعنوان کانون انقلاب اسلامی حفظ کنیم و هم بقای رزمندگان داشته باشیم و هم به انقلاب منطقه کمک کنیم که تنها راه حفظ استقلال در همین است که در غیر این صورت اگر مستضعفین منطقه علیه حکومتهایشان بسیج نشوند و آنها را کمک نکنیم منزوی میشویم و ارتجاع منطقه ما را خفه خواهد کرد.



## نگاهی به اخبار...

قطعاتی که در دست و چهل و دو  
و سیصد و سی و هشت شورای امنیت  
سازمان ملل است .

۶۰/۹/۲۵ اطلاعات :

اسحاق شایر وزیر امور  
خارجه رژیم صهیونیستی دیشب  
اعلام کرد که اسرائیل آماده  
است تا باب گفتگو در مورد صلح  
را هر لحظه با سوریه بگشاید . وی  
تصریح کرد که رژیم اشغالگر قدس  
هیچگونه قید و شرطی برای آغاز  
این گفتگوها قائل نیست . وی  
گفت قانون الحاق بلندیهای  
جولان به اسرائیل بدین منظور  
تصویب شده که نشان داده شود  
ساکنین عرب و یهودی این منطقه  
یکسان هستند . . . . . این بلندیها  
جز لاینفک اسرائیل هستند .

.....حسینی مبارک اقام  
اسرائیل را در مورد اضمحلال  
ارتفاعات جولان به خاک این  
کشور محکوم کرد و این اقام  
را مانعی بر سر راه صلح دانست

آمریکا طرح جدیدی برای خاور  
میانه عرضه کرده است . این طرح  
بی‌شماره که در دیدار اخیر فلیپ  
حبیب فرستاده و ویژه ریگان  
ار منطقه ارائه شده است دارای ۴  
ماده است . . . . . به گزارش روزنامه  
الریاض طرح ۴ ماده ای آمریکا  
خواستار عقب نشینی ۳۰ کیلومتری  
نیروهای صهیونیستی  
و فلسطین از مرزهای جنوب  
لیتانی - گسترش محدوده تحت  
نظارت سازمان ملل و ارتش  
لیتانی - خلع سلاح تمام  
جناحها در جنوب لیبان و تضمین  
آمریکا از اجرای مفاد قرار  
داد توسط دولت صهیونیستی  
در اراضی نظارت مستقیم آمریکا  
بر اجرا آنها توسط فلسطینیهاست

۶۰/۹/۲۴ اطلاعات :

رژیم صهیونیستی بلندیهای  
جولان را ضمیمه خاک خود میکند  
بگین دیروز لایحه ای به پارلمان  
رژیم اشغالگر قدس داده که بر اساس  
آن ، بلندیهای جولان جزو خاک  
رژیم صهیونیستی محسوب خواهد  
شد . خبرگزاری فرانسه از  
بیت المقدس گزارش داد : این  
تصمیم پس از آن اتخاذ شده است  
که برای اسرائیل محقق شده که  
سوریه هرگز شناسایی اسرائیل  
یا مذاکره یا این کشور را نمیپذیرد  
حافظ اسد گفته بود : حتی اگر  
فلسطین مجبور به شناسایی  
اسرائیل شود ، سوریه اسرائیل  
را به رسمیت نخواهد شناخت .

بگین گفت : ما فرصت برای  
دعوت سوریه برای مذاکره را  
نادیده نمیگیریم . اکنون موقع  
آن فرارسیده که تصمیمات یک  
جانبه ای را اجرا نکنیم که مدت  
مدیدی به تعویق انداخته ایم .  
وی گفت : تنها دیوانگان  
میتوانند گمان کنند که اسرائیل  
ممکن است جولان را تخلیه  
نماید . وی گفت : وحدت نظر  
ملی مبنی بر مخالفت با استرداد  
این بلندیها بوجود آمده از سوی  
دیگر گزارش خبرگزاری رویتر  
مقامات رسمی آمریکا نیز دیروز  
از تصمیم اخیر رژیم صهیونیستی  
درباره الحاق ارتفاعات جولان  
به این کشور عمیقاً "اگرچه  
نگرانی کردند .

لاری اسپیکر سنکوی کساح  
سفید و اشنگتن گفت : ما همچنان  
به این عقیده خود ادامه خواهیم  
داد که هرگونه تغییر یک جانبه  
در وضعیت بلندیهای جولان و یا  
هر سرزمین اشغالی دیگر توسط  
اسرائیل طی جنگ ۱۹۶۷ مخالف

خاطر نشان ساخت ظرف شش ماه  
گذشته آمریکا سه بار با ربحا طبر  
بمباران مراکز را کتورهسته ای  
عراق حمله هوایی به مراکز  
فلسطینیها در لبنان و الحاق جولان  
اسرائیل را به تعلیق موافقت  
نامه های تسلیحاتی تهدید کرده  
است .

۶۰/۹/۳۰ جمهوری اسلامی :

بگین نخست وزیر اسرائیل  
دیروز در یک حمله به سیاست آمریکا  
همکاریهای استراتژیک میان  
دو کشور را نفی کرد . کابینه  
اسرائیل طی یک بیانیه بلند و  
شدیدالحن اعلام کرد دولت  
اسرائیل پیمان همکاری  
استراتژیک میان دو کشور را ملغی  
تلقی میکند و افزود هیچکس در  
جهان نمیتواند اسرائیل را از  
تصمیم خود مبنی بر الحاق جولان  
منصرف کند . سخنگوی کابینه  
اسرائیل گفت : بگین آمریکا را  
متهم ساخت که با اسرائیل مانند  
تیول خود رفتار میکند . بگین

در زمینه معاهدات بین المللی  
شک و تردید و سوال بوجود میآورد  
او همچنین گفت : که ایمن  
تردیدها تا حدنگرانی درباره  
تعهد آمریکا به موافقتنامه های  
صلح کمپ دیویدا داده میباید  
میکند .

۶۰/۹/۳۰ جمهوری اسلامی :

بگین نخست وزیر اسرائیل  
دیروز در یک حمله به سیاست آمریکا  
همکاریهای استراتژیک میان  
دو کشور را نفی کرد . کابینه  
اسرائیل طی یک بیانیه بلند و  
شدیدالحن اعلام کرد دولت  
اسرائیل پیمان همکاری  
استراتژیک میان دو کشور را ملغی  
تلقی میکند و افزود هیچکس در  
جهان نمیتواند اسرائیل را از  
تصمیم خود مبنی بر الحاق جولان  
منصرف کند . سخنگوی کابینه  
اسرائیل گفت : بگین آمریکا را  
متهم ساخت که با اسرائیل مانند  
تیول خود رفتار میکند . بگین



اشغالگران صهیونیست  
در سرزمین مقدس

قدس عزیز را با مسلسلهای متکی بر ایمان  
توده های بسیج شده در جهت خدا  
آزاد خواهیم کرد .

لکن گفت در صورت بروز جنگ  
بین سوریه و دولت یهود از سوریه  
حمایت نخواهد کرد .

۶۰/۹/۲۹ اطلاعات :

اریل شارون وزیر دفاع  
رژیم اشغالگر قدس روز شنبه در  
نخستین واکنش نسبت به بازی  
سیاسی آمریکا در مورد لغو  
اتحاد استراتژیک با رژیم  
صهیونیستی ، آمریکا را متهم به  
ضربه وارد ساختن به امنیت رژیم  
مذکور نمود . آمریکا روز جمعه  
اجرای اتحاد استراتژیک قدس  
شوروی را که در ۳۰ نوامبر رژیم  
صهیونیستی امضاء کرده بود لغو  
کرد . شارون گفت : این تصمیم  
آمریکا در اعتماد به آن کشور

به جا نملتهای خود افتاده و هم  
زمان اعلام جنگ غیر رسمی اسرائیل  
و تجاوز به کشور اسلامی سوریه  
حکومت یلیسی و خفقان خود را  
گسترده نموده و زندانها را مملو  
از طبقات مسلمان تحصیل کرده  
و آگاه مینماید . . . . . تاکسی  
شروتهای خداداد را که مال مشروع  
مردم است بر سبیل حراج به جیب  
سرما به داران آمریکا یسی و  
اسرائیل سرازیر میکنند و  
ملتهای خود را که زبان به اعتراض  
باز میکنند با وحشیانه ترین شکل  
سرکوب و از هستی ساقط میسازند .

۶۰/۹/۲۹ جمهوری اسلامی :

نظرخواهی جمهوری اسلامی  
از شخصیتهای مذهبی و سیاسی

.....  
.....  
دشمن انسان !  
در بند رهانشانه ها افراشته است ،  
و آسمان انباشته از نشانه هاست ،  
در افق باد بانهارامی بینم  
که در اهتزازند ،  
و جویای پیکارند  
خورشید طلوع می کند  
و انسان به پیش می رود ،  
و به اوست که سوگند می خورم  
سازش نمی کنم ،  
و تا پایان می جنگم  
می جنگم .  
می جنگم .  
قسمتی از شعری از "سمیع القاسم"  
شاعر فلسطینی

کشور در مورد علت و هدف اعلام  
حاکمیت رژیم اشغالگر قدس بر  
ارتفاعات جولان . . . . . حجت السلام  
دعائی : . . . . . بنده احتمال میدهم  
که اینکار اسرائیل برای نجات  
صدام با شدیعی پیش بینی میشود  
که به نحوی مزورانه عراق مدعی  
بشود که برای نجات وطن عربی به  
اصطلاح خودشان نیروهایش را از  
میهن اسلامی ما خارج کند و به  
نحوی ما نور بدهد .

## لهستان

۶۰/۹/۲۳ جمهوری اسلامی :

حکومت نظامی در لهستان  
برقرار شد . اعضای فعال جنبش  
همبستگی به جزلخ و اسلحه دستگیر  
شدند .  
..... جنبش همبستگی کارگران  
خواهان برقراری اعتصاب عمومی  
و همه پرسی در لهستان شده بود . .  
..... نخست وزیر و دو بزرگوار  
کمونست لهستان با یک عمل  
نظامی دست به اقداماتی علیه  
اتحادیه مستقل کارگری لهستان  
موسوم به اتحادیه همبستگی زدند . . .  
وی یکی از علل شروع ایمن  
عملیات را اعلام جنگ این اتحادیه  
علیه حکومت کمونیستی لهستان  
دانست و ادامه مناسبات حسنه  
این کشور را با متحده اروپایی  
شرقی را مورد تأیید قرار داد .

۶۰/۹/۲۳ اطلاعات :

رویتر - ریگان رئیس  
جمهوری آمریکا روز گذشته  
به شوروی در مورد مذاخه  
در لهستان هشدار داد و این در  
حالی است که مقامات آمریکایی  
نگرانی شدید خود را از اعلام  
حکومت نظامی در لهستان برای  
جلوگیری از اعتراضات اتحادیه  
همبستگی ابراز داشته اند .

۶۰/۹/۲۴ اطلاعات :

..... شوروی حمایت رسمی  
خود را از رژیم نظامی لهستان  
اعلام کرد . در صورتیکه فردی در هر  
یک از مراکز که دولت نظامی آنرا  
بعنوان مراکز مهم صنعتی تلقی  
کرده است دست به اعتصاب بزند  
با مجازات اعدام مواجه خواهد شد  
تلویزیون دولتی شوروی از اعلام  
وضع فوق العاده در لهستان  
پشتیبانی کرد و گفت : این اقدام  
برای جلوگیری از جنگ داخلی  
در لهستان پایان دادن به  
خشونت نیروهای ضد سوسیالیست  
در این کشور ضروری بوده است . . .  
..... تا س خبرگزاری شوروی  
گزارش داده بود : جریانات  
لهستان یک امر داخلی است . و  
بفیه در صفحه ۶۶



# ماهیت بلوای

بقیه از صفحه ۸

و نا بودی خط انحرافی شان را با رشد مردم حتمی دیدند و در فکر توطئه ای جدید ترویجیده ترا افتادند.

د - زمینه سازی توطئه (برای جلوگیری از اضمحلال)

۱ - حمله به تشیع جنازه شهید عباس بروغنی:

جریان نهضت مجاهدین بنا به وظیفه مکتبی و فرمایش امام تمام نیروهایش را در دفع تجاوز و کفر با یعنی و آرادتی کربلا بسیج نمود. برادران سیزواری که با نهضت بودند به همین جهت به جبهه ها شتافتند که از این میان برادر شهید عباس بروغنی در جبهه جغلا لوند در خین نمازه شهادت رسید. صداقت و خلوص و ایثار عباس را برادران همشهری اش میشناختند و در موقعی که در جبهه ها در کنار سبزواری بودند و در راه عملگر و آرا دیده بودند لذا در رابطه با شهادت او گروه کثیری از مردم شهر و روستاها بسیج شده و فریاد "برادر شهیدم راهت ادامه دارد" را سردادند خون پاک عباس خود عاملی برای رشد و تعالی ما و نزدیکی بیشتر جریان نهضت مجاهدین و سایر نیروهای خط امام بود که از این مسئله جریانات منحرفی را که بر مردم نگران بودند و منافع خود را در خطر می دیدند لذا برای پایمال کردن خون این شهید در مراسم تشیع جنازه با جوسازی و شایعه سازی قبلی به برادران حمله کرده آنها را بی جهت مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار دادند و نهایتاً "برای این عمل شیعی خود هیچ توجیهی نداشتند. این حرکت کورویی منطقی برای آن انجام شد که آنها منافع خود را در معرض خطر جدی می دیدند و با این عمل و پخش یک سری شایعات متناقض خواستند یک جویدبینی و بی اعتمادی و تردید در مردم نسبت به شهید عباس بروغنی و جریان نهضت مجاهدین ایجاد کنند و سپس هر جریان خط امامی را به اسم گروه میثمی سرکوب نمایند و جو منطقی شهر را به هم بزنند و کما اینکه در جریان تشنجات اخیر یکی از رزمندگان که میخواست به جبهه برود در جلوسجد جامع ایستاده و به مردم گفته بود، من نمی دانم گروه میثمی چیست و الان میخواهم بروم به جبهه ولی میدانم مسئله اصلی ما جنگ است. این قدر گویدن گروه میثمی انحراف است از مسئله اصلی، غده ای در جواب او منطقی نداشتند. جورا متشنج کرده و فریاد دزده بودند "او هم میثمی است چون میگوید مسئله اصلی جنگ است آنها هم همین را میگویند و او را بیرون کنید." این جریان بنام حزب الله خود را به مردم معرفی میکرد ولی از طرف وابستگان انجمن ضدیها ثبت تحریک و حمایت میشد. این جریان همانگونه که در رابطه با شهید قاضی زین العابدین عمل کرد و آنها را شهید نمی دانستند شهید عباس را نیز شهید ندانسته و بجای اینکه دشمن اصلی را صدام بزرگ بداند مردم را به سمت جبهه ها بسیج کند سعی میکرد که غده ای نا آگاه را بر علیه شهید عباس متشکل نماید که در واقع همان خط انحرافی گروه ضدیها ثبت بود.

۲ - بهره برداری از خون شهیدان

جریان فوق که در کمیته انقلاب نیز نفوذ داشت و اساساً "خط شهیدان را قبول نداشت همانطور که عملگر در شان میدهد در رابطه با تحلیل از شهیدان نیز هدفش تثبیت خود و بهره برداری از شهیدان بود. در جریان تشیع شهید محرومی افراد منتسب به این جریان بنا سخنرانی که از طرف یکی از نهاد های انقلاب در مراسم صحبت میکرد درگیر شده و او را کنار زده به این عنوان که شهیدان ما ست و ما ست و ما ست سخنرانی کنیم و به جای سرمشق قرار دادن شیوه های آن شهید مراسم تشیع را به صحنه درگیری بر سر مالکیت شهید تبدیل کردند. آنجا که در جریان حمله به مراسم تشیع شهید عباس به عنوان مخالف با شهید و جبهه ها شناخته شدند برای رفع آن سعی داشتند.

و انمود کنند که خود نیز در جبهه ها شهید داده اند.

روشن ماهیت جریان انحرافی

با عملکرد های فوق برای نیروهای خط امام به روشنی ثابت شده که عامل این انحرافات چه جریان می بوده، و اینکه اینها اساساً "با خط انقلاب موافق نیستند از طرف دیگر این جریان انحرافی که در محتوا به وسیله عناصری از گروه ضدیها ثبت تحریک شده و بوسیله جریان می که خود را منتسب به کمیته انقلاب سبزواری می نمودند از زده میشد برای جلوگیری از انزوای خود دست به شایعه سازی و تشدید جواتها میزدند و اخراج شدگان از آموزش و پرورش چون آقای شکری و آقای هوشیار دست به تبلیغات علیه آموزش و پرورش زده و وظیفه مردم میباشند که این ارگان را تصرف کنند و در منزل آقای علوی نیز مرتباً "علیه نهاد های انقلاب تبلیغات میشود. همه اینها در اثر رشد مردم و با رور شدن خون شهیدان بود و با ادامه دادن همین راه است که چنین جریان انحرافی بخوبی بر ملا شده و در حال از بین رفتن میباشند. ولی با شیوه های غیر مکتبی نمیتوان با آنها مبارزه کرد. در عین حال که روشن شد که ضدیها ثبت همراه با روحانیت غیر مکتبی منشا بلوای فوق بوده ولی نمی بایست مسئله اصلی انقلاب را که جنگ اسلام و کفر و وحدت کلمه است فراموش کرد بلکه باز در رابطه با همین جنگ است که میتوان با انحرافات فوق برخورد تعالی بخش نمود.

"برخورد غیر مکتبی با اتحاد گروه ضدیها ثبت و روحانیت غیر مکتبی"

۱ - برخورد حجت الاسلام آقای رضوانی:

در جریان شهادت شهید حمید احمدی حجت الاسلام آقای رضوانی بنا به دعوت عده ای از برادران سپاه و جهاد سخنرانی کردند. ایشان به جای معرفی و بیژگیهای شهید مذکور و طرح جنایات صدام و آمریکا شروع به کوبیدن روحانیت غیر مکتبی نمودند و حتی به جای توضیح مواضع انحرافی آنها به شیوه توهین و کلمات تحریک آمیز چون لجن، به درک واصل شد، به جهنم واصل شد از آقای لاهوتی و عبا را تکی نظر بر روحانی نما، لجن، خرفت، بیسواد و... از روحانیون غیر مکتبی و بعضی مراجع یاد کردند. این شیوه برخورد ایشان با توجه به جو ملتهب و حساس سبزواری زمینه خوبی بدست منحرفین داد تا اغراض ناپاک خود را پیاپی کنند و تحت لوای "دفاع از روحانیت" و "چرا به روحانیت توهین شد" بلوا و آشوب برپا نماید. و به نیروهای خط امام ما رک ضد روحانیت بزنند تا مراجع را در برابر امام بسیج نمایند.

این برخورد حجت الاسلام آقای رضوانی سیر طبیعی رشد انقلاب در سبزواری و تصفیه انحرافات را مخدوش کرد. و باعث تشکل و توجیه پیدا کردن منحرفین شد و بخصوص که ایشان بعداً "کوتاه آمده و تغییر موضع دادند و از آقای علوی دفاع کرده و برای جبران موضع قبلی خود شروع کردند به کوبیدن گروه میثمی؟! و عملاً باعث تشبیهت جریان مذکور شدند.

۲ - درگیری در آموزش و پرورش:

در جلسه مشورتی برای انجمن اسلامی بر سر تائید یا رد آقای علوی درگیری شد و طرفداران آقای علوی شخص مخالف خود را مورد ضرب و شتم قرار میدهند که در پی این عمل برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دخالت کرده و آنها را دستگیر می نمایند که این امر نیز همزمان با برخورد غیر مکتبی حجت الاسلام آقای رضوانی به آنها به دست ضدیها ثبت داده و جورا متشنج میکند.

دو شیوه برخورد با روحانیت غیر مکتبی:

۱ - برخورد ارشادی امام: امام خمینی همیشه با مشخص کردن عمل صالح زمان و بسیج مردم در جهت آن جریانهای انحرافی را هم تصحیح یا منزوی میکنند مثلاً در جریان انقلاب به جوانها توصیه کردند به مساجد بروید و بخوانید که الله جماعت علیه رژیم شاه تبلیغ کنند و گرنه آنها را از امامت ساقط کنید که بهترین شیوه

برای رشد هدایت عناصر صادق و منزوی کردن عناصر ناخلص آنها بود، و همینطور در جنگ اسلام و کفر و جریان بنی صدر ارتش و گروهها برخورد تعالی بخش داشتند.

۲ - شیوه برخورد تناقضی وضی: اگر بدون توجه به عمل صالح زمان با جریانات انحرافی برخورد کنیم و مردم را علیه شان دعوت کنیم این شیوه باعث سرگردانی عناصر صادق آن جریان و تشدید جو اختلاف و تشنج میشود. ضمن اینکه وظیفه اصلی و عمل صالح خودمان را از یاد برده ایم باعث مخدوش شدن حق و باطل هم میگردیم.

شیوه برخورد حجت الاسلام آقای رضوانی از نوع دوم بود و قدری ضدیت بکار گرفته بود و سرانجام هم به سازش کشیده شد. مثلاً ایشان میبایست شیوه برخوردشان با آقای لاهوتی که نماینده مجلس شده بود با برخورد آقای قمی که اساس جمهوری اسلامی را قبول ندارد فرق میکرد در گمانی حداقل دلایل انحراف آنها را برای مردم میگفتند از همه مهمتر در مراسم شهید آنچه شایسته بود سخن از جنگ اسلام و کفر و دو با طرح مسئله اصل مملکت یعنی دفع تجاوز و کفر را میتوانستند مواضع انحرافی را هم نقد کنند. دخالت برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جریان آموزش و پرورش نیز امری ضروری نبود بلکه بهتر بود به جای دستگیری، شیوه برخورد غلطی که توسط آن افراد اعمال شده بودند نقد و افشا شده و مردم را با ماهیت و شیوه های آنها آشنا مینمود.

با توجه به منزوی شدن اتحاد گروه ضدیها ثبت و روحانیت غیر مکتبی بر اثر بسیج شهیدان، آنها از برخورد تناقضی حجت الاسلام آقای رضوانی و دستگیری و نفرشان توسط برادران سپاه استفاده جسته و برای جلوگیری از بسیج مردم به سمت جبهه ها دست به یک توطئه بزرگتری زدند و شیوه هایی بکار بردند که در ذیل میآوریم. این بار شعارشان را دفاع از روحانیت قرار دادند و با زمینه سازیهای قبلی چون حمله به تشیع جنازه شهید عباس بروغنی ارگانهای خط امام را به عنوان گروه میثمی کوبیده و خواستار برکناری رئیس آموزش و پرورش و سپاه و فرماندار شدند.

در بلوای اخیر سبزواری این شیوه ها و حرکات صورت گرفت:

۱ - تعطیل مغازه ها و تحصن در زمان جنگ که درست برخلاف فرمایش امام بود و با توجه به کمبود اوراق فشار اقتصادی را بر مردم بیشتر میکردند که این تحقیر خط بنی صدر - رجوی بود که فشار اقتصادی و بی ثبات جلوه دادن خط امام است.

۲ - تحریم ناواییها که در این جهت کوشیدند ولی موفقیتی کسب نکردند

۳ - تحریم روضه خوانی در ماه محرم که درست برخلاف توصیه امام بود.

۴ - راهپیمایی بعنوان اعتراض علیه سپاه پاسداران و آموزش و پرورش و فرمانداری تحت عنوان این بهانه که گروه میثمی در این ارگانها نفوذ کردند.

۵ - گروه میثمی را چماقی کردند برای اینکه مخالفین خود را با آن از میدان بدر کنند که اینک به بنی صدر هم راجع مخالفتی با روشهای غیر مکتبی او میشد آنها را متمم به گروه قدرت، گروه میثمی و... کرده و خود راجع جلوه میداد.

۶ - کارشکنی و فلج اقتصادی:

افراد که قبلاً کارهای مهم را اشغال کرده بودند مثل شورای صنفی در این جریان به عنوان اعتراض یکباره استعفا دادند تا روال اقتصادی شهر دچار مشکل شده و اقتصاد شهر فلج شود. که این افراد وابسته به گروه ضدیها ثبت بودند و این عملشان در خط جدید بنی صدر رجوی بود که گفته اند رژیم ایران را از جهت اقتصادی باید فلج کرد.

۷ - سوء استفاده از روحانیت:

تمام کارها را تحت این شعار توجیه میکردند که



# ماهیت بلوای

بروحانیت توهین شده است که اولاً برفرض که چنین شده باشد هیچگونه دلیلی براین نمی‌شود که دست به اعمالی ببرد خط امام و جمهوری اسلامی بزنید، ثانیاً - امام فرمودند، اگر به من هم توهین شد شما کوتاه نیاید و کاری نکنید موجب اختلاف شود، ثالثاً - اختلاف بین دوارگان یا روحانیت و ارگانها اگر وجود داشته باشد، اختلاف با ایستی در کار محدود و همانها حل شوند این اختلاف را به کوجه و یا زار کشانده و موجب مشغولیت مردم شویم. رابعاً - همین افراد مدت‌هاست که سایر روحانیونی را که با سپاه و آموزش و پرورش همکاری دارند متهم به جنبشی بودن و کمونیست بودن کرده اند و توهین‌های زیادی به آنها شده، مگر آنها روحانی نبودند؟ این است که هدف دفاع از روحانیت نبوده، بلکه این شعاریوشی بود برای حق جلوه دادن کارهای خلافشان.

## ۸ - عوام فریبی و سوء استفاده از صداقت مردم:

عده‌ای به روستاها رفته و تحت این عنوان کسه روحانیت در خطر است و عده‌ای بنام "گروه میثمی" می‌خواهند روحانیت را کناری بگذارند، از انگیزه مذهبی آنها سوء استفاده کرده آنها را به شهر کشانده و راهیمائی آوردند، این شیوه آنها نیز دقیقاً از شیوه‌های بنی‌صدر بوده که برای اثبات حقانیت خود سعی میکردند تعسداد هواخواهان خود را با لایبردی و عده‌به‌عنوان اینکه اگر بیت مردم او را می‌خواهند خود را حق جلوه دهد.

کشاندن روستائیان که از ماهیت قضیه خبر نداشتند به شهر، جز برای این نبود که سپاهی لشکر را زیاد کنند. بنی صدر در موقع سخنرانی در میدان آزادی به مسئول فیلم برداری تلویزیون گفت: دوربین را به طرف مردم بگیر و جمعیت را نشان بده تا ببینند چقدر مردم آمده اند، در این جریان هم‌ها هد بودیم یکی از اعضای مشکوک گروه ضدبهاثیت در میان تظاهرات فریاد میزد: آنها که می‌گویند مردم نیستند، بیا ببینند چقدر هستند و حال آنکه از نظر اسلامی زیادی و کمی تعداد هواداران معیار حق و باطل نیست.

## ۹ - هجرت آقای علوی به عنوان سلاخی جدید:

آقای علوی که آدمی مسالمت جو و آرامش طلب هستند همیشه از درگیری و حرکات تندنا راحت بودند و حتی در گذشته روش مهندس بازرگان را از امام خمینی بهتر می‌پسندیدند و ایشان با برآه انداختن چنین درگیری‌هایی اساساً نمیتوانستند موافق باشند ولی در این جریان گروه برنا مه ریزایشان که در نهایت عنا صراحی از گروه ضدبهاثیت و برخی سرمایه داران بازار بودند از سادگی و علاقه ایشان به روحانیت سوء استفاده کرده و ایشان را به موضعی کشانند که علیه روحانیت مکتبی برهبری امام خمینی حرکت کنند و نهایتاً "راه حل هجرت را به ایشان تحمیل کردند که این شیوه اشتباهات زیر را در برداشت:

الف - هجرت ایشان به قم به جای مشهدنا خود آگاه این مسئله را ندانای میکرد که ایشان نماینده امام در خراسان را به رسمیت نشناخته و از طریق ایشان نمیتوانند مسائل را حل کنند.

ب - برفرض که تماس با قم راه حل اختلاف بود، اعلام این مسئله بصورت اعلامیه طبعاً شهر را به تشنج و تعطیلی و درگیری میکشاند و در شرایط جنگ و حساس فعلی امری در جهت تضعیف خط امام و جمهوری اسلامی بود.

ج - با توجه با نیکوگیت لوای ایشان هستند که از روشهای زورگویی و قهرآمیز استفاده میکنند و هیچ عامل کنترلی هم ندارند، غیبت ایشان از شهر این افراد را محق میکرد که دست به هرکاری بزنند که زنده و زمینیه درگیری را هم فراهم میکردند.

۱۰ - روشن ماهیت فدروحا نیت این توطئه و هما هنگی با جنبش ملی و بنی‌صدر علیه خط اسلامی امام:

گرچه شعرا این تشنجات دفاع از روحانیت بود ولی دیده شد که آنها با روحانیون خط امام کینه دارند. اینکه وقتی یکی از روحانیون مشهدینام آقای خوانساری برای آرامش دادن به شهر به سوز و آرموده سخنرانی پرداخت و مطرح کرد که مسئله اصلی جنگ است و اینکارها خلاف است او را هم بعنوان گروه میثمی کوبیدند و بلا آقای قربانی روی منبر به نمایندگی امام در خراسان نیز توهین کرده و به مردم میگفت از او قطع امید کنید او هم اغفال شده است دیگر اینکه گرچه شعرا دفاع از روحانیت میدانند ولی روحانیون موافق با نهادها و خط امام را مارک جنبشی میزدند و به نام میکردند.

در ضدیت با خط امام این جریان مرتبط با انجمن ضدبهاثیت با خط ترویسم رجوی هما هنگ و هم جهت میشود. مثلاً جنبش ملی شهیدها شمی نژاد را که از ایران نزدیک امام در خراسان بود و ماهیت ضدبهاثیت را اقصاء میکرد و مارک و تهمت هم به او نمی‌چسبید تروور کردند انجمن ضدبهاثیت با تشنج در سوز و آرموده تحریک آقای علوی سعی کردند نمایندگی امام در استان خراسان را به بی‌کفایتی و اغفال شدن متهم کنند یا در سوز و آرموده روحانیون مومن به خط امام را افراد ضدبهاثیت مارک و اتهام میزدند و سعی در انقضای آنها دارند. از طرف دیگر نماینده آقای طیبی را در سوز و آرموده جنبش ملی شهیدها تروور میکند.

نمونه دیگر اینکه وقتی آیت الله منتظری با آقای علوی توصیه کردند که از طریق قانونی و توسط نماینده امام در خراسان مسائل را حل کنند و مسئله شهر به طرف حل شدن سوق پیدا میکند و خط امام تثبیت میشود جنبش ملی دست به تروور شهید نوروز نوده زد که بیشتر هدف سیاسی داشت، اولاً شایع میشود که تروور کار رسپا هاست تا تشنج ادا مه پیدا کنند ثانیاً با توجه به اینکه نوروز علاقه به امام و آیت الله منتظری داشت طبعاً با موضعگیری آشکار علیه آقای منتظری و طیبی مخالفت میکرد و با این تروور این مانع را هم برداشتند نظیر این نمونه به رنگباربستن بسیج و این شایعه که کار رسپا هاست، میباشد.

## ۱۱ - فرعی کردن تشییع جنازه شهیدان:

روز بعد از تروور شهید نوروز که تشییع جنازه شهیدان بود (دو شهید از جبهه و یکی هم شهید نوروز) عده بسیار زیادی از مردم آمده بودند اتفاقاً آقای علوی و همراهان از هجرت بازگشتند ایشان را در روستای مهر نزدیک سوز و آرموده داشتند و منتظر شدند تا مردم به استقبال بیایند در شهر هم عده‌ای مسیر تشییع جنازه را عوض کرده و جنازه را در مسجدها کرده و مردم را به استقبال آقای علوی آوردند حق آن بود که آقای علوی برای احترام به خون شهیدان بدون تبلیغات وارد شهر میشدند و مراسم تشییع جنازه شهیدان به عقب نمی‌افتاد این شیوه برخورد برای ما این سؤال را برانگیخت که هدف از اینگونه استقبالیها چه بود؟ وجه رشدی برای مردم و انقلاب در بر داشت.

۱۲ کارمند فرمانداری از طرف آنها بود، استعفا ی عناصر مشخص ضدبهاثیت از شورای مرکزی صنفی و منحل کردن شورا های محلی و معطل گذاشتن کار مردم فعال بودن عناصر انجمن ضدبهاثیت در تظاهرات - تشدید جوشد گروهی و مارک زدن بنهادها از طرف آنها - حضور مستمر عناصر مشخص و مشکوک انجمن در بیت آقای علوی - ترتیب دادن سخنرانیهایی در دفاع از انجمن ضدبهاثیت و تشدید تشنجات مثال آشکار در تظاهرات علیه طرح فهد بود که بجای کوبیدن طرح فهد و دفاع از آرمان فلسطین از انجمن ضدبهاثیت دفاع میکردند که تحریکات انجمن ضدبهاثی بحدی بود که عده‌ای را به ضدیت انداخت و شعار مرگ بر حجتیه مطرح شد که شیوه برخورد مکتبی نبود.

## شیوه برخورد صحیح با انجمن ضدبهاثیت:

۱ - شیوه برخورد هدایتی: از آنجا که این جریان با شعرا زمان و دعای ندیه و... فعالیت میکنند عده‌ای با عشق به امام عصر (عج) به دنبال آنها افتاده و اسیر توجیهات پیچیده آنها میشوند و نمیتوانند انحراف آن را از خط امام دریا بندند لذا بجای درگیری و برخورد قهر آمیز با ایستی با آنها مبارزه، ایدئولوژیک سیاسی کرد و ملاکهای اسلامی را توضیح داد تا افراد صادق از نا صادق جدا شوند و تفکرات و شیوه‌های انحرافی آنها در خودمان هم پاکسازی شود، شعرا مرگ بر حجتیه گفتند دردی را دوا نمیکند، کما اینکه امام با بسیج مردم علیه شاه این خط انحرافی را که معتقد به عدم دخالت در سیاست بودند منزوی کردند و عده زیادی از آنها را رشد و تعالی داد. امام با طرح عمل صالح زمان افراد را به میدان عمل میکشاند و دست منافق در میدان خون و شهادت رو میشود.

۲ - مدن آقای ربانی از طرف نماینده امام در جهت پاکسازی کمیته و حل مسائل:

آقای ربانی هم خودش روحانی بود و هم از طرف نماینده امام آمده بود و لذا هیچ دلیلی وجود ندارد که با ایشان مخالفت شود و کسانی که شعرا دفاع از روحانیت میدادند و بهانه‌شان را گروه میثمی کرده بودند می‌بایستی از آقای ربانی حمایت کنند و تابع خط امام شوند و ایشان موضع نهادها، سپاه و آموزش و پرورش را به خط امام نزدیکتر دیده و تأیید میکردند.

عاملین تشنج تحت لوای دفاع از روحانیت و مبارزه با گروه میثمی جلوتهادها ایستاده بودند که با آمدن آقای ربانی و موضعگیری ایشان بهانه و منطقشان را از دست دادند و دلیلی برای مخالفت با نهادها نداشتند و می‌بایستی به خط امام تن داده و از مواضع گذشته خود انتقاد کنند ولیکن دیدیم بجای اینکار را زهم تسلیم خط امام نشده و این با ربط و آشکارا بی‌پرده در جریان تظاهرات علیه طرح فهد از خط گذشته‌شان دفاع کردند و در روز تظاهرات علیه طرح فهد آقای مکارم که در رژیم سابق مسئول کاروانهای اوقافی حج بود و روابطی با

\* اگر شما برای اسلام می‌خواهید خدمت بکنید همه با هم یک صدا با شیدتا بتوانید خدمت بکنید، اگر هر کدام بخوانید یک صدای علیحده‌ای داشته‌اید یک صدای علیحده‌ای داشته‌اید، آنهم با همه با اختلاف برخیزید، اختلاف با هم بکنید، مطمئن باشید که این اختلاف بین گروه‌های متعهد با اینکه حسن نیت دارند، به جایی میرسد که یک وقت خدای نخواستہ بین دو گروه متعهد در سراسر کشور مخالفت بیا فتد و یک وقت منتهی بشود به جنگ مسلحانه.

دستگاه طاغوتی داشت از انجمن ضدبهاثیت بطور رسمی و آشکار دفاع کرد تا مردم را به آنها خوشبین کنند و بعد از همه این تشنجات در این روز حرف آخر از آنجا که اگر این افراد واقعاً اعتقاد به مبارزه با بهاثیت هم داشتند و هدفشان کسب قدرت نبود بهترین راه کوبیدن طرح فهد بود چرا که اسرائیل را با بهاثیت هم هست.

۱۲ - آشکار شدن دست اعضای انجمن ضدبهاثیت در تشنج:

برای ارگانها و مردم ثابت شد که این تشنجات از طرف انجمن ضدبهاثیت شکل گرفته که نمونه‌های زیادی دیده شده بود از قبیل اینکه بعد از برکناری رئیس قبلی آموزش و پرورش آنها آموزش و پرورش را میکوبیدند و افراد ناآگاه را علیه این ارگان تحریک میکردند و استعفا ی



# ماهیت بلوای

در روز مبارزه با طرح فهدکا را اصلی‌شان را دفاع از انجمن ضدها ثبت گذاشتند و این عمل غیرمکتبی بود که آقای ربانی را بر آن داشت که در این مورد توضیح دهد و از همان مردم را روشن کند که ایشان مطرح کردند که انجمن ضدها ثبت در خط امام نبوده و گفتند که مرگ برقلان و... که نمی‌شناسید و مسئله اصلی جنگ است و سپس راجع به اسرائیل و طرح قهدو جنگ اسلام و کفر افشاکری کردند، خود این برخورد تیزتر از اهداف غیر مکتبی افراد انجمن ضدها ثبت را روشن کرد.

### ۱۳ - عقب نشینی تاکتیکی :

پس از ضربه حینیتی که به انجمن خورد و شیوه‌های غیرمکتبی از عملکردهای ضد انقلابی آنان در این تشنج سبز و آرشاگر دید، انجمن دست به یک عقب نشینی در شکل زد و با اعلامیه‌های گوناگون از طرف وعاظ و آقای علوی و غیره اعلام شده که خواسته‌های برکناری نهادها ربطی به انجمن نداشته و انجمن دخالتی در این تشنجات نداشته است و آقای علوی هم طی اعلامیه‌ای گفتند که نهادها و آموزش و پرورش و فرمانداری به هیچ مرکزیت و حزب و گروهی وابسته نیست در اینجا این سؤال باقی میماند که این مردم بی‌گناه را چه دستهای مرموزی تحریک کرد؟ گرچه این اعلامیه را دادند ولیکن عناصر آنها دست از تحریک و تفرقه اندازی برنداشته و در همه جا علیه نهادها و حتی آقای ربانی ایجا دیدنی میکنند

### "اهداف آینده این جریان"

آنچه از بررسی عملکرد و تفکرات این جریان بر میآید این است که جریان ضدها ثبت گرچه در شکل و ادعا خود را طرفدار ولایت فقیه و خط امام و ضد جنبش ملی میدانند ولیکن در عمل "اولا" جلوسیع به سوی جبهه‌ها را گرفتند، ثانیا "تأییدشان از ارگانها تا موقعی است که خودشان حاکم باشند، ثالثا "نمایند" امام و سازماندهی امام را در عمل به رسمیت نمی‌شناسند که این جریان در محتوا ضد خط امام و خط انقلاب است و آیت... منتظری با آنها برخوردی ارشادی و هدایتی نمودند و دعویشان کردند که از راه قانون و نماینده امام مسائل را حل کنند که طبعاً عناصر صادق و ناآگاه این جریان از این پس چنین خواهند کرد و در رابطه با رشد انقلاب تعالی پیدا خواهند کرد. ولیکن عناصر صادق این

جریان دست از توطئه برنداشته و سعی میکنند به اشکال پیچیده‌تری خط امام را تحت فشار قرار داده و خط خودشان را حاکم کنند، آنچه ما از این اشکال جدید درک کرده ایم دوشیوه است :

### ۱ - سعی در تشکل مراجع و روحانیت غیر مکتبی علیه خط امام :

رؤسای انجمن با مظلوم‌نمایی نزد مراجع غیر خط امام و تشکر نمایی حمایت آنها را جلب کرده و از طریق آنها به خط امام فشار آورده تا موجودیت و خط انحرافی خود را حفظ کنند و چون منطقی استوار و انقلابی ندارند می‌خواهند قبل از اضمحلال جورا مخدوش نمایند.

در سبز و آرشاگر بعد از سخنرانی آقای ربانی نماینده آقای طیبی اینان اعلامیه دادند که نظر ایشان راجع به انجمن نظر شخصی است و اعتبار ندارد بایستی راجع به انجمن حوزه علمیه نظریه دهد، منظورشان از حوزه علمیه مراجع غیر امام بوده و می‌خواهند تسلیم خط امام نشوند، علیرغم اینکه خود را معتقد به ولایت امام خمینی میدانند، نمونه دیگر اینکه در تشنجات سبز و آرشاگر بود که بجای نماینده امام از آیت الله حاج سید عبدالله شیرازی در مشهد درخواست کرده بودند که در حل مسائل شهر دخالت کنند که خوشبختانه ایشان تابع نشده و نپذیرفتند.

نمونه دیگر اینکه علیرغم توصیه آیت الله گلپایگانی عده‌ای از این جریان در سبز و آرشاگر تبلیغ می‌زنند که بعد از امام آقای گلپایگانی مرجع است و دیگر اینکه در جاهای مختلف علیه نماینده امام برای بدبین کردن مردم به آنها شایعه پراکنی میکنند، با این توطئه که در شهرهای دیگر نیز این جریان روی آن کار میکنند بایستی آگاهان برخورد کرده و همانطور که امام مطرح کرده اند از توهین به مراجع که به نفع شکل گرفتن این توطئه میباشد خودداری شود و انتقادات به صورت سازنده و مکتبی در محیط تفاهم مطرح شود.

### ۲ - سعی در جلب اکثریت اقشار و فشار آوردن از این طریق روی خط امام :

علیرغم اینکه نماینده آقای طیبی به سبز و آرشاگر آمدند و رهنمودهایی در جهت حل مسائل دادند ولی این جریان زیر بار نرفته و بجای برخورد منطقی و حل اختلاف در محیط صمیمانه و تفاهم آمیز افرادشان را به روستاها فرستاده و تحت عنوان حمایت از روحانیت شروع به جمع‌آوری طوما نمودند که هدفشان این بود که با شیوه جوسازی و رای گیری و تظاهرات اینک اکثریت مردم ما هستند خود را در برابر خط امام حق جلوه دهند و حال آنکه در اسلام ملاک حق و باطل اکثریت و اقلیت کمیته نیست

و آقایان منطقیان دموکراسی غربی است و شیوه کاوشان شیوه بنی صدر، نمونه دیگر اینکه یکی از عناصر مشکوک انجمن ضدها ثبت برای اثبات حقانیت این جریان در تظاهرات ندا میداد که بینید چقدر مردم حمایت میکنند آنها تیکه می‌گویند مردم نیستند، اینکار ربطی به سازمان یافته‌ای انجام میشود، کما اینکه در جریان هجرت آقای علوی با پخش شایعات گوناگون و حساب شده و سازمان یافته می‌خواستند اکثریت اقشار را به حمایت برانگیزند مثلاً "شایعه کردند که هجرت آقای علوی به خاطر اعتراض به اعدای جنبشی‌ها بوده است" خانواده‌ها و طبقه آنها را جذب کنند، شایعه دیگر پخش شد آقای علوی می‌خواهد به بازید جبهه برود، تا علاقه‌مندان به خط امام و جبهه‌ها به این جریان خوشبین شوند و شعراشان هم این بود که هجرت آقای علوی به دلیل توهین به روحانیت بوده تا توده‌های مردم و روستاییان علاقه مندی به امام را بفریبند.

۳ - علت اینکه با شعرا مرگ بر میثمی به نهادها ی خط امام حمله میکنند، به نظر ما این است که خودشان میدانند که مادر هیچ ارگانی نفوذ تشکیلاتی ندارند و در ثانی با این شیوه آنها هم جریان نهضت را می‌کوبند و هم خط امام را که دلیلش اینست که اولاً نهضت مجاهدین تمام نیروهایش را در جهت مسئله اصلی جنگ اسلام و کفر بسیج کرد و ثانیاً "نهضت از تداوم خط امام و خط آزادی قدس امام به شیوه آیت الله منتظری حمایت میکند و آقایان در این مسئله موجودیتشان را در خطر می‌بینند و ثالثاً "نهضت مجاهدین در تحلیل شیوه‌های غیر مکتبی انجمن ضدها ثبت کوشیده است، البته ما همیشه خواهان برخورد انتقادی و ارشادی از طرف برادران متعهد هستیم که امیدواریم با این برخورد ما هم تعالی پیدا کنیم.

با ید هوشیا ربا شیم که بلوای سبز و آرشاگرهای دیگر همچون گلپایگان و بوشهر نیز به نسبتی انجام شد و در سایر شهرها همچون اصفهان و تبریز و... نیز زمینه سازی شده بود و می‌خواستند آن را به یک توطئه سر تا سری تبدیل کنند ولی مثل گذشته امام امت این توطئه را شکستند و با افشای توطئه طرح فهدو مبارزه با آن و شدت یافتن حملات در جبهه‌ها و بسیج آیت الله منتظری علیه طرح فهدو بسیجی که شهیدان در شهرها ایجاد کردند چون راهپیمایی یک میلیون و دویست هزار نفری اصفهان جلوی این توطئه گرفته شد و با ردیگر آموختیم که، کربلا مدرسه عشق و شهادت و حماسه خون، جهاد و استقامت است.

والسلام

## سخن امام

بقیه از صفحه ۲

را، عاشوراها را و امثال اینها را بزرگ بشمارید و در موازین شهادت عزیزان ما آنها را هم بزرگ بشمارید، مثل روز مفتوح رحمة اله تعالی، آنها تیکه در خدمت اسلام بودند و دشمنان اسلام آنها را شهید کردند، شما اینهمه شهید دادید تا آزادی و استقلال را بدست آوردید و با یک جنگ و دندان این آزادی و استقلال را حفظ کنید، و کمک کنید همه به جبهه‌ها تا اینکه انشاء الله برودی این غائله رفع بشود و دولت انشاء الله مشغول با سازی بشود، خداوند همه شما را حفظ کند و تا شید کند و این انسجام و اتحاد را هر چه بیشتر بفرماید، و همه قشرهای ملت را سرتا سر کشور را با هم الفت بدهد و این جوانها، جوانهای گول خورده را هدایت کند که سرگردند به دامن اسلام و بس کنند آن فریب خوردگیها را، و السلام علیکم ورحمة الله به.

پیام امام خمینی خطاب به وزن و فرزندان و راجلب میکنند و شورای عالی قضایی و دادستانی گاهی به بیانه‌هایی هتک آبرو و حیثیت اشخاص را مینمایند و با این اعمال غیر شرعی هتک بسم الله الرحمن الرحیم جمهوری اسلامی و مقامات قضایی را میکنند، مقرر فرمایند سازمان با زری کل کشور با سرعت عمل رسیدگی کرده به مقامات قضایی گزارش دهند و اگر شکایاتی به دادستانی‌ها رسید با سرعت رسیدگی نمایند و اشخاص یا گروههایی که مرتکب این نحو اعمال غیر شرعی و قانونی میشوند با حاضرا و سپس از اثبات جرم به مجازات برسند و لازم است اینجانب را از مسائل مذکور مطلع نمایند، ۱۳۶۰ و السلام - ۱۶ آذر ۱۳۶۰ روح الله الموسوی الخمينی شخص مورد نظر نباشد، بستگان

\*\*\*\*\*



## مروری بر زندگی مجاهد شهید...

و جبهه عین زندگی بود و ۷-۸ متر  
آن طرف سنگرش با غچه سیزی بود.  
او عصب بچه فداکاری بود مثلا  
وقتی تعداد ما در جبهه زیاد شده بود  
گاهی صبحها منبع آب خالی بود و  
ما برای جای آب نداشتیم، هیچوقت  
نمی دیدیم که علیرضا بگوید که عیب  
ندارد که آب نیست و می رفت از واحد  
خپاره و زاندا رمری آب می گرفت  
یک روز صبح، برای یک گروه ۲۲  
نفری که برای آموزش نزد ما  
آمده بودند، صبحانه نداشتیم،  
علیرضا با وجودیکه مسئول تدارکات  
نبود، صبح زود در هوای سرد، کفش  
هایش را بپا کرد و گفت صبح است،  
بجای ورزش میدوم و برای آنها  
صبحانه می آورم. به جولانه رفته بود  
آنجا نان نداشتند، با ما شین  
خودش را به سوسنگرد رسانده و  
صبحانه تهیه کرده بود. هر وقت  
سختی پیش می آمد، گشایش کار به  
دست علیرضا بود.

علیرضا آدم شجاعی بود. برای  
شنا سایی گاهی با ۴ ساعت در منطقه  
می گشت. نزدیک خاکریز عراقینها  
وقتی علفها خش خش صدا میکرد،  
ترس داشت اما علیرضا اعلان نمی ترسید.  
وقتی می خواستیم برگردیم،  
می گفت من خسته نیستم، اگر لازم  
است من جلو میروم. من از این  
جوان هیچ موقع آیه پاء شنیدم.  
هیچ وقت نشنیدم بگوید این کار  
نمی شود. در جبهه وقتی کاری  
میخواهد انجام بگیرد، افرادی  
هستند که از موانع و مشکلات سخن  
میگویند. اما علیرضا خیلی خوش  
بین و امیدوار بود. همیشه صحبتش  
از پشتکار بود و اینکه مسئولیتی  
را که گرفتیم، حتما با یاد انجام  
بدهیم.

شب حمله علیرضا نقش زیادی  
داشت و مسئولیت سنگین گروه  
مین یا ب به عهده اش بود. او در  
شنا سایی موفق شد و نیرویی را که  
به همراه برده بود، هیچکدام پایشان  
روی مین نرفت.  
علیرضا از نظرا اعتقاد به شئون  
مذهبی خیلی قوی بود. ما مسجدی  
در جبهه درست کرده بودیم، او شبها  
می گفت برنا مه سینه زنی راه بیند-  
ازیم. هفته ای یک روز به اهواز  
می آمد، نوارهای نوحه را گوش میداد  
و یادداشت میکرد تا برای سینه  
زنی به جبهه بیاورد. علیرضا در  
اکثر کلاسهای قرآن شرکت میکرد و  
وقتی مسئول کلاس نبود، خود او  
کلاس را تشکیل میداد. با اینکه  
مسئولیت رسمی نداشت، اما خیلی  
از کارها راه می انداخت. وقتی  
کاریها او سپرده می شد، دل همه

محکم بود. چون کارش را با احساس  
مسئولیت انجام میداد. بچه  
کارها پیش واقعا عشق داشت.  
علیرضا فقط نیا مده بود که  
بجنگد بلکه آنجا زندگی میکرد.  
زحمت کشیده بود و یک فیبره جبهه  
آورده بود. روزنامه را می خواند  
و بریده خیرها را روی آن نصب  
میکرد. می گفت بچه ها فرصت ندارند  
همه روزنامه را بخوانند. او یک  
تخته سیاه درست کرده بود تا برای  
آموزش قرآن یا شناسایی از آن  
استفاده کنیم. علیرضا به بچه ها  
عشق داشت، به جبهه عشق داشت،  
به امام و اسلام عشق داشت و در جبهه  
با عشق زندگی میکرد. هر روز تمام  
پتوها را از سنگریرون می آورد و  
می تکاند. هر روز فلاسک رایخ میکرد  
با اینکه اصلا چای نمی خورد، هر روز  
چای درست میکرد و ما را صدا میکرد  
که بخوریم. علیرضا خیلی فداکار  
بود. با اینکه به ما گفته بودند  
موقع نگهانی می توانیم نوبتی  
بخوابیم، اما او هیچوقت نمی خوابید.  
یک شب سرنگهائی چشمش  
را خواب گرفته بود، مرتب خودش  
را سرزنش میکرد که چرا من باید  
موقع نگهانی خوابم بگیرد. با  
اینکه این او را خروا خیلی سرد شده  
بود، هیچوقت در کیسه خواب نمی  
خوابید. هیچوقت نشد که چتر منوری  
را که پیدا می کند، برای خودش نگه  
دارد. با رها در جبهه عکس می گرفتیم  
یک بار نشد که بگوید یکی از عکسها  
را به من بدهید. من در علیرضا  
روحیه و اخلاقیات عجیبی میدیدم  
پشتکار و فداکاری و معصومیت او  
عشقی که به امام و بچه جنگ داشت،  
روحیه امیدواری که در وجودش  
بود، عشق و امیدی که به آزادی -  
کربلا و فتح قدس داشت.

شب عملیات، بیش از نیم  
ساعت طول نکشید که علیرضا شهید  
شد. من در کنارش بودم که فریاد  
معصومانه آید که: "سوختم". من  
دستم را روی صورتش گذاشتم. فکر  
کردم تیر به سرش خورده است. اما  
دیدم اینطور نیست. به او گفتم  
علیرضا چیزی شده که دیدم خم شد و  
جانش را به خدا داد. گویا ترکش  
به قلبش خورده بود.

علیرضا با زندگی پرشکوهی که  
داشت، به آرزویش که شهادت بود  
رسید. خدا کفد که ما او را بفهمیم و  
برادر علیرضا در مورد شخصیت  
شهید میگوید:  
"علیرضا لوطی کوچه حمام، کل  
وجودش معرفت بود و مردانگی. از  
بزرگ و کوچک، از پیر مرد و جوان  
چه خلاف کار و چه نیکوکار، همه او  
را دوست میداشتند و به صحبتهاش  
گوش میدادند. هر که گرفتاری  
داشت از او راهنمایی می خواست.  
راهنمای همه مستضعفین محله بود.  
اغلب اوقات آنها را با کمی نان

جبهه دانشگاه است. دانشگاهی که در آن بهترین کسادهای  
ضد ظلم و خدا جوسا خته میشود. انسانهایی که زیرا ندان زشان زمین خداست  
و آب خوردنشان، گل آلود.

و پنیر، در مغازه خواربار فروشی  
خودش میگذراند تا برای حل  
مشکلات و گرفتاری بچه های محل  
وقت داشته باشد.

کاسب ارزان فروش محله بود  
که با ارزان فروشی خود با عثد لگیری  
کاسبهای دیگر شده بود. اغلب  
چرخ دستی را برداشته و پیاپی به  
بازار میرفت و جنس تهیه میکرد تا  
بتواند با قیمت ارزانتری به  
دست مشتری برساند.

همیشه چند نفر را دور خودش  
جمع میکرد و برای آنها صحبت  
میکرد. او عاشق بچه ها بود. من  
میدیدم که با چه شور و شوقی در حسینیه  
فیلم سینمایی ترتیب میداد. در  
آنجا کلاس تعلیم قرآن داشت.  
همینطور برای تعلیم سیم کشی و  
برقیرنا مه گذاشته بود. یک صندوق  
کوچک تعاونی نیز در آنجا بود که  
به بچه ها وام میداد. بچه های محله  
هم که بزرگتر بودند بصورت دسته  
جمعی سرکوجه وقت می گذراندند، به  
وسیله صحبتهای علیرضا از این  
وضع نجات پیدا کرده بودند.

ما شهدای زیادی در محله مان  
داشتیم که خداوند به ما توفیق بدهد  
راه همه شان را ادا ما بدهیم. ولی  
ثمره خون شهید علیرضا، چیز دیگری  
بود. نمونه اش اینکه معتادهای  
که حتی برای تهیه اعتیادشان تکان  
نمی خوردند و از زمان اعتیادشان  
به جرات قسم می خوردند که حتی رنگ  
بهشت زهار را ندیده اند، آمده  
بودند سراغ علیرضا. یا ضد  
انقلابهایی که دامن ضدا یمن  
جمهوری اسلامی حرف میزدند، پس  
از شهادت او به کلاس قرآن میروند  
به امید آن روزی که بتوانیم راه این  
شهید جولانه را ادا ما بدهیم و تداوم  
بخش راهش باشیم. انشاء الله و به  
امید فتح قدس عزیز از طریق  
کربلا که تنها آرزوی ایمن  
"شارالله بود".

مادر علیرضا در باره زندگی  
شهید میگوید: "علی زمانی که بچه  
بود، سرمایه سختی خورد و فلج شد.  
دو سه سال او را برای معالجه به  
بیمارستان می بردم و بیشتر خودم  
به او می رسیدم تا اینکه خوب شد.  
علی هیچ ادیتی به من نداشت و خیلی

مظلوم بود. وقتی به مدرسه رفت، در  
آنجا با نمرات خوب قبول می شد.  
تا اینکه انقلاب شروع شد. در زمان  
انقلاب در اکثر تظاهرات شرکت  
می کرد. روز ۱۷ شهریور به میدان  
شهدا رفته بود. وقتی که آمد، تمام  
لباسش خونی بود. مثل اینکه  
مجروحان را به بیمارستان رسانده  
بود. وقتی امام می خواستند  
به ایران بیایند، علیرضا جلوی  
دانشگاه رفته بود که با طوم به  
سرش زده بودند. به خانه آمد  
گرفت خوابید و هیچی حالیش نبود  
من هر چه صدایش می زدم اصلا جواب  
نمیداد. برایش شربت درست کردم  
دیدم حالش اصلا خوب نیست. با  
برادرش او را به بیمارستان بردیم  
من خودم را می زدم و با ابوالفضل  
می گفتم. تا اینکه حالش خوب شد  
و دوباره فعالیتش را شروع کرد  
پدرش آن موقع مریض بود و علی به  
جای پدرش به مغازه میرفت و با  
اینحال در همه فعالیتها شرکت  
میکرد."

مادر شهید علیرضا با اینکه از  
زمان کودکی برای او زحمات  
زیادی کشیده بود و سه سال تمام  
برای درمان فلجش با دقت و خون  
دل از او مراقبت میکرد، با این  
همه رنجها و سختیها که برای علی  
کشیده بود، هیچگاه از فعالیت  
علیرضا جلوگیری نکرد. حتی زهانی  
که یکی از بستگان علی از مادرش  
خواسته بود که به او بگوید تا به  
جبهه نرود، مادر علیرضا در پاسخ  
گفته بود: "اگر در جبهه به شهادت  
برسد، در پیش خدا اجر دارد و بهتر  
از این که در شهر بمیرد."

خواهر شهید راجع به خصوصیات  
اخلاقی علیرضا میگوید: "علیرضا  
مهربان بود. بطوری که اهالی  
محل همه در مراسم ختم گریه  
میکردند و می گفتند علی مال ما  
بود. چرا که از صبح تا شب پیش ما  
بود و برای ما کار میکرد و بدر ما  
میرسید. یک روز خانمی بدر مغازه  
علیرضا رفته و گفته بود در ختم قارغ  
شده و نفقت ندارم. علیرضا حیره  
نفقت مغازه اش را به او می دهد همین  
خانم در ختم علی گریه می کرد و  
میگفت: من تمام درد دلهايم را

به او می گفتم".  
خواهر دیگر علیرضا در مورد  
پیوند او با توده ها میگوید: "علی  
معتقد بود که اگر بخواهیم با  
انسانها پیوند بخوریم، باید این  
پیوندها را خیلی عمیق و از روی  
ویژگیهای انسانها باشد. میگفت  
که هر انسانی یک وجه حق دارد که  
ما باید آن را پیدا کنیم و با آن وجه  
حق پیوند بخوریم و لو کوچک باشد  
یکی از خواهرهای علیرضا در مورد  
فعالیت او در زمان انقلاب می-  
گوید: "زمان انقلاب پدرم بندهت  
مریض بود و علی به جای او به  
مغازه میرفت. صبح میرفت و شب  
خسته کوفته بر می گشت و وقتی پدرم  
می پرسید چقدر فروش داشتی، می-  
گفت هشت تومان. بخاطر اینکه  
مغازه را می بست و به تظاهرات  
میرفت. علیرضا شبها تا صبح  
اعلامیه دست نویس میکرد و اینکار  
را خیلی پیگیر انجام میداد حتی  
یک بار آنقدر نوشته بود که ۱۵۰  
اعلامیه زیاد آورده بودیم."

وقتی پدرم فوت کرد، علیرضا  
به مغازه رفت و در همانجا یک  
حسینیه و کتابخانه درست کرد  
بچه های محل را جمع میکرد و سرود  
و نقاشی یادشان میداد. سرودها  
قرآن را بصورت سرود در می آورد  
و با معنی ساده ای به بچه ها یاد  
میداد."

ویژگیهایی که خانواده علیرضا  
در مورد او بر می شمارند بسیار است  
میگویند او هفته ای دو روز را حتما  
روزه می گرفت. نمازش را همیشه  
سروقت می خواند. نماز شب علی  
ترک نمی شد.  
خانواده علیرضا میگویند: او  
هنگام نماز صبح قرآن می خواند  
و با قرآن خیلی ممارست داشت  
می دیدیم با آنکه روزه بود کوله  
خود را پرا سرنگ کرده و کوه میرفت  
بعد که به خانه می آمدند میخواند  
و می گفت نمی دانید که این نماز  
خواندن چه لذتی برای من دارد  
در کوه ار راه تکراری خیلی بدش  
می آمد. بطوریکه یک راه را دوبار  
نمی رفت و سعی میکرد یک راه جدید  
- تر پیدا کند. در زندگی هم از



### مروری بر زندگی مجاهد شهید

کار تکراری خوش نمی آمد و همیشه می خواست کارش بهتر بشود. خانواده علی رضا می گویند: "ویژگی مهم علی، لوطی منش بودن و معرفت خاص بود که در تمام طول عمرش خیلی جلوه داشت. علی رضا روی تشک نمی خوابید، گاهی طرفها را می شست یا غذا درست می کرد. می گفت اگر همیشه مادرمان کار کند، ما او را استعما ر کرده ایم."

آنچه که موجب بسیج علی رضا به سوی جبهه شد، شناخت حرکت حسین فهمیده آن طفل ۱۲ ساله بود. می گویند آنقدر شیفته حرکت این طفل ۱۲ ساله که املم او را رهبر خویش نامیده، شد که خودش فقط با ۱۵ تومان پول روانه جبهه شد.

علی رضا از جبهه که می آمد همه احساس میکردند که عاشق جبهه شده است، از روابط بین رزمندگان از روحیات و عبادت های جبهه و... تعریف میکرد می گفت آنجا از این عمارت های چند طبقه خبری نیست سنگرها در ندراد و همه از وسایل هم استفاده می کنیم. می گفت مردم اهواز تلفن خانه شان را مجانی در اختیار رزمندگان قرار میدهند می گفت آنجا خدا مالک است و ما امانت دار هستیم، آنجا می توانیم نمونه ای از جامعه امام زمان (عج) ببینیم.

قسمتهایی از نامه های شهید علی رضا سموات به خانواده اش: بنام خدای شهیدان چندان عتی به حمله مانده امشب به احتمال زیاد شاید حمله انجام بگیرد امشب همه به وعده ها میخوانند و فاکتورهای خون که با خمینی روح خدا بستیم میرویم که تحقیقش بدیم امشب من خونم را بخاطر تحقق اسلام راستین که تبلور آن در شرایط حاضر فتح کربلا و فتح قدس عزیز و در نهاست تحقق کامل امت واحده است میدهم.

امشب من خونم را بخاطر اصالت انسان و اصالت کیفیت و اصالت علم وحی و اصالت ایمان و اصالت فطرت و نیاز میدهم.

امشب خونم را بخاطر راهی مردم مستضعف از قید و بند آمریکا ای جنایتکار و اسرائیل غاصب میدهم و امشب خونم را بخاطر تداوم راه حسین فهمیده میدهم و... (( به امید با خدا روشن ))

درستاد خراسان یک سلمانی است که سرچه ها را میزند و میگوید برای هر سری که میزنم باید ۵ تا صلوات بفرستید و این خیلی

جالب بود و یک خیاط در شهر اهواز بود که شلوار و فرنج بچه ها جبهه را درست می کرد و به جای دستمزد از بچه ها صلوات می خواست و واقعا ما کار صلواتی را می دیدیم حال تصور کنید که همه به این صورت کار کنند، به میزان زحمتی که در کارشان می کشند، صلوات از مردم بخواهند، آیا بهترین نوع روابط تولید و توزیع و امام زمانی (عج) این نیست؟ تحقق این حرف امام صادق (ع) که جیبها در جیبها معیشتی یکی میشوند همین است.

"در بین راه مسئله ای که خیلی قابل توجه بود، کار ایثارگران به جبهه ها رسیدگی بود از جمله ساختن جاده شنی به طرف الله اکبر زدن پلهای مختلف تعمیر ماشین آلات آوردن آب با تانکر، ساختن تانک کندن سنگر "بالودر" تا مین غذا ساختن کتابخانه در پادگان حمید و مبارزه در جبهه ها و... واقعا انسان به این فکر می افتاد که بقیة السیف واقعی (بقای رزمنده) (۲) که واقعا از نزدیک در زالمس میکنند و در جبهه ها حضور دارند و کار بدون توقع و هیاهو انجام می دهند، همینها هستند و پیشنهادی، که هست این که کسانی که می خواهند بروند جبهه، حداقل یک ماه در جبهه خدمت کنند بعد به خط مقدم بروند."

بچه مدرسه ایها مدرسه اصلی خود را پیدا کرده اند. مدرسه انقلاب را که مدیرش امام خمینی است.

علیرها با تمام ویژگیهایش تنها یک سرباز ساده امام زمان (عج) و امام خمینی بود که به دعوت رهبرش برای حضور در میدان نبرد حق و باطل مشتاقانه لبیک گفت و براه اسلام و امام شریعت شهادت را نوشید.

خداوند لئورا به خلوص و پاکبازی این شهادت قسمت میدهم که ما راه را مستقیم، که راه امام و انقلاب است، بیشتر پیوند بدهی خداوند، تورا به شهادت مادر دل سوخته ای که عزیزان خود را به راهت داده اند، قسمت میدهم که امامان را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) حفظ کنی. خداوند، تورا به شهادت زنده و زنده تر قسمت میدهم که به این ملت عاشق و شهادت طلب، توانایی بدهی که راه اسلام و امام را تا آزادی کربلا و فتح قدس و تا برپایی "امت واحده" جهانی تداوم بخشند.

"والسلام"

پاورقی (۱) - صلوات یعنی خیر و برکت و دعا بر محمد و آل - محمد و بزرگترین برکت برای محمد (ص) و آل او، تحقق اسلام است و اکنون صلوات، گسترش اسلام است از طریق جنگ اسلام و کفر، برهبری امام خمینی

پاورقی (۲) - بقیة السیف به معنای رزمندگان باقی مانده از کارزار حق و باطلند.

جنگزده ها به منطقه آمدند و مرغداری درست کرده اند کشاورزی و دامداری می کنند و به کارهای دستی مثل قالی بافی و... اشتغال دارند. در صورتیکه قبل از جنگ اهالی منطقه با وجود امکانات وسیع، کاری انجام نمی دادند و از نظر اقتصادی هم فقیر بودند.

با دید توجه داشت در مقابل این شیوه برخورد هادیت آمیز با توده ها، بعضیها می گفتند: ای بابا اینها که نماز نمی خوانند و سبیلشان به دهان نشان رسیده به اینها اصلا نباید شهید گفت این افراد بجای درک جوهره خدا جوی آنها، ظاهرشان را ملاک قضاوت قرار داده اند. همین عشایر که بوئی از اسلام و انقلاب نبرده بودند در جواب اسرای عراقی که پرسیده بودند سلاح شما چیست (چون دست همه آنها برنودیده بودند) پاسخ میدهند، ما مسلح به الله اکبر هستیم. یعنی تا این حد به اسلام ایمان پیدا کرده اند که استفاده از سلاح برنو را بدون تکیه بر ایمان نمی بینند و تنها با سلاح برنو که اصالت انسان در آن نهفته است با تانکهای عراقی به مقابله پرداخته اند.

اسرای عراقی در برابر جواب آنها شگفت زده شده و مرگ برصدام میگویند. آنها با همین سلاح برنو ۸ تانک عراقی را شکار و دستوپا خانه و خدماش را نابود کرده و در برابر ضحله عراق بخوبی مقاومت می نمایند.

این برادر رزمنده با بسیج اهالی منطقه، گامیشان را هم از زیر سلطه عراقیها بدر آورده بود ولی متاسفانه بعثت ترسیدن امکانات و نیروی کمکی ناچار به ترک منطقه گردید. این امر عمدتاً بدلیل آن بود که به بسیج توده های منطقه بهای کافی داده نشده بود. اینجا است که باید ذهنیت خود را شکسته و تسلیم واقعیت های برتر که در جریان عمل صالح جوشیده و با رور شده است بشویم و نیروها و امکانات را در خدمت جوهرهای انقلاب که با تمام وجود در پی تحقق دفع تجاوز و بعث عراق هستند قرار دهیم.

برداشت از نشریه بسیج از مساجد "کشا و رزی و دامداری و... نه تنها مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ را می توان حل نمود، بلکه بسیج آنها در جهت عمل صالح زمان خود نیروی عظیمی بر علیه دشمن میباید شد. الان هم خیلی از خانواده ها رگشته اند و بسیاری از

### جنگ و تعالی ...

آنها راهی نیافته است در آنجا ایلی هست بنام قلخانیان که علی الحقی (علی الهی) هستند و بهمین دلیل با اهل تسنن منطقه اختلاف زیادی پیدا کرده اند تا جائیکه همدیگر را به قتل می رسانند. از آنجا که مسئله اصلی این برادر رزمنده، دفع تجاوز و کفایتی می بود و بهترین شیوه را بسیج اصولی توده ها می دانست، با تلاش شبانه روزی خود کوشید تا آنها را هم به لزوم دفع تجاوز برساند. لذا ابتدا با یکار اندازی آنها و با زک کردن مدارس، نیازهای اولیه آنها را پاسخ گفت و از موضع همدردی با آنها، فطرت ضد ظلمشان را بیدار نمود و با معرفی دشمن اصلی یعنی صدام متجاوز، از نزاع های فرعی بین آنها جلوگیری کرده و آنها را به دفاع از آب و خاک خود که در اشغال کافران است ترغیب کرد. به این ترتیب پس از مدت ها بین آنها

الفتی عمیق برقرار نمود تا جائیکه دو قومی که با یکدیگر دعوا داشته و کشت و کشتار میکردند، به برکت وحدتی که در جنگ اسلام و کفر یافته اند، تاکنون هفت خانوار از آنها با یکدیگر ازدواج کرده اند.

برادرش که از این برادران همین بس که مردم آن منطقه خودشان می گویند که اگر برادر... نبود حالا ما ضدا انقلاب بوده و طرف بعثیها رفته بودیم. این برادر با برخورد های متناسب انگیزه حق طلبی آنها را بیدار کرده است بطوریکه حالا آنها با کفایتی جنگند و حتی پیشروی هم کرده اند. برخی از جوانان ایشل می گویند ما برای اسلام و امام می جنگیم پیرمرد هایشان می گویند تا عراقیها اینجا هستند خواب به چشمان نمی رود باید اینها را بیرون کرد هر کس از آب و خاکش دفاع نکند، غیرت و ناموس ندارد در این منطقه جایی هست بنام

**در جنگ جوهره انسان که باید همیشه متحرک و فعال باشد، بروز می کند.**



# زندگی اخروی...

موی دماغ امیریا لیسیم است. شیوه زندگی جان برکف.

یا می‌بینیم که امام حسن (ع) سرور آزادگان، از مدینه تا کربلا زندگی اخروی و جان برکف داشتند که جداگانه به یاد شرح آن پرداخت اصولاً جنگ چریکی و خودکفای و دراز مدت علیه امپریالیسم که موجب وحشت امپریالیسم نیز هست، نسبتی از این زندگی اخروی را تشکیل می‌دهد. برای درک کامل زندگی اخروی و ریشه یابی ایدئولوژیک آن به زندگی اخروی شماره ۲ رجوع شود، که در آن ما در صد آنگاه به توجه به رهنمودهای اسلامی، ریشه‌های ایدئولوژیک زندگی اخروی را تبیین کنیم. باره‌ای از این رهنمودها عبارتند از:

- ۱- "کن فی الدنيا کما نکت تموتغدا" ابدأ و کن لآخرت کما نکت تموتغدا"
- ۲- "من لامعاش له لامعاده"
- ۳- "الدنيا مزرعة الاخرة"
- ۴- "کل یوم عشا شورا و کل ارض کربلا"

پا و رقی (۱): برای شناخت بیشتر زندگی اخروی، به شرح زندگی مجاهد شهید علی‌رضا سادات که در همین شماره راه مجاهد آمده است، می‌توان رجوع کرد.

## زندگی اخروی؛ عامل پیروزی بر امپریالیسم (۲)

بنام الله  
پاسدا ر خون شهیدان

نه مرگ بی مقصد، نه هدرتس از مرد، ایمان، هدف، زندگی، جان رشد و گسترش انقلاب اسلامی هر روز ما را به تبیین واقعی تری نسبت به مسائل سیاسی ایدئولوژیک می‌رساند. یکی از این مسائل روشن شدن مفهوم صحیح و مکتبی "من لامعاش له لامعاده"، یعنی تبیین رابطه صحیح بین دنیا و آخرت است. در این رابطه برداشتهای مختلفی وجود دارد که ای صرفاً به اقتصاد و با اهمیت داده و آنرا به واژه "معاش" مستند می‌کنند و راه را از آن نتیجه می‌گیرند. جریانی دیگر در زندگی صرفاً معاد و آخرت جدای از دنیا را هدف خود قرار می‌دهد. اما در این

میان جریانی نیز هست که به دنیای جدای از آخرت و یا به آخرت جدای از دنیا اصالت نمی‌دهد، بلکه هدف از زندگی را نزدیکی به خدا و اجرای قوانین الهی از طریق رشد و گسترش امت و احده می‌داند که در این راه شهادت نیز نتیجه‌ای طبیعی است. عدم درک رابطه صحیح میان دنیا و آخرت موجب بروز این دیدگاهها می‌شود که بی‌شک خطوط استراتژیک را نیز از خود منترمی‌سازد.

از این رو ضروری است به بررسی وجوه تحقیقی دیدگاهها فوق‌پرداخته و به درک واقعی نسبت به رابطه زندگی دنیوی و اخروی دست بیاوریم تا بیاوری خداوند متعال بتوانیم قانونمندی زندگی مکتبی را در لحظه زندگی خویش تحقق داده و پیوند ما را با انبیاء و ائمه اطهار (ع) افزونتر گردانیم و نقش بیشتری در حرکت انقلاب بسوی تشکیل جبهه واحد مستضعفین ایفا کنیم.

### چگونگی رابطه معاش و معاد

۱- تفکر رفاهی، (اصالت معاش) این تفکر مبنا از زندگی را اقتصاد و تولید و رفاه میدانند و معتقد است کسی که اقتصاد ندارد، معاد هم ندارد و معنای معاش را در عبارت "من لامعاش له لامعاده" اقتصاد دیده گرفته و می‌گوید کسی که مرفه نباشد، معاد و قیامت هم خراب است و دورکت نما زیرا به صد پیرشانی می‌خوانند. این جریان اقتصاد را به مفهوم اقتصاد کلاسیک و معمولی تلقی کرده و آن را به صورت مبتذل عیش و نوش تعبیر می‌کند. این جریان، اعتقادی به زندگی هدفدار نداشته و تنها به زیستن و بقا، صرف اهمیت میدهد و نقش ایمان و عقیده را در زندگی نادیده می‌گیرد و چون برداشتن از معاش غلط بوده و آنرا رفاه میدانند، در نهایت به آنجا میرسد که میگوید شکمی که گرسنه است دین و ایمان سرش نمی‌شود. یعنی ربط معاد و معاش را در زندگی رفاهی و اقتصاد دیده جستجو می‌کند. اینها همانها هستند که که اسلام را دین حای می‌سرما به داری میدانند و معتقدند که در راه خدا قسمتی از ثروت سبکان را میتوان برای سیر شدن شکم فقیر بخشید و در مقابل آخرت را خرید. این تفکر بدلیل اصالت دادن به بقای صرف در زندگی بفرجه بیشتر رنده ماندن است. در نتیجه روحیه شهادت طلبی در آن به مرور از بین رفته و زنده ماندن به هر شکل ممکن برایش اصل می‌شود. این جریان همیشه در پی آنست که به حاکمیت رسیده و اقتصاد خود را هر چه بیشتر تا مین نماید و در راه رسیدن به چنین معاشی نیز از اتخاذ شیوه‌های اصولی و مکتبی که امکان خطر و رحمت دارد، فرار کرده و به دام شیوه‌های سازشکارانه و محافظه کارانه

میا افتد. زمانیکه زندگی و ماندن در این دنیا اصل باشد، به هنگام درگیری و مقابله با دشمن به نیرو و امکانات و تجهیزات آن بها داده و به خود اجازه جنگیدن و مقابله با آن را نمیدهد و نتیجتاً به صلح و سازش با دشمن کشیده می‌شود و اگر مجبور به مقابله گردید، در صد آن است که به شکل عکس العملی خود را نیز به نیرو و امکانات دشمن مجهز و مسلح گرداند و از پیچیده ترین ابزار و بیشترین نیرو در مقابل دشمن برخوردار باشد. بعنوان نمونه زمانیکه امام حسین (ع) قصد عزیمت به کربلا و مقابله رودر رو با لشکریان یزید را داشت، برخی از اطرافیان امام، به ایشان می‌گویند چون تعداد لشکریان یزید از تعداد یاران تویزیا دتر بوده و از تجهیزات بیشتری برخوردار هستند، از مقابله با آنها صرف نظر کن و به یمن برو و حکومت آنجا را که مردم آن را رادت خاصی به خاندان اهل بیت دارند، برعهده بگیر. و یا این خلسه بدین

**\* شهدا حرکتهای خودشان را صرفاً بخاطر ترس از قیامت و یا شوق بهشت، انجام نمیدهند بلکه به خود خدا، به الله که رب العالمین و پرورش دهنده و جهان و حاکم بر دنیاست فکر میکنند. به شوق خدایی حرکت میکنند که هم الله این جهان است و هم الله آن جهان**  
**\* در دیدگاه مکتبی، نه زنده ماندن اصل می‌شود و نه مردن، بلکه از موضع عشق به خدا و تحقق اصول اسلام با ید زندگی کرد. اینجاست که تحقق اصول اسلام تکلیف می‌شود.**

می‌گوید: امام حسین (ع) از نظر اخروی آدم خوبی بود. رفت و شهید شد، ولی از لحاظ دنیوی علم معاش و علم حکومت را نمیدانست و محاسبانش غلط بود. خلاصه اینکه می‌خواهند بگویند امام حسین (ع) مرد آخرت بود ولی مرد دنیا نبود و اسلام آخرتیش است بود. این تفکر در واقع معتقد میشود که برای بدست گرفتن حکومت اسلامی با ید سلاح پیچیده و اکثریت نیروها را بدنبال داشت که این همان منطق اصالت ابزار و اصالت اکثریت (دموکراسی غربی) است. بنا بر این میتوان گفت که این دیدگاه، بعلمت برداشت نادرستی که از حرکت امام حسین (ع) و حدیث "من لامعاش له لامعاده" دارد، راه معاش و بقا خود را در اکثریت فرا گرفت و داشتن نیروی کمی می‌بیند. عینیت این تفکر را در جبهه‌های جنگ اسلام علیه کفر بخوبی میتوان

را از همه تا مین رفاه و افزایش تولید میدانند، بعد از پیروزی ۲۲ بهمن، انقلاب را تمام شده تلقی کرده و صدور انقلاب را قبول داشتند و میگفتند خالا که انقلاب پیروز شده ما با دنیا به‌ها حکومت خودمان را محکم کنیم و کارهای کشورهای دیگر نداشته باشیم. چرا که بخاطر صدور انقلاب، ارسوی بر قدرتها مورد حمله قرار گرفته و امنیت و معاشمان بهم می‌خورد این فتر بعد از شروع جنگ تحمیلی آرامدن میگه‌ای عراقی بر سر راه آسمان ایران به وحشت افتاده و بهمین دلیل معتقد بودا انقلاب اسلامی ایران با ید کوتاه آمده و دست از صدور ارزشها و شیوه‌های مکتبی در جهت قیام جبهه مستضعفین علیه مستکبرین بردارد تا جنگ پایا ید برد و آرامش و امنیت برقرار شود. اینها بدلیل آنکه بقیه در صفحه ۲۲



# زندگی اخروی...

جنگ، زندگی رفاه‌هایشان را سخطی می‌آید و ادای آن را با مشکلات از قبیل کمبودها و نیاز روزانه مواجه می‌ساخت، در شیوه‌ها به سازش افتاده و محافظه‌کارانه پیش می‌رفتند و خواهان خاتمه جنگ از طریق مصالحه بین اسلام و کفر بودند. در نتیجه از خط انقلاب و رهبری آن جدا می‌شدند.

۲- مرگ شتابان یا مرگ زودرس جریان دوم نیز رابطه صحیحی بین معاش و معاد برقرار نکرده و تنها به معاد اصاله می‌دهد که آنکه رابطه آن را با معاش مورد توجه قرار دهد، بطوریکه معاد را بصورت یک اصل ایدئولوژیک جدای از معاش می‌داند. این جریان معاش را هدف قرار نداد و در خدمت معاد خویش قرار نداد تا از طریق تحقق معاد در لحظه لحظه زندگی خویش دنیا را مزرعه‌ای برای آخرت بگرداند "الدنيا مزرعة الاخرة". تحقق این تفکر در خط مشی به دو گونه متجلی است. یکی اینکه در زندگی خواهان مرگ شتابان است تا هر چه سریع‌تر به آخرت بپیوندد و به سعادت برسد. بدون آنکه رشد خود را در رابطه با حل معضلات و سختی‌هایی که در راه رسیدن به کمال وجود دارد، ببیند و آخرت را زندگی پر جوش و خروش و ترمیم‌ناپذیر و ارزشمند و تکامل انسان بحساب آورد. جریان دیگری که به معاد اصاله داده و به معاش بها نمیدهد، در عین حال ممکن است گوشه‌ عزلت اختیار کرده و از مشکلات و تضادهای جامعه دوری نماید و در پی عرفان و نزدیکی به خدا و عبادت جدای از عمل صالح زمان باشد و نسبت به آنچه که در اطرافش میگذرد بی‌خبر و فعال ننماید. این جریان قادر به درک این سخن حضرت محمد (ص) نیست که می‌فرماید:

"من اصبح ولم یهتبا مسور المسلمین فلیس بمسلم"  
"آنکه یک روز بگذرد و در اصلاح امور مسلمین چاره‌ای نیندیشد، مسلمان نیست."

برخی از افراد با این اعتقاد به جبهه می‌روند که شهید شوند. از این روشها در درگیری‌ها و در راه مستقیم با کافران بعثی شرکت میکنند و به سایر کافرانی که در جبهه و پشت جبهه لازم است انجام گیرد، بهای چندانی نمیدهند. کافرانی از قبیل سنگرکنی و شناسایی منطقه و خنثی سازی مین و تهیه و رساندن تدارکات آموزش فنون رزمی و... از جمله اموری است که در برنامه ریزی یک

حمله باید در نظر گرفته شود. اما این در این موارد نزدیک و قرب به الله و رشد خویش را نمی‌بینند تا جایی که بدون توجه به تمام جوانب، دست به حمله می‌زنند در صورتیکه ما مدبریم ما خیر خود در رابطه با فتح بستان فرمودند: "آنچه برای اینجانب غرور - آمیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سر با حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا هستند، می‌باشد و اینست فتح الفتوح" اما خمینی به وجود چنین رزمندگانی که در طی جنگ تحمیلی در جبهه‌ها جنگ حق علیه باطل رشد کرده و توانسته‌اند تا بدین چنین حمله وسیعی بیشترین ضربه را به کافران بعثی وارد آورند، تیریک گفته و وجود چنین رزمندگانی را پیروزی دانسته و فتح الفتوح - می‌نامند. از اینرو حفظ جان رزمندگان در جریان نبرد از طریق انجام مقدمات حمله و پاکسازی میدانها مین و استفاده از سایر شیوه‌های امنیتی، امری اساسی است. بنا بر این سربازان اسلام به میزانی که در جهت حل معضلات و مشکلات جبهه و انقلاب و رشد و گسترش امت واحد اسلامی تلاش میکنند، رشد کرده و به الله تقرب می‌جویند و این خود مرتبه‌ای از شهادت است چنانچه ما نیز با رها در برابر تقاضای جوانانی که از ایشان طلب دعا برای شهادت کرده‌اند می‌گویند جوانهایی که پیش من می‌آیند و می‌خواهند که برای آنها دعا کنم تا شهید شوند، من دعا می‌کنم که پیروز شوند و انشاء الله صواب شهادت را ببرند.

امروز رزمندگان مکتبی رشد خود را در برآورده ساختن نیازهای جبهه در جهت آزادی کربلای خوزستان با شیوه‌های اسلامی دانسته و در کارهای ظاهراً کوچک نیز قرب به الله را احساس می‌نمایند و در این رابطه الگوی خود را امام حسین (ع) قرار میدهند که حضرت عباس (ع) را که فرمانده لشکر اسلام بود برای تهیه آب که از ضروری‌ترین نیازهای جبهه اسلام گشته بود، فرستاد. اگر چه این امر ظاهراً درگیری بود در رویا دشمن به حساب نمی‌آمد.

حضرت عباس (ع) برای برآوردن این نیاز جبهه حق سعی و تلاش بسیاری نمود تا آنجا که دشمن دودست و ی را قطع کرد و با لاشه‌ها و ربا شهادت رساند. آوردن آب شایسته‌ها را کایساده و کوچک بنظر برسد اما امام حسین (ع) بهترین گادشرا

که علمدار لشکرش نیز بود، برای انجام اینکار ما مور کرد، بدان دلیل که نیا زجبهه اسلام و بقای رزمندگان بستگی به این آب داشت به این ترتیب عشق به آخرت اگر موجب طلب مرگ شتابان گشته، انسان را از تلاش جهت کشف شیوه برای حفظ بقای رزمندگان زدارد، خودیه‌ها تسخام نیروها حق ضربه می‌زند و باعث میشود رزمندگان نیکی می‌توانند مشکلات و معضلات جنگ را حل کنند، یکی پس از دیگری زدست بروند و امکان انتقال تجربیات جبهه به سایر رزمندگان از بین برود.

### ۳- زندگی جان برکف

دیدگاه سوم نسبت به عبادت "من لامعاش له لامعاده" معتقد به وجود رابطه نزدیک میان معاش و معاد است و این رابطه را همانا تحقق "ان الحیات عقیده و جهاد میداند و جهاد در راه الله راز زندگی

دفاع از ارزشهای اسلامی و انسانی و برقراری روابط صحیح بین انسانها می‌باشد. بقول امام "دعوی ما بر سر اسلام است زیرا معتقدیم که تنها با عمل به قوانین خدا می‌توان سعادت مند شد. حال اگر در این راه کشته شدیم، این امر عین زندگی است مگر نه اینکه امام حسین (ع) می‌فرماید: "ان الحیوة عقیده و جهاد".

در این جا شهید، زندگی‌جان بر کفر مطرح میکنند و این همان چیز است که حضرت علی (ع) به یکی از اصحاب خود می‌گوید: "کن فی الدنيا کانتک تعیش ابدًا و لا یرتک کانتک تموت غدا" "در مورد زندگی در دنیا

طوری باش که گویا تا ابد زندگی می‌کنی و در مورد آخرت طوری باش که گویا فردا خواهی مرد. یعنی در دنیا کارها را باید مرحله بندی کرد و استراتژی و خط مشی در دست

دفع تجاوز، سقوط صدام، آزادی کربلا و فتح قدس به جبهه‌ها می‌شاید و معنای عیش و زندگی از نظر آنان زندگی اخروی است. این رزمندگان در جبهه‌ها - بی که هر لحظه ممکن است ترکش خمپاره به آنها اصابت کند و شهید شوند، از یکطرف برای آینه‌دهی برنا مریزی در از مدت دارند و از طرف دیگر شهادت را با شوق پذیرا هستند. برای مثال می‌بینیم که مجاهد شهید "عبدالرضا مهاجری مقدم" هنگام بازگشت از شهر بیهوش جبهه‌ها خودتخم سبزی می‌برد.

با اینکار، می‌خواهد بگوید ما جنگ طلب نیستیم و در جنگ حق و باطل اگر در وجه حقش قرار بگیریم این خود یک نوع زندگی است، "امت واحد" است. این رزمندگان هم مبارزه میکنند و هم تولید. اسلام را یک مکتب مبارز و مولدی دانند. از



آنچه برای اینجانب غرور آمیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا هستند می‌باشند و اینست فتح الفتوح"  
امام خمینی

یکسودر جبهه‌ها به نبرد رود رو با مزدوران کافر بر می‌خیزند و از سوی دیگر سبزی میکا رند و کتا بخانه و مسجد و حمام درست میکنند. و گاه سیاسی - ایدئولوژیک دارند و با این شیوه‌ها به زندگی طبیعی خود ادامه میدهند. چنانچه مجاهد شهید "علیرضا سماوات" در نامه - ای خطاب به مادرش نوشته است "به همه بگوئید که ما زندگی طبیعی مان را دنبال می‌کنیم و جنگ را ادامه زندگی طبیعی خود میدانیم و هر کس مخالف این جنگ است زندگی او را غیر طبیعی میدانیم". اوزمانی به جبهه

داشت. اما در عین حال باید به زندگی ابدی و اخروی هم هر لحظه فکر کرد. این زندگی جان برکف است. یعنی نه زنده ماندن اصل می‌شود و نه مردن بلکه از موضع عشق به خدا و تحقق اصول اسلام باید زندگی کنیم و روح حاکم بردنیا و آخرت ایمان به جاودانگی آنها در سایه ابدیت ذات پروردگار است اینجاست که تحقق اصول اسلام تکلیف می‌شود. همین طور انگیزه رزمندگان برای رفتن به جبهه، قرب به الله از طریق تلاش برای گسترش اسلام و انقلاب است، از همین روست که رزمندگان مکتبی به منظور

واقعی و مکتبی قلمداد کرده و رشد و گسترش امت واحد و تحقق اصول اسلام را وظیفه و تکلیف میدانند. از این رو همیشه سعی در تار معضلات و مشکلات و تضادهای موجودا انقلاب راحل کرده و روابط انسانی و اسلامی را درجا مع پیاده کند. این جریان رشد و تعالی خویش را در گرو تحقق توحید در غالب عملکردها و شیوه‌ها میدانند. چنانچه در وصیت نامه شهدا این مسئله بخوبی دیده میشود. برای نمونه مجاهد شهید عبدالرضا مهاجری مقدم در ابتدای وصیت نامه‌اش چنین می‌نویسد: نه برای زنده ماندن می‌رویم. و نه برای کشته شدن، بلکه هدفمان



# افشای

## جبهه‌رهائی از دست امام

بنام خدا ای شهیدان

نهضت مجاهدین خلق ایران در طول حیاتش همواره سعی در مبارزه‌ای اصولی با جریانهای انحرافی و مخالف انقلاب اسلامی داشته است. ما با برخوردی منطقی و انقلابی از موضع ضد امپریالیستی - صهیونیستی و ضد ظلمی از مبارزه با ساواک گرفته تا مقابله با جاسوسان، حمایت از اشغال لانه جاسوسی گرفته تا مقابله با کمیسیون تحقیق و انتقال گروگانها و همینطور مقاله و جزوات و کتابهای تحلیلی فراوان به مبارزه‌ای اصولی با این جریانات انحرافی و اصلی‌ترین آنها یعنی لیبرالهای وابسته پرداختیم.

سال گذشته با تحلیل مشخصی که از شرایط حاکم بر جامعه داشتیم توطئه‌ای پیچیده را که از طرف یکی از این جریانات لیبرالی بر علیه خلق مستضعف‌ها در شرف تکوین بود کشف کردیم و با امکانات محدودمان به مقابله با آن پرداختیم.

انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی هر روز کمیگردد ضربه جدیدتری را بریکر امپریالیسم جهانی و صهیونیسم وارد می‌آورد. از آنروزهای پر جوش و خروش و حماسه - ساز ۵۶-۵۷ تا ۱۷ شهریور قهرمانانه مردم تبریز، اصفهان، یزد، قم، تهران و ۲۲ بهمن و سپس اشغال لانه جاسوسی و شکست کودتای ۱۸ تیر و جریان طبس تا مستأصل شدن بعثیون کمپ دیویدی متجاوز و ۰۰۰ هر روز ضربه‌های جدی و ترورکاری تر بر منافق غارتگران، استثمارگران جهانی توسط مستضعفین ایران و منطقه وارد آمده است. هم‌اکنون شیطان بزرگ در هر لحظه از حیات انقلاب رهائی بخش و اسلامی مرگ و نابودی خود را می‌بیند.

هم‌اکنون انحصارات نظامی - صنعتی و نفتی و بانکی در هر روز که از عمر جوهر اسیل انقلاب ما میگذرد شتاب اضحلال منافع غارتگران خود را در تمام منطقه و جهان می‌بیند. از این موضع مضحل شونده و مستهلک شونده و مایوسانه است که در پی بکارگرفتن تمامی نیروهای خود برای

بسازش کشاندن و منحرف کردن و منزوی کردن حرکت مردم به کمک ایادی وابسته خود دست بکار عمل مسلحانه علیه جوهر اسیل انقلاب شدند. اگر فقط توطئه‌های دو سال ونیم گذشته پس از پیروزی انقلاب را بررسی کنیم لیست بسیار بلند بالایی را در جلوی روی خود خواهیم دید. امپریالیسم برای انجام توطئه‌های ضد اسلامی و ضد مردمی خسود در ایران از کمک‌های نیروها و جریانات داخلی نیز بهره‌مند بود و همیشه در مرتجعترین جریان داخلی که با توجه به وجود بیشترین مقدار از سنخیت و نزدیکی با امپریالیسم و صهیونیسم مهمترین پایگاه و صمیمی‌ترین دوست آنها محسوب میگشت لیبرالیسم وابسته بود.

درواقع هر ضربه‌ای که توسط انقلاب اسلامی بر ریکر شیطان بزرگ وارد می‌آمد مستقیماً "بر جسم زخم خورده" لیبرالهای وابسته ما این یاران وفادار امریکای جنایتکار زخمی جدید ایجاد میکرد و بدین سبب بود که

بمروور بار شد انقلاب اسلامی و تمیزی که در عمل پایگاه‌های شیطان بیشتر مورد حمله قرار میگرفتند یاران امریکای بیشتر هم یگرنزدیک میشدند و دستهای یکدیگر را صمیمی‌تر می‌فشرده و دشمنان قسم خورده در روز عهد و پیمان می‌بستند و می‌بندند چرا که انقلاب اسلامی به همه جناح‌های لیبرالی ضربه وارد کرده و می‌کند.

اجرای برنامه‌های عمرانی جهاد سازندگی در روستاها علی‌رغم مشکلات بسیار زیادی که وجود داشت و علی‌رغم عدم برادران جهاد توسط ضد انقلابیون، اجرای برنامه‌های انقلابی تقسیم‌زمین با وجود توطئه‌های رنگارنگ، فتودهای وابسته و حامیان آنها مصادره اموال

و کارخانجات سرمایه‌داران وابسته، تسخیر انقلابی لانه جاسوسی امریکا در ایران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و ۰۰۰ از جمله کارهایی بود که از محتوای اسیل و ضد ظلمی انقلاب اسلامی ایران بر می‌خاست. در این میان یکی از جریاناتی که با رشد انقلاب اسلامی ضربات جدی می‌خورد مترقی‌نماها بودند. اینان که در محتوای لیبرال و در شکل موضع مترقی و انقلابی می‌گیرند بار شد ابعاد و درگیری‌های انقلاب اسلامی با طاغوت و شیطان بزرگ هر روز در ستشان بیشتر رومی شد.

جنبش ملی مجاهدین (کنام) سازمان مجاهدین رانصب کرده است (بعنوان یکی از این جریانات لیبرالی با سوءاستفاده از نام شهید ای بنیانگذار سازمان و خون پاکشان برای خود وجهه‌ای مترقی و انقلابی کسب کرده بود ولی بمزور که انقلاب اسلامی رشد میکرد و پایگاه‌های امپریالیسم درگیر میشد، مترقی‌نمائی آنها نیز بیشتر رشد و موجود اینشان را برای توده‌ها از آنها میگرفت و این برای آن قدرت طلبان بسیار ناگوار بود. آنان که در رشد انقلاب اسلامی مرگ خود را می‌دیدند هر روز سعی میکردند بنحوی چوب‌لای چرخ انقلاب بگذرانند سال گذشته با جمع‌بندی از حرکات جنبش ملی مجاهدین (رجوی‌ها) از جمله حرکات آنها در خیابانها، کتاب فروشی، نمایشگاه، سرچهارراهها، حرکت امجدیه و ۰۰۰ به این نتیجه رسیدیم که جنبش ملی سعی دارد از موضع مترقی‌نمائی و انقلابی‌نمائی درگیریهایی شهرها را تشدید کرده و جنگ داخلی براه بیند از در تضامن بازداشتن انقلاب از حرکت شتابان خود جلوی مرگ حتی خود را نیز وابسته و حامیان آنها مصادره اموال بگیرد.

در آن زمان بعقیده ما هنوز برای بسیاری از مردم و نیز بسیاری از توده‌های صادقی که باز چیه دست رهبران سازشکار جنبش ملی شده بودند حق و باطل دقیقاً مشخص نبود. جریان رجوی تا حدی شکل انقلابی خود را حفظ کرده بود و دست از شعارهای انقلابی نمای خود علی‌رغم سازشکاریهای مستمر و محتوای لیبرالی‌شان برنداشته بود.

این جریان با شکل و سازماندهی ادعای ۱۵ سال مبارزه مجاهدین و وارث بودن خون شهدا را در، حال آنکه می‌دانیم جریان رجوی تبیین سیاسی - ایدئولوژیک تمام جریانات ضد انقلاب از هر قماش بود.

رمضان سال گذشته بمنظور مبارزه‌ای بنیادی با توطئه‌های کنه علیه خط اسلامی امام وجود داشت همچنین بمنظور مبارزه‌ای بنیادی با وجوه مختلف لیبرالیسم بر آن شدید تا هر چه زود تریبون جریان لیبرالی

جنبش ملی را با دیگر جریانات لیبرالی و فتودالی و براندازیشان در هیتم

هدفهای ما عبارت بود از: ۱ - مشخص شدن مرز حسیق و باطل که از یکطرف توسط تبلیغات مترقی‌نما و از طرف دیگر با بعضی عملکردهای غلط مخدوش شده بود. ۲ - با ایمان به اینکه وقتی مرز حق و باطل مشخص باشد جنگی داخلی موجب رشد حسیق و افول امپریالیسم است و او جنگ داخلی را شروع نخواهد کرد و واحد اقل به تعویق خواهد افتاد.

۳ - افشای مسعود رجوی خائن به خون شهدا برای توده‌های صادقی جنبش ملی مجاهدین و سرخوردن هدایت آمیز و دستاورد اعضا کتابفروشی آنها. ۴ - معتقد بودیم که مسعود رجوی برای پوشاندن خیانت خود در سال ۵۱ و جلوگیری از ترسزل خود در سازمان به جنگ و برادر کشی دست خواهد زد تا از این طریق رهبری خود را تثبیت کند، معتقد بودیم که بعضی شروع جنگ شعارها برای مردم ملموس تر و عینی تر خواهد شد اگر چند رانموقع ممکن بود ابهاماتش داشته باشد و با اینکار خود عده‌ای رانیز از دست بد هیتم.

بدین منظور طی چند روز با کتابفروشی‌های جنبش ملی در در خیابان برخوردار سیاسی - ایدئولوژیک گردید و انحرافات و نارسائی‌های جنبش ملی بطور منطقی و در لسوزانه آنها گوشزد شد بعلمت نداشتن امکانات تبلیغی از شیوه توده‌ها در دوران انقلاب که ارزانتترین شیوه تبلیغی نیز بود استفاده شد و آن نوشتن شعارهای تلفیقی بر دیوارها به هنگام شب بود و

بقیه از صفحه ۲۶ می‌رود یک تخته بهمرا برد و بریده خبرهای روزنامه را روی آن می‌چسباند زیرا معتقد به جدایی کار سیاسی از کار نظامی نیست چنین رزمندگان که تحقق اصول الهی را در لحظه لحظه زندگی خود می‌بینند زندگی جا نبرکف دارند و در واقع معاش را در خدمت معاد قرار داده این دنیا را مزرعه و محل برگرفتن نوبه برای آخرت میدانند. این تفکر انسان راه ایمان استراتژیک رسانده و موجب میشود در برابر مشکلات و معضلاتی که بر سر راه وجود دارد نه بی‌تفاوت بماند و نه از حل آن مایوس شود چرا که معاش او بگونه‌ای است که در قلموس آن سازش و عدول از اصول معنی نداشته و اسلام راهنمای عمل اوست.

چنین شخصی از انجا نیکه تمام شهادت هم با اسلام بوده و تکالیف شرعی خود را انجام میدهد، اگر در جریان حرکت خود بسوی الله با معضلات و مشکلاتی برخورد نماید آرامش پویای خویش را حفظ می‌کند و تمام نیروی خود را برای حل مسأله از طریق مکتبی متمرکز می‌نماید. به اعتبار چنین نگرشی نسبت به معاش و معاد است که شهدا، شهدای جاویدان میشوند. این شهدا حرکت - های خودشان را صرفاً با خاطر ترس از قیامت و یا شوق به بهشت انجام نمیدهند، بلکه به خود خدا، به الله که رب العالمین و پرورنده دهنده دو جهان و حاکم بر دو دنیا است فکر می‌کنند. به شوق خدایی حرکت میکنند که هم الله این جهان است و هم الله آن جهان این‌ها بیدلیل آنکه خدا را در لحظه لحظه زندگی خویش احساس می‌کنند هر قدر که برای حفظ بقای رزمنده‌ها نیکوشند یا مرتبه‌شان بالاتر می‌رود و در نتیجه در این دنیا هم شهید زنده هستند بشرطی که همواره دعا کنند که در مسراط مستقیم بمانند.

بر اساس دیدگاه فوق در مورد زندگی اخروی قصد آن داریم که در شماره‌های آینده راه مجاهد نمونه‌های عینی این شهیدانی جاویدان را در صحنه‌های جنگ اسلام و کفر طرح نموده و شیوه‌های مکتبی آنها را عرضه نماییم.

بدین وسیله تا حدی ماهیت رجوی و رهبران جنبش ملی را برای توده‌های صادقی جنبش ملی و مردم مبارز ایران روشن کردیم. شعارها عبارت بودند از: سید کاظم رجوی - مسعود - لاهیجی - شیخ عزالدین رجوی - مسعود هزارحانی - مسعود - قشقای - مسعود - نزهه - ابوالحسن بنی رجوی - خسروخان رجوی - عبد الرحمن رجوی و ۰۰۰ که این شعارها نقش هماهنگ کننده رجوی را در جبهه رهائی از خط امام نشان میدهند.

■ مرتجعین جریان داخلی که بهترین پایگاه و صمیمی‌ترین دوست امپریالیسم و صهیونیسم است، لیبرالیسم وابسته بود  
■ همیسانی که در عمل پایگاه‌های شیطان بزرگ مورد حمله قرار میگرفت یا ران امریکای بیشتر بهم دیگر نزدیک می‌شدند.



# دعای جبهه مستضعفین

دعای اصحاب کهف پس از پناه بردن به غار :

رَبَّنَا إِنَّا أَمِينٌ لِّدُنِّكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

دعای (طلب) اصحاب کهف :

ترجمه : بار پروردگارا تو در حق ما به لطف خاص خویش رحمتی عطا فرما و برای ما راه رشد و هدایت کامل و خاص فراهم گردان!

شرح دعا :

این دعا، دعای اصحاب کهف است که در شرایط اختناق و فشار شدید حکومت جبار دیکتاتور به غاری دور از شهر پناهنده شدند و از خداوند میخواستند تا با رحمت خاص خویش آنها را هدایت نماید تا قرح و گشایشی در خط مشیشان پیدا کنند .

دعای اصحاب کهف، دعای مبارزین و مجاهدینی است که در جبهه های اسلام علیه کفر بدنیال تاکتیک ها و شیوه های گره گشا میگردند. نظیر مین یابی و کانال زنی و شمشیر علی (ع) در جنگ خندق و... شیوه هایی که اردل مکتب اسلام برخاسته باشد دعای اصحاب کهف، دعای مبارزین و مجاهدینی است که در جبهه های حق علیه باطل بدنیال جبهه جوهر میگردند. جبهه ای که کلید پیروزی است و با فعال شدن آن سایر جبهه ها نیز فعال شده با که ترین نیروی بیشتری ضربه را بر باطل وارد می آورند .

دعای اصحاب کهف، دعای مجاهدینی است که ایمان به غلبه حق بر باطل دارند و بدنیال یافتن جگونی و کیفیت راه غلبه حق بر باطل هستند و در این راه نیازمند لطف و هدایت خاص خداوند میباشند .

دعای اصحاب کهف، دعای مجاهدینی است که مبتلا به سرگردانی مقدس شده و بدنیال خط نشی صبحی میگردند تا از سرگردانی نجات یابند یعنی که بین چند عمل صالح به دنبال صالح ترین آن میگردند .

دعای اصحاب کهف، دعای مسلمانانی است که وقتی زیر شکنجه طاغوت قرار میگیرند از خدا میخواهند که رحمتش را شامل حال آنان گرداند تا بتوانند شیوه تداوم مقاومت را بیابند بطوریکه نه اصولشان را زیر پا گذارند و نه اطلاعاتی به دشمن بدهند. دعای اصحاب کهف به زمان و مکان بستگی ندارد و طلب و نیار تمام مهاجرین و مجاهدین الی الله است .

پاورقی (۱) : رُشدا، یعنی هدایت در امور اخروی و معنای آن نسبت به رشد خاص تراست ردهم در امور دنیایی استفاده میشود و هم در امور اخروی . (نقل از مفردات راغب اصفهانی)

پاورقی (۲) : شهید دکتربهشتی در سال ۵۲ در جلساتی که داشتند گفته بودند: تقیه یعنی حفظ نیرو، تقیه یعنی ریزش کسی را که ندیم . گفته بودند از تقیه به هیچوجه معنای سکون و سازش استخراج نمیشود .

# اعلامیه های منتشره

تبریک و تسلیت راه مجاهد  
بمناسبت شهادت

آیت الله سید عبدالحسین دستغیب

" بسم رب الشهداء "

شهادت حضرت آیت الله سید عبدالحسین دستغیب راه امام

امت و خلق مستضعف ایران تبریک و تسلیت عرض می کنیم .

این ترور ناجوانمردانه در خط توطئه جدید امپریالیسم که رهبرکشی

است می باشد . علت این ترور را باید در جوهر مواضع اسلامی انقلابی

شهید دستغیب دید .

اجمالی از مواضع آیت الله . شهید سید عبدالحسین دستغیب

۱ - عشق ایشان به امام خمینی و ولایت اود رهمه سخنانیهایش

مشخص بود . ایشان در یکی از سخنرانیهای راه ولایت اهل بیت فرموده:

" هر کس ولایت امام خمینی را قبول نداشته باشد ولایت اهل بیت

را قبول ندارد . "

( سخنرانی در تلویزیون راجع به محرم ماه ولایت )

۲ - ایشان تمام وقت بدید امر جرحین جنگی می شتافت و سراعزام

نیروها به جبهه همت میگماشت .

۳ - ایشان کسی بود که ۳۰ سال تمام در شیناز مرجع شکایات تودها

بود و همه او را قبول داشتند و او سببل وحدت کلمه بود و با اینکار می

خواستند شتت و تفرقه را زیاد کنند .

۴ - ایشان موضع سرسخت علیه فتوای اله و روحانیون درباری داشتند

۵ - کسی را مشرک می دانستند که با طاغوت زمان نجنگد .

۶ - ایشان می گفت : ممکن است در برابر فتوی ، فتوای دیگر باشد

ولی در برابر حکم سیاسی ولی فقیه مراجع نمی توانند فتوی بدهند .

۷ - در دعای کیمیل مشهوری که از ایشان در تلویزیون پخش شد

در تفسیر الهی که من بلاه فعته گفتند :

خدا ایچقد ربلها را از ماد و زکر دی ، ماشاه را بیرون کردیم ، مستشاران

آمریکایی را بیرون کردیم و اینها بلاهای دفع شده است . ای مردم

قد ز نعمت امام و انقلاب اسلامی را بدانید .

رب زدنی علما و عملا والحقنی بالصالحین

\* در شماره های آینده زندگینامه ایشان را منتشر خواهیم کرد

تذکراتی در مورد شماره گذشته راه مجاهد :

چا بوندگینا مه ها شی همچون پاسدار شهید رضا مغزنی و یا شعرهایی

مثل " ره دین " از شهید قاسم علیها دیپور " بر طبق آیین نامه راه مجاهد

که خود را موظف به درج مقالات و تحلیلها ی نیروهای جبهه مستضعفین

میداند ، بوده است .

لذا از خوانندگان محترم تقاضا داریم که از این نمونه ها برای

ما ارسال دارند .

با یوز شایر خوانندگان در شماره گذشته راه مجاهد اشتباهات زیر را

لطفا تصحیح فرمایید :

صفحه	ستون	سطر	غلط	صحیح
۸	آخر	۲	دید	طور
۸	آخر	۹	طرار	طور
۱۷	آخر	اول	شهید	مرحوم
۱۹	آخر	۵	از آخر اشت	است
۱۹	آخر	آخر	خوردند	خوردند
۱۹	آخر	۳	از آخر بهمین	بهمین دلیل
۲۴	آخر	۱۵	ارتفاعات دوتیه از	ارتفاعات

سالگرد شهادت  
محمد تقی باقری  
مجاهد شهید  
گرامی باد



برای پیکارگران  
نوجوان صف توحید

درسا روز عید خون  
ایرود سرخ انقلاب  
قریبا خشم خویش را  
بر دشمن زبون برکوب  
درسا لرز تولد آتش خون  
در درازنای تحریک تاریخ  
سرود پرتو نم توحید را  
در تداوم کربلای سرخ حسین  
ای خلق پر خروش  
بر آتش تفنگ رسولان  
انقلاب  
این خصم کشتگان بیدار  
بنگر  
ای مادر افتخار افتخار  
در جبهه نبرد  
بر با ما و کوچه های شهر  
فرزند خرد سالت ای مادر  
چون مرد کارزار  
با دشمن حقیر و خوار  
پیکار میکند  
قسم به انقلاب و فرزندان انقلاب  
که خلق راه خویش را  
و امام خویش را  
در مسیر پوشش سرخ توحید  
بازیافته است  
آری، بازیافته است  
۵۹/۸/۱۵

(تقی ممدل)  
شهادت: ۵۹/۱۰/۳۰  
ذوالفقاری با داد



یادنامه در شماره آینده

## ماهنامه نخبه

در راه خدا پیشروان و مجاهدین خرد و شجاع  
شهریه نخبهت مجاهدین خلق ایران  
زیر نظر: شورای نویسندگان

مباحث امتیاز و مدیر مسئول:  
مهندس لطف الله میثمی

این سوئمن شماره  
راه مجاهد است که با اهداف  
مذکور در آئین نامه  
منشور شده است  
کلیه انتقادات  
در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه  
هر چه سریعتر در اختیار ما قرار  
دهید . با تشکر: راه مجاهد  
صندوق پستی: ۷۱/۵۴۴

با گروههای دیگری که مسلمان هستند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخوانند تفاهم داشته باشید . امام خمینی